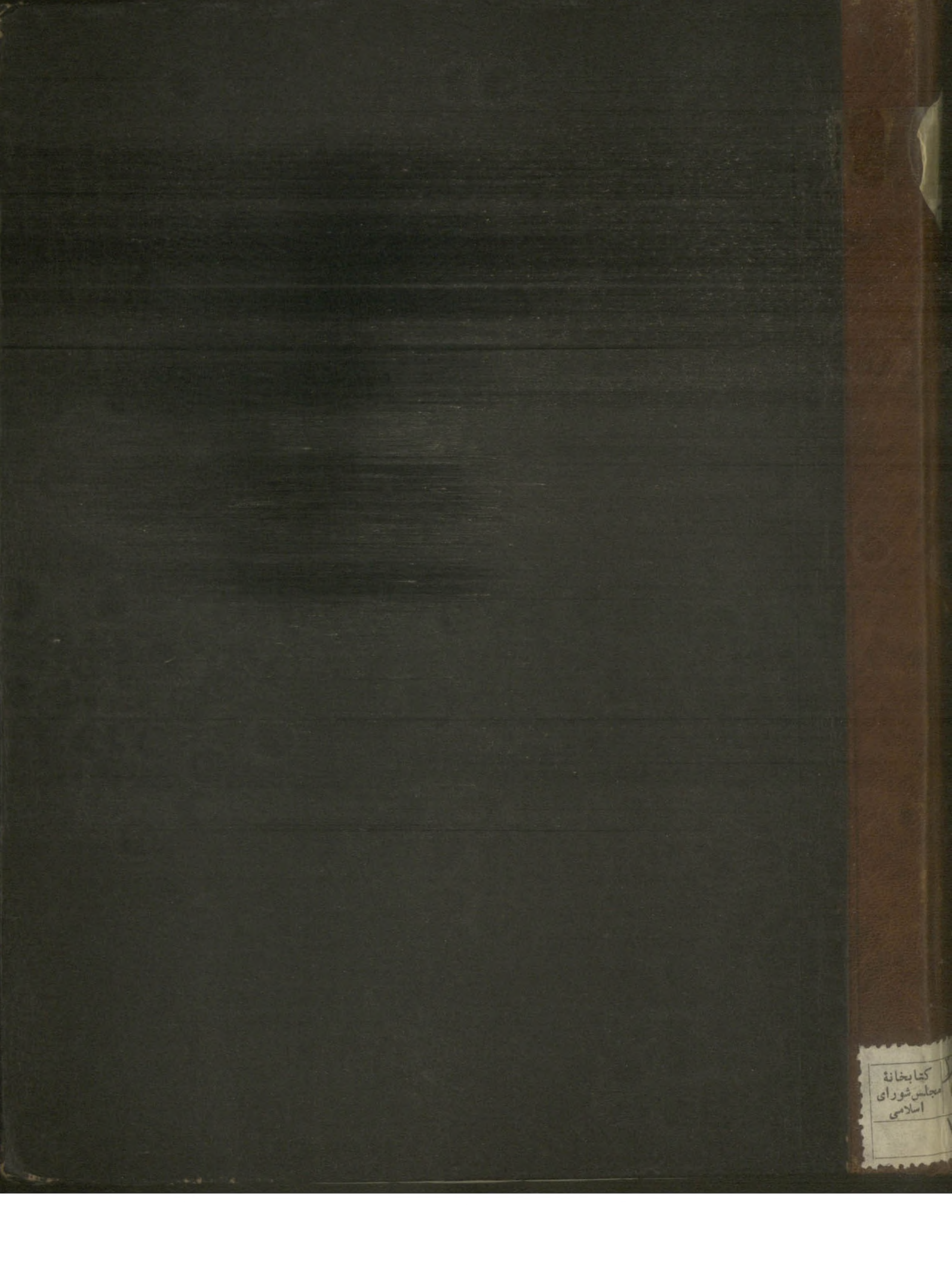

کتابخانهٔ
مجلس شورای
اسلامی

۱۳۰۰

دکتر تهرانی مفتاح

۱۱۷۹

۱۳۰۰
۱۷۴۸۰

عهدنامه‌ها، قراردادها

ایران دولتها

قاجار

فارسی

میرزا حبیب‌الله پسر میرزا محمد مستوفی

کرمانشاهانی

سنه
۱۲۷۴

فهرست
عهدنامه‌های
زمان قاجار



۱۳۰۰

دکتر تهرانی مفتاح

۱۱۷۹

۱۳۰۰
۱۷۴۸۰

عهدنامه‌ها، قراردادها

ایران دولتها

قاجار

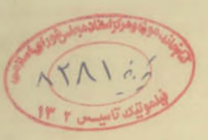
فارسی

میرزا حبیب‌الله پسر میرزا محمد مستوفی

کرمانشاهانی

سنه
۱۲۷۴

فهرست
عهدنامه‌های
زمان قاجار



عهدنامه‌ها قراردادها

ایران در زمان

قاجار

فارسی

میرزا حبیب‌الله پسر میرزا محمد مستوفی

کرمانشاهانی

سنه

۱۲۷۴

فهرست
عهدنامه‌های
زمان قاجار



فهرست عهدنامه‌ها که در این کتاب ثبت است

قهرمان الماء و الطین شهریار جم اقتدار کشور خجسته آثار ایران و توران
لازال مشارق اقباله مطالع کواکب الاجلال گردیده و مراتب وکالت
نامچه معتبره همایونیه ممهوره بمهر مهر آثار پادشاه والاجاه معظم الیه در تشیید مبانی
یکجهتی و الفت دولتین علیتین وکیل مطلق و معتمد مختار بوده و از طرف اعلیحضرت
شاهنشاه سپهر بارگاه ممالک ایران نیز عالیجاهان رفیع جایگاهان نبالت
و جلالت پناهان عزت و دولت دستگاهان مجدت و حشمت همراهان
مقربی الخاقان صدر الوزراء العظام معتمد الدوله العلیه الباهره میرزا محمد شفیع وزیر
و امیر الامراء العظام امین الحضرة البهیة القاهره حاجی محمد حسینخان مستوفی الممالک
دیوان همایون اعلا از قرار فرمان اشرف جداگانه وکالت مطلقه تفویض رفته
که با عالیجاه ایلچی مشارالیه بتمهید شرایط مودت و یکجهتی و وفاق دولتین پرداخته
ارکان اتحاد حضرتین علیتین را بنحوی که مقتضی صلاح طرفین باشد مستحکم و مشید ساخته
باشند لهذا عالیجاهان مشارالیهما بعد از انعقاد مجالس عدیده و طی مقالات
و مکالمات لازمه باستصواب و رضای یکدیگر بنای عهد و میثاق و اداء
شروط یکجهتی و وفاق فیما بین دولتین باصول مفصله که نگاشته برای اولیای
هردو دولت لازم و ثابت داشتند که از این پس هر یک بنهج مسطور

عمل و شرطی از شروط مندرجه مهمل نگذارند **فصل اول** چون
تفصیل شروط و توضیح و تعیین مقاصد جانبین موقوف بود بمکالمات
گوناگون و مجالس متعدده عجالة الوقت این وثیقهٔ میمونه که عهدنامهٔ مجمل است
مرقوم میگردد تا کاخ دوستی و اتحاد را ابدی تاسیس باشد و مکنونات ضمایر
جانبین را مبین و قرار داد اینکه من بعد عهدنامهٔ مفصل مشتمل بر جمیع مقاصد
و مطالب تمامی شرایط و ضوابط مرقوم و بخط و مهر و کلمهٔ ابدیه ثبت مختوم گردد
و به ازجمیعی دولتین بران باشد **فصل دویم** باید که این عهد خجسته که
درمیان دو دولت جاوید مدت بدست صدق و راستی بسته اند
از هرگونه تبدیل و تغییر مصون و روز بروز ملزومات و مقتضیات یکجهتی
و یگانگی درمیانه افزون باشد و پیوند مواخدت و مواخات میان این
دو پادشاه جمجاه زاد هما الله ملکا و سلطانا و ولیعهد و فرزندان و احفاد و امجاد
ایشان و وزراء و امراء و ولات و حکام ولایات و سرحدات مملکتین
ابدالدهر باستقرار ماند **فصل سیم** اولیای دولت علیه ایران برخود لازم
دانسته که از تاریخ این عهدنامهٔ میمونه هر عهد و شرطی که با هریک از دولتهای
فرنگ از حدود متعلقه بملک ایران راه عبور بطرف مملکت هندوستان
دهند با

رسمیت نداده بنحو اکید تعهد دارند **فصل چهارم** درصورتیکه لشکری از طوایف
فرنگ بمملکت ایران بیایند پادشاه والاجاه انگلستان قشون و تدارکات
و اسباب دریا در عوض آن وجه نقد و تدارک جنگ و سلاح و علوفه بقدر یکه
صلاح دولتین باشد بجهت شهریار سپهر اقتدار ایران بفرستند که در دفع
و رفع ایشان باو کمال اعانت و امداد نمایند و بعد از این قشون
یا مبلغ وجه و مقدار تدارکات و اسباب آن قرار است که در عهدنامهٔ
مفصل مشخص و معین خواهد شد و اگر احیانا بنای مصالحه فیمابین آن طایفه
فرنگ که با دولت علیه ایران نزاع و جنگ دارند و اولیای دولت
بهیه انگلیس اتفاق افتد پادشاه والاجاه ممالک انگلستان کمال
سعی و دقت و اهتمام نمایند که فیمابین ایران و آن طایفه نیز رفع دشمنی
و نزاع شده و صلح واقع شود و اگر خدا نخواسته این سعی بکار نرسد
شاه والاجاه انگلستان بطریقیکه مرقوم شده و در عهدنامهٔ مفصل تشخیص
و تعیین داده خواهد شد قشون و لشکر یا وجه نقد و اسباب کمک ایران
مدد و این اعانت و کمک را مادام که جنگ فیمابین ایران
و آن طایفه باشد داده تا هنگامیکه رفع جدال نشود و آن طایفه با اولیای

دولت ایران صلح نمایند مضایقه در دادن کمک ننمایند و هرگاه
افاغنهٔ هندوستان را با اولیای دولت انگلیس نزاع و جدال باشد
اولیای دولت ایران از اینطرف لشکر تعیین کرده بقسمی که مصلحت
دولتین باشد بدولت انگلیس اعانت و امداد نمایند از قراریکه در عهدنامه
مشخص و معین خواهد شد **فصل پنجم** اگر از سواحل هندوستان
قشون و لشکر دار دریا ابعاث شده باشد و قبل از اذن و رخصت اولیای
دولت علیه ایران در جزیرهٔ خارک یا جای دیگر از سواحل عمان نزول
کرده باشند بهیچ وجه من الوجوه دخل و تصرف در آنجا کرده و از تاریخ
عهدنامهٔ میمونه قشون مذکوره در تحت اختیار اولیای دولت ایران
باشد اگر اولیاء رفیع جایگاه جلالت و نبالت پناه حشمت و شوکت دستگاه
فرمانفرمای هندوستان قشون مزبور را برای حراست حدود هندوستان
ضرور نداشته باشند و اولیای دولت علیه ایران خواهند برای
امداد خود همان قشون را نگاه دارند و اگر نخواهند روانه هندوستان
نمایند و در عوض قشون بطریقیکه سابق ذکر یافت و در عهدنامهٔ مفصل
مشخص خواهد شد وجه نقد برای اخراجات و تدارکات بازیافت
نمایند فصل

نمایند **فصل ششم** اگر قشون مذکور بخواهش اولیای دولت ایران در جزیرهٔ
خارک یا جای دیگر از سواحل عمان توقف نمایند باید از جانب کارگذاران
دولت ایران کمال شفقت و مهربانی نسبت بایشان بعمل آید و بحکام سایر
بنادر فارس قدغن نمایند که هر قدر سیورسات و آذوقه برای قشون مذکور ضرور
و در کار باشد بنرخ و تسعیر عادله وقت بایشان فروخته قیمت بازیافت نمایند
فصل هفتم اگر جنگ و نزاعی فیمابین دولت ایران و افغان اتفاق
افتد اولیای دولت انگلیس را در آن میان کاری نیست و بهیچ طرف
اعانت و امداد نخواهند کرد مگر آنکه بخواهش طرفین واسطهٔ صلح گردند
فصل هشتم این عهدنامچهٔ میمونه برسم و معنی محافظه مرقوم و در ضمن العهد
شرط رفت که مادامیکه این عهد جاوید برسوم و شروط مسطوره منضود بین الدولتین
برقرار است اولیای دولت دوران مدت ایران عهد و شرطی که مخالف
دوستی انگلیس و باعث اهانت و اضرار ایشان در حدود هندوستان نشود
با هیچیک از طوایف فرنگ ننمایند اینکه این عهد همایون خجسته تا ابد
پایدار باد و این پیوند میمون با اولیای هر دو دولت مانوس و فواید
آثار گردد ما که وکلا[illegible] براستی و استحکام این عهدنامهٔ مبارکهٔ میمونه را

دستخط و مهر گذاشته ایم بتاریخ نوزدهم ماه مارچ هزار و هشتصد و نه عیسوی
مطابق بیست و پنجم شهر محرم الحرام ۱۲۲۴ سنه الهجریه المصطفویه

صورت عهدنامه که وکلای دولت ابدمدت علیه ایران با سرگور اوزلی ایلچی دولت بهیه انگلیس بسته اند

الحمد لله الواقع الکافی اما بعد این مجموعه اوراق دسته گلیست
که از گلزار یگانگی و وفاق رسته و بدست وکلای حضرتین علیتین
برسم عهدنامه مفصله بر طبق صدق مفهوم پیوسته میگردد چون تا قبل از اینکه
عالیجاه زبدة النظرا سرهرفورد جنس بارونت از جانب دولت علیه
انگلیس بجهة تمهید مقدمات یکجهتی دولتین وارد دربار شهریاری شده بود
در عهدنامه مجمله مجمل فیمابین وکلای دولت علیه ایران اجل الکفات الفخام
صدر الوزراء العظام فخر الصدارة و الوزارة و الاحتشام میرزا محمد شفیع
صدر اعظم و امیر الامراء الکرام المؤتمن الحضرت العلیه العالیه
امین الدوله البهیه السنیه قوام الملک و الدوله حاجی محمد حسین خان
مستوفی الممالک دیوان معظم بانشار الیه که وکیل و سفیر دولت
بهیه انگلیس بود شروط چند که تبیین و تعیین آن بعهدنامه مفصله
ارجاع بود،

رجوع شده، مرقوم گردیده بود حال که عالیجاه رفیعجایگاه عزت و شوکت همراه
شهامت و صداقت اکتناه فطانت و درایت آگاه دولتخواه سر گور اوزلی بارونت ایلچی بزرگ دولت مزبور برای اتمام عهود و انجام
مقاصد حضرتین شرفیاب التزام درگاه خلایق پناه پادشاهی بیشتر شده و از جانب
آن فرخنده دولت وکیل و کفیل مهمات یکجهتی است وکلای این همایون
حضرت قاهره باصلاح و صواب دید مشار الیه شروع در تفصیل عهود کرده
و تفصیل مقاصد از قراریکه در فصول لاحقه دوازده گانه شرح داده خواهد شد
و امور متعلقه بتجارات و معاملات ممکن از قراریست که در عهدنامه تجارت
نامه جداگانه تعیین و مفصل خواهد گشت **فصل اول** اولیای دولت علیه
ایران بر خود لازم دانسته که از تاریخ این عهدنامه فیروز هر عهد و شرطی که
به هریک از دولتهای فرنگ بسته اند باطل و ساقط سازند و لشکر سایر طوایف
فرنگستان را از حدود متعلقه بمملکت ایران راه عبور بطرف هندوستان
و سمت بنادر هند ندهند و احدی از این طوایف را نگذارند که داخل مملکت
ایران شوند و اگر طوایف مزبور بخواهند که از راه خوارزم یا تاتارستان
و بخارا و سمرقند و غیره عبور بمملکت هند نمایند شاهنشاه ایران حتی المقدور

پادشاه و والیها و حکام آن ممالک را مانع شوند و از راه طوایف
مزبوره را باز دارند خواه از راه تهدید و تخویف خواه از راه رفق و مدارا
فصل دویم اگر دشمنی از طوایف فرنگ بمملکت ایران آمده
باشد یا بیاید و اولیای دولت علیه ایران از دولت بهیه
انگلیس خواهش اعانت و امداد نمایند فرمانفرمای ممالک هند
از جانب دولت بهیه انگلیس هرگاه امکان و قدرت داشته
بقدریکه خواهش اولیای دولت علیه ایران باشد عسکر و سپاه
از ممالک هندوستان روانه سمت ایران نمایند و اگر بعلت
بعضی گرفتاریها فرستادن عسکر امکان نداشته باشد هر ساله
مبلغ دویست هزار تومان بجهة اخراجات سپاه و بسر کار دولت
علیه ایران بدهند مادام که جنگ و جدال با طوایف مزبوره
در میان باشد وجه مزبوره بر قرار کارسازی شود و چون وجه
نقد مزبور برای نگاهداشتن قشون است ایلچی دولت بهیه
انگلیس را لازم است که از رسیدن آن قشون مستحضر و خاطر
جمع شود و بداند که در خدمات مرجوعه صرف میشود

فصل سیم

فصل سیم اگر احیاناً طایفه فرنگ را که با دولت علیه ایران
نزاع و جدال دارند با دولت بهیه انگلیس مصالحه اتفاق افتد
پادشاه والاجاه انگلستان کمال سعی و دقت نماید که فیمابین الطایفه
نزاع و دشمنی و نزاع شده صلح واقع گردد و اگر این سعی بجا نیفتد پادشاه
ولیجاه انگلستان بطوریکه مرقوم شد از مملکت هند عسکر و سپاه بکومک ایران
مامور کند یا اینکه دویست هزار تومان مقرره را برای خرج عسکر و غیره
کارسازی اولیای دولت علیه ایران نماید و این اعانت و امداد را
مادام که جنگ فیمابین دولت علیه ایران و آن طایفه باشد و رفع جدال
نشود و آن طایفه با دولت علیه ایران صلح نماید مضایقه ننمایند و شروط
مرقومه مفصله در این امداد کوتاهی ننمایند و در صورتیکه صلح فیمابین الطایفه
و دولت بهیه انگلیس اتفاق افتد باز هر وقت اولیای دولت علیه ایران
خواهند جنگ و جدال با آن طایفه نشود و معلم و غیره بجهة تعلیم و نظم سپاه ایران
خواهند اولیای دولت انگلیس بشرط فراغت وقت بقدر مقدور
البته مضایقه ننمایند **فصل چهارم** چون قرارداد مملکت ایران این است
که بموجب قشون شش ماه بشش ماه پیش داده میشود قرارداد خواهی

که بعوض عسکر از دولت بهیه انگلیس داده شده چنین شد که وجوه مزبور را
ایلچی آن دولت بهیه هر چه ممکن شود زودتر و پیشتر مهم سازی نمایند
فصل پنجم هرگاه طایفه افاغنه را با اولیای دولت بهیه انگلیس نزاع
و جدالی باشد اولیای دولت علیه ایران لشکر تعیین نموده بقسمی که
مصلحت دولتین باشد بدولت بهیه انگلیس اعانت و امداد نمایند و وجه
اخراجات آن را از اولیای دولت بهیه انگلیس بگیرند از قراریکه
اولیای دولتین قطع و فصل خواهند کرد و اگر جنگ و نزاعی فیما بین
دولت علیه ایران و افغان اتفاق افتد اولیای دولت بهیه انگلیس را
در آن میان کاری نیست و بهیچ طرف کومک و امدادی نخواهند کرد
مگر اینکه بخواهش طرفین واسطه صلح گردند فصل ششم در صورتیکه در ساحل
دریای قلزم چوب و اسباب مهیا شود و شاهنشاه ایران خواهش فرمایند
که در خورهای بحر خزر کشتیهای جنگی سازند پادشاه ولایت انگلستان اجازت
بمعلم و عمله کشتی ساز و غیره هم از دارالسلطنه لندن و هم از بندر ممبی نمایند
که بخدمت شاهنشاه ایران حاضر و بخدمت مرجوعه مامور شوند و مواجب
و اخراجات آن با سرکار پادشاه جمجاه دولت علیه ایران باشد
بموافق

بموافق قراری که با ایلچی دولت بهیه انگلیس داده خواهد شد
فصل هفتم اگر از روسای ایران کسی بخواهد دشمنی کند و یاغی
شود و فرار بولایت انگلیس نماید باید بمجرد اشارهٔ امنای دولت علیه
ایران آن کس را از ولایت مزبور بیرون کنند و اگر بیرون نرود
او را گرفته روانه ایران نمایند و در صورتیکه پیش از رسیدن آن کس بولایات
مزبوره اشارتی از امنای دولت علیه ایران دربارهٔ او بحکومت
آنجا رسد آن کس را رخصت فرود آمدن ندهند و اگر بعد از ممانعت
آن کس فرود آید او را گرفته روانه ایران نمایند فصل هشتم اگر در بحر العجم
اولیای دولت علیه ایران را امدادی ضرور شود اولیای دولت
بهیه انگلیس بشرط امکان و فراغ بال در آن وقت کشتی جنگی و قشون
بدهند و اخراجات آن را موافق بر آورد آن وقت قطع و فصل نموده
بازیافت نمایند و کشتیهای مزبور در آن خورها و لنگرگاهها عبور کنند
که امنای دولت علیه ایران نشان بدهند و از جای دیگر بی رخصت
و ضرورت عبور نکنند فصل نهم مواجب صاحبان و معلم و عمله
و غیره را امنای دولت بهیه انگلیس خواهند داد ولیکن چون

شاهنشاه جمجاه ایران نخواستند که کسیکه بخدمت ایشان
مشغول باشد از عنایات خسروانه بی بهره باشد لهذا از
وفور عنایت بموجب تفصیل صاحبان و معلمان و عمله که
الکنون در رکاب ظفر انتساب شاهنشاه جمجاه ایران حاضر

صاحبان و سرداران	مهندس	سرکردگان دیگر سواره
[illegible]	[illegible]	[illegible]

سرکردگان دیگر پیاده	سرخط دیگر سوار
[illegible]	[illegible]

و مشغول خدمت میباشند و هر یک از صاحبان برتبهای مفصله
جنوکه بعد از این حاضر شوند از قراریکه در جنو مشخص شده است
موافق مرتبه بهر یک انعام داده خواهد شد و هر یک از ایشان
که بسیار متوطن و حاضرین بزرگتر و حکمران باشند نصف آنکه
موافق

موافق مرتبه برای او مقرر و شخص ثابت علاوه انعام داده خواهد شد
و اگر خدا نخواسته یکی از ایشان در خدمت مرجوعه کوتاهی کنند بموجب اظهار
ایلچی در خدمت شاهنشاه رانده خواهد شد فصل دهم چون منظور دو پادشاه
آن است که این عهد جاوید و عهد ابدالاباد باشد و اولاد و احفاد ایلا و پایدار
و برقرار باشد از هر دو طرف بهی الشرف قرار داد چنین شد که هر یک از
کواکب فروزان سپهر پادشاهی که ولیعهد دولت و زینت بخش سریر
سلطنت باشد با دولت دیگر عهد و یکجهتی و دوستی را باید ازین نامه اشتمال
اینقرار امضا و معمول دارند و هرگاه ولیعهد یکی از دولتین عظمیین محتاج باعانت
جدیدی از دولت دیگر گردد بطوریکه بشرافت و صلاح دولتین و ممکنین
و مقدور طرفین باشد مضایقه و کوتاهی در امداد و اعانت ننمایند و اعانت
و امدادی که امکان از قرار تفصیل و صول سابقه در این عهد نامه میمونه
مشخص شده است باید با ولیعهد نیز مستمر و برقرار باشد فصل یازدهم
چون از قراریکه بر اولیای دولت واضح و از گفتن دل و ضمیر
یکدیگر واقف شده اند منظور از این عهد دوستی ازدیاد قوت هر دو
دولت و وسعت هر دو مملکت است و هر یک را اشتهاد و خاطر اینست

که تقویت بیکدیگر کرده باید او بیکدیگر را کمک طرفین افزوده باشند و مطلب
و خواهش ابتدای دولت بهیه انگلیس این است که دولت علیه ایران
روز بروز زیاده قوی و مستحکم گردد و از خارج کسی نتواند دخل در مملکت مزبوره
نماید و باید او دولت بهیه انگلیس دولت و مملکت ایران قوی و وسیع تر
گردد اگر بر سر امور داخله مملکت ایران فیمابین شاهزادگان و یا امراء
و ملازمان مناقشتی روی دهد دولت بهیه انگلیس را در آن میانه کاری نیست
تا شاه وقت خواهش نماید و اگر احیاناً احدی از ایشان را ایلی و ولایتی و جائی
از ممالک متعلقه ایران را با آن دولت بهیه بدهند که بازای آن کومک
و اعانتی نمایند هرگز اولیای دولت بهیه انگلیس باین امر اقبال نکرده
پیرامون آن نخواهند گشت و دخل و تصرف در ممالک متعلقه ایران
هرگز نخواهند نمود تمت الفصول بالیمن و السعاده امید است که این عهد
میمون خجسته با فواید و نتایج نیک تا ابد منعقد و پیوسته ماند این عهدنامه
مبرهن را ما که وکلای حضرتین علیتین میباشیم بعد از اتفاق و راستی مشحون
الفصول دوازده گانه مستحکم و منعقد داشته دستخط و مهر کرده اشته ایم بتاریخ
۱۲۲۷
چهاردهم ماه مارچ هزار و هشتصد و دوازده عیسویه مطابق بیست و نهم شهر

بهجریه

هجریه مصطفویه علیه السلام و التحیه التحریر فی دارالخلافه طهران صانها الله
عن الحدثان

صورت عهدنامه که با دولت انگلیس در دفعه ثانی بتوسط مستر الیس ایلچی
دولت مزبوره بسته شده

اولیای دولت علیه ایران بر خود لازم داشته که از تاریخ این عهدنامه
مزبوره هر عهد و شرطی بهر یک از دولتهای فرنگ که با دولت
بهیه انگلیز در حالت نزاع و دشمنی باشد بسته اند باطل و ساقط دانسته
و لشکر سایر طوایف فرنگیان را از حدود متعلقه بممالک ایران راه عبور
باطراف هندوستان و سمت بنادر سند ندهند و احدی از این طوایف
که قصد هندوستان و دشمنی با دولت انگلیز باشد نگذارند که داخل مملکت
ایران شود و اگر طوایف مزبوره خواهند که از راه خوارزم تاتارستان و بخارا
و سمرقند و غیره بممالکات هند نمایند شاهنشاه ایران حتی المقدور با پادشاهان و ولات
و اعیان آن ممالکات را مانع شوند و از راه دادن طوایف مزبوره باز دارند خواه
از راه تهدید و تخویف خواه از روی دوستی و مدارا **فصل اول** چون این
عهد خجسته که در میانی دو دولت ابد مدت بجهت صدق و راستی بسته اند ابد چنانچه
که بحرانست منظور فیمابین مکانه از هر گونه تغییر و تبدیل مصون و روز بروز در ملزومات و تقویت

یگانگی و یکتائی در میانه افزونی و پیوند موافقت و مودت میانی این دو پادشاه
جمجاه فلک دستگاه و زاد ها الله تعالی ملکهما و سلطانهما و ولیعهد و فرزندان و احفاد و اولاد
ایشان و وزراء و امراء و ولایت و حکام و ولایات و سرحدات
مملکتین ابد الآباد برقرار و استوار باشد پادشاه و الاجاه انگلیس قرار داد
چنانچه که اگر بر سر امور داخله مملکت ایران فیمابین شاهزادگان یا امراء و سرداران
مناقشتی روی دهد دولت بهیه انگلیس را در این میانه کاری نیست تا شاه
وقت خواهش نماید و احیاناً اگر احدی از ایشان را ایلی و ولایتی و جائی
از ممالک متعلقه با ایران را با آن دولت بهیه بدهند که بازای آن کومک
و اعانتی نمایند هرگز اولیای دولت بهیه انگلیس باین امر اقبال
نکرده پیرامون آن نخواهند گشت و دخل و تصرف در ممالک متعلقه
با ایران هرگز نخواهند نمود **فصل دوم** مقصود کلی از این عهدنامه است
که دو دولت فوق شرکت از جانبین امداد و کومک بیکدیگر نمایند
بشرطیکه دشمنان در نزاع و جدال سبقت نمایند و منظور این است که
از امداد جانبین بیکدیگر هر دو دولت قوی و مستحکم گردیده و این
عهدنامه محض از برای رفع سبقت نمودن دشمنان در نزاع و جدال

الهی

استقرار یافته است و مراد از سبقت تجاوز نمودن از ممالک متعلقه بخود
و قصد ملک خارج از ملک خود کردن است و ممالک متعلقه بهر کس از
دولتین ایران و روس از قراری است که باستصواب دولت علیه
ایران و انگلیز و دولت روس بعد از این مشخص و معین خواهد گشت
فصل سیم چون در یک فصل از فصول عهدنامه مجمله که فیمابین دولتین
علیتین بسته شده قرارداد چنین است که اگر طایفه از طوایف فرنگیان بممالک
ایران بعزم دشمنی بیایند و دولت علیه ایران از دولت بهیه انگلیس
خواهش امداد نمایند فرمانفرمای هند از جانب دولت بهیه انگلیس
خواهش مزبور را بعمل آورده و لشکر بقدر خواهش با سردار و اسباب
و اسلحه جنگ از سمت هندوستان با ایران بفرستند و اگر فرستادن
لشکر امکان نداشته باشد بعوض آن از جانب دولت بهیه انگلیس
مبلغی وجه نقد که قرار آن در عهدنامه مفصله که بعد فیمابین دولتین قوی تعین
بسته میشود معین خواهد شد و اکنون مقرر است که مبلغ وجه نقد ارسالی
دولت هزار تومان سالیانه خواهد بود و اگر دولت علیه ایران
قصد یکی خارج از ممالک خود نموده در نزاع و جنگ سبقت نموده باطائفه

از طوایف فرنگستان نمایند امداد و مدد گور و از جانب دولت بهیه انگلیس
بهمرسانیده داده نخواهد شد و چون وجوه نقد مزبور برای کفایت اشتغال
قشون است ایلچی دولت بهیه انگلیس را لازم است که از رسیدن آن
بعنوان مشخص شود خاطر جمع کرده و بداند که در خدمات مرجوعه صرف میشود
فصل چهارم اگر کسی از طوایف فرنگ که در حالت مصالحه با دولت
بهیه انگلیس میباشد نزاع و جدال با دولت علیه ایران نماید پادشاه والاجاه
انگلستان کمال سعی و دقت نماید که فیمابین دولت علیه ایران و آن طایفه
شروع دشمنی و نزاع شده صلح واقع گردد و اگر این سعی بجا نیفتد پادشاه
ذیجاه انگلستان بنظر تعیینه مرقوم شده از مملکت هند عسکر و سپاه بکومک ایران
مامور کند یا آنکه دولت هزار تومان مقرره برای خرج عساکر و سپاه
وغیره کارسازی دولت علیه ایران نمایند و این اعانت را مادام
که جنگ فیمابین دولت علیه ایران و آن طایفه باشد و اولیای دولت
علیه ایران صلح نمایند مضایقه ننمایند فصل پنجم چون قرارداد
مملکت ایران این است که مواجب قشون ششماه بششماه داده میشود
قرارداد مواجبی که بعوض عساکر از دولت بهیه انگلیس داده میشود
[illegible]

چنین شد که وجوه مزبور را ایلچی آن دولت بهیه هر قدر ممکن شود زودتر کارسازی نماید
فصل ششم هرگاه طایفه افاغنه را با اولیای دولت بهیه انگلیس نزاع و جدال
باشد اولیای دولت علیه ایران از این طرف لشکر تعیین کرده بنحوی که مصلحت
دولتین باشد بدولت بهیه انگلیس امداد و اعانت نمایند و وجه اخراجات
آنرا از اولیای دولت بهیه انگلیس بگیرند از قراریکه اولیای دولتین قطع و فصل
خواهند کرد فصل هفتم اگر جنگ و نزاعی فیمابین دولت علیه ایران و افغان اتفاق
افتد اولیای دولت بهیه انگلیس را در آن میان کاری نیست
و بهیچ طرف کومک و امدادی نخواهد کرد مگر اینکه بخواهش طرفین
واسطه صلح گردد فصل هشتم اگر از رؤسای ایران کسی خواهد
دشمنی کند و یاغی شود و فرار بولایت انگلیس نماید باید بمحض اشاره
امنای دولت ایران انگلیس را از ولایت مزبوره
بیرون کنند و اگر بیرون نرود او را گرفته روانه ایران نمایند
و در صورتیکه پیش از رسیدن انگلیس بولایات مزبوره شخص مزبور
از امنای دولت علیه ایران در باره او بحاکم انگلیس و
رسد انگلیس را رخصت فرود آمدن ندهند و بعد از ممانعت

اگر انگلیس فرود آید او را گرفته روانه ایران نمایند و همچنین معلوم است که از جانب
دولتین شرایط این فصل استقرار پذیرفته فصل نهم اگر از بحر العجم دولت
ایران را امدادی ضرور شود دولت بهیه انگلیس بشرط امکان و فراغبال
در آن وقت کشتی جنگ و قشون بدهند و اخراجات آن را موافق برآورد
آن وقت بگیرند و کشتیهای مزبور در بندرها و لنگرگاهها عبور کنند که امنای
دولت علیه ایران نشان بدهند و از جای دیگر بی رخصت
و ضرورت عبور نکنند ما که وکلای حضرتین علیتین میباشیم این
عهدنامه مفصل را که سابقا فیمابین دولتین علیتین بفصول
دوازده گانه نگارش یافته حال تغییرات چند که منافی
دولتین میبود و اصلاح حضرتین لازم میشود در فصول یاز
ده گانه تقریر و تعیین یافته دستخط و مهر گذاشتیم بتاریخ دواز
دهم شهر ذیحجه الحرام سنه ۱۲۲۶ هجریه مصطفویه علی صاحبها
السلام والتحیه مطابق بیست و پنجم ماه نومبر سنه ۱۸۱۲ عیسوی
علی نبینا و علیه السلام در دار الخلافه طهران
صورت احتجاجی که با مستر الیس در دولت انگلیس بسته شده

مارا بان حالا آنکه ایلچی دولت بهیه انگلیس و متکفل مهمات
دوستی دولتین میباشند در لزوم وجوه قرار دادی و معلوم است جهت
تجدید اصل بنای این جمله ما همان عهدنامه مبارکه موجود مفصل است
بیان این سخن را چنین بکنیم که مادامی که صلح حقیقتا واقع نشود باید دولت
بهیه انگلیس از عهده وجوه قرار دادی برآیند و این صلح مجمل ما با روسیه
حقیقتا شروط با سرحد و ولایات است ایلچی ما بپای تخت روسیه
رفته است عهدنامه مفصل در میان است تا ایلچی باز گردد عهدنامه
مفصل بسته نشود و حقیقت صلح مشخص نشده است و یا مستحق اخذ وجوه
تا آنگاه که این امر مبهم است و نامحقق است خواهیم بود شاهد ما
بر این معنی که مصالحه ما با روسیه شروط با سرحد و ولایات است
و هنوز با تمام نرسیده است همان کاغذهای ایلچی بزرگ ثالث است
و جعبه که او سپرده و صریحا در آن نوشته است که تا عهدنامه مفصل نرسد
وجوه را از عهده برآید دلیل است و افع بر عدم تحقیق مصالحه و اتمام آن
و این سخن شما که حجت وجوه بردن ایلچی به امضای دولت برای ما
که ایلچیان جدیدیم حجت نیست اگر فرمایش باشد جواب این سخن

باینوجه چرا که ما حجت ایلچی سلطنه خواه را از نشان میکنیم بلکه بحکم فصل چهارم
و دویم عهدنامه مجلو مفصل خواه را سلطنه بیجا نمیم و حجت ایلچی و دیگر
کاغذهای او را باعث بدعدم تحقیق مساله و اتمام آن قرار داده ام
حجه دوم بنای این حجت بر سخنان ایلچی بزرگ شماست ما ایلچی
بزرگ انگلیز را بموافق اختیارنامه پادشاه ذیجاه مختار مطلق و وکیل
اندولت بهیه در طی مهمات یکجهتی دولتین معظم یافته ایم و نامه
مبارکه پادشاه و کاغذهای وزرای دولت که در دست است
بر اختیار و عظم شان و وکالت مطلقه او دلیل واضح است
و این معنی بر همه ایران و روس و صاحبان دیگر که در اینجا بوده اند
آشکار است که ما را در سال گذشته هیچ رابطه صالحه با روسیه
نبود بلکه در جنگ اصرار زیاده داشتیم ایلچی شما مایل بمصالحه و واسطه
صلح و متعرض ترک جنگ شد و سخن او این بود که دولت انگلیز
خواهان این صلح میباشند و این صلح را از برای دولت خود و دولت
ایران انفع میدانند شما این صلح را مجمله قبول کنید و در قید
قرار و مدار استرداد ولایات باز دارد روسیه در عهدنامه
مجلو نامه

مجلو باشید و خاطر جمع دارید که مقصود اصلی و شرط کلی مصالحه که استرداد
ولایات است بتوسط دولت انگلیز بعمل خواهد آمد کاغذهای او
را اینمعنی شاهد است و از آنجا که دولت انگلیس در راستی عهد و درستی
قول مسلم و مشهور عالم است سخن ایلچی بزرگ هم بحکم اختیارنامه پادشاه
فلک جاه و مراسلات وزرای بزرگ با سخن دولت تفاوت ندارد
و قبول مصالحه مجلو مشروطه کردیم خاطر جمعی و اطمینان ما باندولت و سخنان
ایلچی بزرگ اندولت بوده و اگر بجهت صلح با و سرانجام اقبال و اقدام
نمی نمودیم و بحکم همین کاغذها که از ایلچی در دست داریم استرداد ولایات
و اتمام مصالحه را از دولت انگلیز میخواهیم و تا ولایت استرداد نشود و
و عهدنامه مفصل بطریقی که ایلچی بزرگ اندولت با ما قرار داده است
باتمام نرسد خواه را سلطنه بیجا نمیم حجه سیم در این حجه قطع نظر از
تفصیلهای گذشته میکنیم و همین میگوئیم ما از ایلچی بزرگ اندولت
که بحکم اختیارنامه قائم مقام پادشاه فلک جاه است حجتی صریح در دست
داریم که تا عهدنامه مفصل نرسد خواه را از عهده بر آید و الانصاف
دولت انگلیز را از این پرسیده ایم که حجه ایلچی بزرگ را که در حقیقت

حجه دولت است انکار نماید شما که حال ایلچیان معتمد اندولت بهیه اید و بحکم
اختیارنامه کفیل مهمات یکجهتی دولتین میباشید بمراتب مرقومه انصاف
خواهید داد و ما را با عالیجاهان که ایلچیان معتمد دولت بهیه انگلیزه اید در باب
معلمین انگلیس سخن اینست که البته بر شما ظاهر است که نظام اهل
جنگ با نظام دولت علیه ایران در این سالها بقانون دولت بهیه
انگلیس منتظم گشته و همواره معلمین انگلیس متوجه تعلیم انها بوده اند و اگر
در اینوقت معلمین انگلیس ترک تعلیم انها نمایند شیرازه نظام انها
مختل خواهد شد و اینهمه خسارت و مرارت که در این مدت برای
این نظام رسیده است ضایع و باطل خواهد بود و دولتین هم در حکم دولت
واحد است و در حقیقت نقصان ها باندولت میرسد و تفاوتی
ندارد و اگر سخن شما این است که در اصدار وزیر خلاف قانون معلمین
انگلیس اقدام بجنگ سپاه روس کرده لهذا البته گوشزد شما شده است
که در آن هنگام بکسره وضعی اتفاق افتاد که غیرت فطری معلمین انگلیس
تاب تحمل نیاورد و بعضی باختیار نه بحکم کارسرداران اندولت علیه
اقدام بکار جنگ کردند روزنامه نواب مستطاب ولیعهد دولت علیه
که بدو

که بدولت انگلیس مرقوم شده در این باب شرحی نگاشته شده و انشاءالله تعالی
من بعد از اینگونه امور روی نخواهد داد و اهتمام و التفات زیاده در انتظام
این مهام خواهد بود و یقین است که آن عالیجاهان مضایقه از قرار معلم نخواهند نمود
و بنقصان و خسارت دولتین علیتین راضی نخواهند شد

صورت عهدنامه اتحادی که فیمابین دولتین بهیتین ایران و انگلیس سمت انعقاد یافته

چون بیمن الطاف خداوند یگانه جلت نعمائه و عظمت آلائه از روزیکه
عهد دوستی و الفت مابین دو دولت قوی شوکت ایران و انگلیس مرتب
و ممهد گشته روز بروز سلاطین نامدار و خسروان معدلت شعار دو دولت
ابد آیت و امدا بعد واحد بکا اصول و فصول آن را مرعی و محفوظ داشته
متعاقدین را از فوائد آن متمتع و محظوظ فرموده اند که عهدنامه مبارکه
که در دیباچه عهدنامه سنه ۱۲۲۹ اولیای دولتین علیتین وعده انعقاد آن
کرده اند و تاکنون به بعضی جهات در عهده تراخی باقی مانده لهذا از برای
تکمیل جمیع شروط معاهده میمونه در این سال فرخنده فال اعلیحضرت قضا توان
قدر قدرت فلک رتبت گردون حشمت خسرو اعظم خدیو جم خدم عرش

والسلام والمسلمین عون الموحدین شاهنشاه ممالک وسیع المسالک ایران
خلد الله ملکه و سلطانه جناب جلالت و نبالت همراه عزت و فخامت کتبناه
امیر الامرا و العظماء زبده الکبراء العظام حاجی میرزا ابوالحسن خان وزیر
دول خارجه را بوکالت مطلقه سرافراز نمودند و اعلیحضرت کیوان
رفعت خورشید رایت شهریار عادل کامکار حضرت پادشاه نامدار
شاهنشاه ممالک انگلستان و هندوستان ابد الله شوکته و دولته جناب
بجلالت و نبالت نصاب مجدت و درایت اکتساب عمده النجباء
المسیحیه زبده الکبراء العیسویه سرجان نیل وزیر مختار را بوکالت کلیه
مفتخر فرمودند و وکیلان مشارالیهما عهدنامه تجارت را در ضمن
این دو فصل منعقد و بذیل عهدنامه اصلیه ملحق نمودند که بعون الله تعالی
بین الدولتین همواره منظور رشته و متعلقان طرفین را فواید آن عاید
گردد فصل اول تجار دولتین علیتین با رعیه دولتین
و سرحدیند که هرگونه امتعه و اقمشه خود را بمملکت یکدیگر نقل نمایند
و در هر بلدی از بلاد که بخواهند بایعه یا معاوضه و از امتعه که بیاورند
و ببرند در هیچ ورود و دیگر به بطریقه از تجار دولتهای کاملة الوداد
فرنگ

فرنگ گمرک مال التجاره گرفته میشود از تجار تبعه طرفین مطالبه خواهد شد و در
زمان خروج بمرتبه بطریقیکه از تجار دولتهای کاملة الاتحاد فرنگ گمرک مال
التجاره گرفته میشود از تجار تبعه طرفین مطالبه خواهد شد و دیگر بهیچ اسم و رسم
از تجار دولتین در مملکتهای طرفین چیزی مطالبه نخواهد شد و تجار و متعلقان
و منتسبان طرفین در ولایات دولتین بنهجی که تبعه دولتهای کاملة الوداد
فرنگ از هرگونه رعایت و حمایت و احترام بهره یاب خواهند گردید
فصل دویم چون برای پرستاری تجار جانبین لازم است که از هر دو
دولت وکیل التجاره با ماکن مخصوصه تعیین شود لهذا قرار داده شد که دو نفر
وکیل التجاره از جانب دولت بهیه انگلیس در دار الخلافه طهران
و دار السلطنه تبریز اقامت داشته باشد فقط مشروط بر اینکه
هرگاه در دار السلطنه تبریز مقیم خواهد شد بالاتفاق با دخیل جنرال
قونسول برافراز باشد لاغیر و چون سالهاست
که بالیوزی از دولت بهیه انگلیس در بندر ابوشهر متوقف است
دولت علیه ایران اذن میدهند که بالیوز مزبور کماکان
در آنجا اقامت نماید و کذالک دو نفر وکیل التجار از جانب

دولت علیه ایران در دار الخلافه لندن و در بندر بمبئی که ممکن نماید
بهمان مراتب و امتیازات که وکیل التجاره دولت بهیه انگلیس
در مملکت ایران صانها الله تعالی عن الحدثان خواهد بود این عهدنامه
تجارت را ماکه وکلای مختار دولتین هستیم در دار الخلافه طهران سلخ
رمضان المبارک سنه ۱۲۵۷ هجری مطابق ۲۸ اکتوبر سنه ۱۸۴۱ عیسوی
بخط و مهر خود مختوم و مرقوم نمودیم سواد قرارنامه که فیمابین

دولت علیه ایران و انگلیس در باب غلام و کنیز سیاه داده شده

دولت ایران قرار میدهد که کشتیهای جنگی دولت انگلیس و
کمپنی تا مدت یازده سال که فیمابین میباشد بجهت احتمال
حمل غلام و کنیز سیاه کشتیهای تجارتی ایران را تفتیش که در بحر
عمان معمول بوده و نکرده باشند تفحص نمایند سوای کشتیهای دولتی دولت ایران
که کشتی تجارتی و رعیتی نباشد بالکشتیهای دولتی مطلقا دخل و تعرض
نباید بشود و اولیای دولت ایران قرار میدهند که هیچ وجه
غلام و کنیز سیاه در کشتیهای دولت حمل ننمایند اولا قرارداد
کرمان اذن

که این اذن و اجازه تفحص که در کشتیهای تجارتی رعیتی داده میشود از ابتدای تفحص
تا انتهای بستیاری و توسط و استحضار صاحب منصب ایران بشود که در کشتیهای دولت
انگلیس منزل و مکان دارند تا کشتی تجار را زیاده از مقدار زمان تفحص غلام
و کنیز معطل نکنند و اگر غلام و کنیز در یکی از آن کشتیها بوده باشد کارگذار ایران
دولت انگلیس گرفته ببرند و بآنکه خسارت و معطلی بر آنها وارد شود و برای
بردن غلام و کنیز باید زحمت و ضرری بر آنها برسد خود کشتی را بدستیاری
و استحضار صاحب منصبان ایران که در کشتیهای انگلیس باشد بکارگذار ایرانی
بنادر ایران که از جانب این دولت هستند بسپارند و صاحبان کشتی را
که بخلاف حکم اعلیحضرت پادشاه ایران عمل نموده و غلام و کنیز حمل کرده اند کارگذاران
این دولت باید ادب و در جهان نمایند و کشتیهای جنگی دولت انگلیس بدستیاری
صاحب منصب دولت ایران هیچ نوع دخل و تصرف در کشتیهای تجارتی ایران
نکنند لکن صاحب منصبان دولت ایران هم نباید در شغل محوله بخود کوتاهی
نمایند و این قرار و قرارداد تا موعد یازده سال و بعد از گذشتن یازده سال
و تمام شدن موعد و مدت الی یک روز زیاده بر یازده سال معمول
و معتبر در کشتیها نشود خلاف رویه دوستی دولت ایران و خلاف

رعایت حقوق ایشان شده است از جانب این دولت رفیعه مطالبه نموا
خواه شده ثلث غلام و کنیز قدیمی ایران که حال در ایران هستند از حال تحریر
و مابعد اگر بخواهند از راه دریا بخ با هندوستان بروند و یا بسر زمین دیگر
نمایند باید ضبط از سانر تذکره ایران که در بندر ابوشهر میشوند با مقصد ابوز
بر شهر ببرند و کنیز ابعد از ضبط ان غلام و کنیز فروخ و اراده نخواهد بود و این
ضبط و استحضار بالیوز دولت انگلیس متوقف بندر ابوشهر شل سایر قرارهای
سلطوره فوق تا مدت یازده سال است ابتدای شروع بانیغرا انگلیس و
رفتن صاحبمنصبان ایران از غره شهر ربیع الاول ۱۲۶۸ است از حال تحریر
تا ابتدای این تاریخ فوق حق تفحص نیست شهر شوال ۱۲۶۷

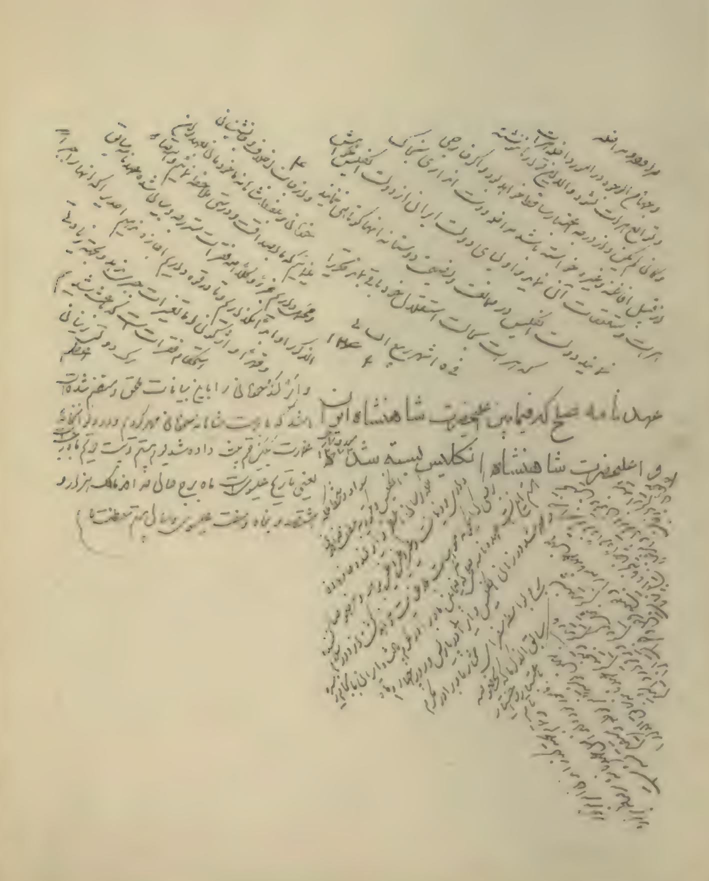
ق[ر]ار نامه دولت علیه ایران با شیل صاحب وزیر
مختار انگلیس در باب هرات

دولت ایران قرار میدهد که بهیچ من الوجوه قشونی بشهر هرات نفرستند
مگر در وقتی که قشونی از خارج بر سر هرات بیاید یعنی از سمت کابل
و قندهار و خارج دیگر و در صورت فرستادن قشون در انحالت دولت
ایران تعهد میکنند که قشون زور داخل شهر هرات نشود و بمحض مراجعت
[انها]

قشون خارج رو بمملکت خود فوراً بلا تامل قشون ایران مراجعت بخاک
ایران نماید و نیز دولت ایران قرار میدهد که و بهیچ من الوجوه مداخله
در امورات داخله هرات ننماید همچنین از تصرف یا دخالت یا ملک
یا حکومتی نکرها نقدر که در ایام ظهیر الدوله یار محمد خان مرحوم مداخله
فیما بین بود حالا بعد نیز کمافی السابق برقرار باشد بناء علیه دولت علیه ایران
قرار میدهد نوشته که مبنی و مشتمل بر این مرضا باشد خطاب بسید محمد خان
نوشته باتفاق آدمی که از سفارت انگلیس که در مشهد باشد بمعرفی ایشان
داده شود و نیز دولت ایران قرار میدهد که ترک کند ادعای سلطه
سکه و خطبه و یا هر گونه علامتی از علامات رعیتی یا زیر حکومت ایران
بودن اهالی هرات باشد اما اگر مثل ایام کامران مرحوم یا مرحوم
یار محمد خان از برای پیشکش بمیل خود و جهل نفرستند و باسم همایون سکه
کنند دولت ایران از امر ضیف و قبول خواهند کرد و همین قرار را
در[باره] سید محمد خان اعلام خواهند کرد و نیز قرار میدهند که عباسقلی خان
پسیان را احضار کنند بعد از چهار ماه توقف از تاریخ ورود که مقیم باشند
و بعد هم وکیل مقیم در هرات نگذارد مگر مثل ایام مرحوم یار محمد خان آمد

آمد و رفت داشته باشند و هم از جهت وکیل مقیم در ایران نگاهدارد
بازمثل عهد کامران و یار محمد خان از هر گونه و مراوده و ... [illegible]
که عنوان اگر یک وقت از برای تنبیه و ترجمان و یا مختاری
در ممالک ایران امدادی لازم شود که هرات با دولت ایران ...
چنانچه مرحوم یار محمد خان که بار کماکان سابق بمیل و رضای خود امداد
بدهند ولی نه بطور اقامت و هم دولت ایران قرار میدهد که
بدون شرط و بدون استثناء جمع خوانین هرات را که در مشهد یا در
طهران و یا در جای دیگر ایران هستند مخصوص بعلقی افغان سازد
و پس بعد بهیچوجه متعرض و محبوس و متهم از سید محمد خان قبول نکنند مگر
اشخاصی را که سید محمد خان خود از هرات بیرون کنند و آن اشخاص
بمیل خود اینجا بیایند بخواهند بماند بآنان لکن مثل سابق برود عنایت
و محبت شود و همین فقره را از حکم حکم شاهزاده حاکم ممالک خراسان

[illegible]


عهدنامه صلح که فیمابین اعلیحضرت شاهنشاه ایران و اعلیحضرت شاهنشاه انگلیس بسته شد

بسم الله الرحمن الرحیم

چون اعلیحضرت شوکت‌شعار قدرت همایون پادشاه اعظم و شاهنشاه بالاستقلال
کل ممالک ایران و اعلیحضرت شاهنشاه انگلیس هر دو علی‌السویه از روی صدق مایل این هستند
که مصائب جنگ را که منافی میل و مکنونات دوستانه ایشان است رفع نمایند و روابط
دوستی که مدت مدیدی فیمابین دولتین علیتین برقرار بود مجدداً بایک صلحی که بر وفق
فواید طرفین باشد بر بنیان محکم برپا نمایند لهذا بجهت اجرای این مقصود مطلوب اعلیحضرت
پادشاه ایران جناب جلالت‌مآب فرخ خان امین‌الملک سفیر کبیر دولت
علیه ایران صاحب تصویر همایون و حمایل آبی و دارای کمرشمشیر با الماس و غیره و غیره و غیره را
و اعلیحضرت پادشاه انگلیس جناب جلالت‌مآب هنری ریکارد چارلس بارون کاولی از امنای
دولت انگلیس و از اجزای شورت مبارکه مخصوصه اعلیحضرت پادشاه انگلیس حامل نشان
بزرگ ... سفیر کبیر مختار دولت انگلیس در نزد اعلیحضرت
امپراطور فرانسه و غیره و غیره و غیره وکلای مختار خود تعیین نمودند و ایشان بعد از آنکه اختیار
نامه‌های خود را ارائه و مبادله نمودند و موافق ترتیب صحیح دیدند فصول ذیل را مقبول
و مقرر داشتند فصل اول از روز مبادله امضانامه‌های عهدنامه حاضر

فیمابین

فیمابین اعلیحضرت شاهنشاه ایران و اعلیحضرت شاهنشاه انگلیس و همچنین فیمابین
خلفاء و ممالک و رعایای طرفین صلح و دوستی دائمی خواهد بود فصل دویم
چون بدولت و اقبال فیمابین دولتین ایران و انگلیس صلح برقرار گردید
بحکم این فقره مقرر است که عساکر دولت انگلیس ممالک ایران را
تخلیه خواهند کرد موافق شرایط و تعهدات ذیل فصل سیم دولتین
علیتین معاهدتین تعهد می‌کنند که کل اسرا که در حین جنگ بدست عساکر
طرفین افتاده باشند بلادرنگ آزاد نمایند فصل چهارم اعلیحضرت
شاهنشاه ایران تعهد میکند که بلافاصله بعد از مبادله امضانامه‌های
این عهدنامه یک عفونامه کامل اعلام نماید که بواسطه آن جمیع رعایای
ایران که در وقت جنگ ... خود باعث آنکه انگلیس ... شده
باشند از عقوبت این حرکت خود معاف باشند بطوریکه هیچکس هر درجه که
داشته باشند بجهت این حرکت خود مورد تنبیه و اذیت و تعدی نخواهد بود
فصل پنجم اعلیحضرت پادشاه ایران تعهد میکند که بلادرنگ لازمه
تدابیر را بکار ببرد که عساکر و کارگذاران ایران را از شهر و خاک
هرات و سایر ممالک افغانستان پس بکشند تخلیه ممالک مزبوره تا مدت

سه ماه بعد از مبادله امضانامه‌های این عهدنامه معمول خواهد بود
فصل ششم اعلیحضرت شاهنشاه ایران راضی میشود که ترک کند
کل ادعاهای سلطنتی بر خاک و شهر هرات و ممالک افغان و هرگز
مطالبه نکند از رؤسای هرات و ممالک افغان هیچ علامت اطاعت
مثل سکه و خطبه و باج و نیز اعلیحضرت ایشان تعهد میکند که بعد از این
از هر مداخله در امورات داخله افغانستان اجتناب نماید اعلیحضرت
ایشان وعده میدهند که استقلال هرات و تمام افغانستان را اعتراف
نماید و هرگز باستقلال ممالک مزبوره مداخله نکند در صورت ظهور منازعه
فیمابین دولت ایران و ممالک هرات و افغانستان دولت ایران
تعهد میکند که اصلاح آنرا رجوع باهتمامات دوستانه دولت انگلیس نماید
و اقدام بجنگ نکند مگر در صورتیکه اهتمامات دوستانه دولت
انگلیس مثمرثمری نشود از طرف دیگر دولت انگلیس تعهد میکند که همه وقت
اعتبار خود را در ممالک افغان بکار ببرد که نگذارد که از آنها
و یا یک از آنها باعث هیچ نوع تشویش و پریشانی دولت ایران
بشود و اگر دولت ایران در وقوع مشکلات رجوع بدولت انگلیس نماید

دولت انگلیس

دولت انگلیس نهایت کوشش را خواهد نمود که منازعات فیمابین را
موافق حق و مطابق شأن دولت ایران اصلاح نماید فصل هفتم
در صورتیکه از جانب هرات و ممالک افغان بر سرحدات ایران
تجاوزی بشود هرگاه ترضیه شایسته داده نشود دولت ایران حق
خواهد داشت که بجهة دفع و تنبیه جانب متعدی اقدام بحرکات جنگ
نماید اما این صراحتاً معلوم و مقبول است که هر لشکری از جانب دولت
ایران که بجهة مقصود مزبور از سرحد بگذرد بمحض اجرای مقصود خود
مراجعت بخاک خود خواهد کرد و استعمال حق مزبور نباید بهانه توقف
دائمی عساکر دولت ایران یا الحاق شهری یا یک جزء ممالک
مزبوره بممالک ایران بشود فصل هشتم دولت ایران
تعهد میکند که بلافاصله بعد از مبادله امضانامه‌های این عهدنامه جمیع اسرائی که
در حین جنگ در افغانستان بدست عساکر ایران افتاده باشند
بدون عوض نقدی آزاد نماید و همچنین جمیع افاغنه که بااسم گروی
یا بجهة امور دولتی در شهرهای ممالک ایران مقید باشند بهمان
طور آزاد خواهند بود بشرط اینکه افاغنه هم از طرف خود اسرا

ومقیدین ایرانیرا که در دست انها باشد بدون عوض نقدی ازاد نمایند
دولتین معاهدتین در صورت لزوم مامورین نصب خواهند کرد که شرایط
این فقره را معمول دارند فصل نهم دولتین علیتین تعهد میکنند که
درباب نصب و اعتراف قونسولهای جنرال و قونسولها و وکلای
قونسول هریک از این دو دولت در ممالک همدیگر حالت دول
کاملة الوداد را خواهند داشت و نسبت برعایای طرفین و تجارت
ایشان در هر باب بانطور رفتار خواهد شد که با رعایا و تجارت دول
کاملة الوداد میشود فصل دهم بلافاصله بعد از مبادله امضا نامهای
اینعهدنامه سفارت انگلیس مراجعت بطهران خواهد کرد در همان
وقت دولت ایران راضی میشود که سفارت مزبوره را بپذیرائی
نماید با شرایط عذرخواهی و تشریفاتیکه در صحه شرح ملاحظه که امروز
وکلای دولتین علیتین معاهدتین ممضی داشتند فصل یازدهم دولت
ایران تعهد میکند که در مدت سه ماه بعد از مراجعت سفارت
انگلیس بطهران یک مامور تعیین نماید که باتفاق یک مامور دولت
انگلیس مطالبات نقدی جمیع رعایای دولت انگلیس را
از دولت

از دولت ایران تحقیق و تشخیص نماید و دولت ایران هریک
از این مطالبات که بتصدیق مامورین مزبورین یا دفعتاً یا بقسط
خواهد داد و در یک مدتی که بیشتر از یکسال از تاریخ اعلام مامورین
نباشد و مامورین مزبور تحقیق و تشخیص خواهند کرد قروض دولت
ایران برعایای ایران و رعایای سایر دول که تا وقت عزیمت
سفارت انگلیس از طهران در زیر حمایت انگلیس بودند و از آن وقت
ببعد ترک حمایت مزبور نکرده اند فصل دوازدهم باستثنای
آنچه در فصل سابق مقرر شد دولت انگلیس از حق حمایت [illegible] خواهند
کرد که حمایت کنند بعد از این هیچیک از رعایای ایران را که
بالفعل در نوکری سفارت و قونسولها و وکلای قونسول
انگلیس نباشند بشرط آنکه چنین حقی بدول دیگر داده و معمول
نشود و در این باب و جمیع خصوصات دیگر دولت انگلیس
مطالبه میکند و دولت ایران هم تعهد مینماید که همان امتیازات
و ملاحظات در ممالک ایران بدولت انگلیس و نوکرها و رعایای
آن داده خواهد شد و بدول کاملة الوداد و نوکرها

و رعایای ایشان داده میشود و همچنین دولت انگلیس و نوکرها و رعایای
ایشان هم در هر باب خواهند بود از همان احترام و اعتبار که بدول کاملة
الوداد و نوکرها و رعایای انها داده میشود فصل سیزدهم
دولتین علیتین معاهدتین بحکم این فصل تجدید میکنند القراری را که در ماه
آغوست ۱۸۵۱ مطابق شهر شوال ۱۲۶۷ درباب رفع تجارت غلام
و کنیز در خلیج فارس فیمابین ایشان و دولت داده شده است و علاوه
براین تعهد میکنند که قرار مزبور پس از انقضای مدت برقراری
آن که عبارت از ماه آغوست ۱۸۶۲ باشد تا مدت ده سال دیگر برقرار
خواهد بود و بعد این مدت ادامه خواهد یافت الی ان یک جانب اعلام
رسمی قرار مزبور را موقوف بدارد اما اعلام مزبور معمول نخواهد بود
مگر یکسال بعد از ظهور آن فصل چهاردهم بلافاصله بعد از مبادله
امضا نامهای اینعهدنامه عساکر انگلیس هر نوع حرکات خصمانه را نسبت
بدولت و مملکت ایران ترک خواهد کرد و دولت انگلیس علاوه بران
تعهد میکند که بمحض آنکه قرارداد تخلیه هرات و ممالک افغانستان از جانب
ایران و همچنین قرارداد پذیرائی سفارت انگلیس بطهران بالکلیه مجری شد
عساکر انگ

عساکر انگلیس فوراً از جمیع ولایات و اماکن و جزایر که تعلق بایران
دارند بالکل پس خواهند کشید و دولت انگلیس تعهد میکند که در این
اثنا سرکرده عساکر انگلیس عمداً هیچ حرکتی که موجب ضعف اطاعت رعایای ایران
نسبت باعلیحضرت شاهنشاه ایران باشد نخواهد کرد بلکه تقویت اطاعت مزبوره نهایت
مقصود انگلیس است و علاوه براین دولت انگلیس تعهد میکند که بقدر امکان رعایای
[illegible]
مزبوره تسلیم شود دولت ایران تعهد میکند که حکام ایران خود فرض نماید
که عساکر انگلیس را در تحصیل آذوقه مزبور اعانت کنند و نیز دولت ایران
تعهد میکند که در حین اخذ اشیا قیمت آن را موافق نرخ روز از جانب مامورین
انگلیس بدون تکلف داده خواهد شد فصل پانزدهم عهدنامه حالیه ممضی
خواهد شد و امضا نامهای آن مبادله خواهد شد در بغداد در مدت سه ماه
یا زودتر هرگاه ممکن شود و بجهت اثبات مسطورات فوق ایلچیان فوق الذکر
۱۲۷۳
اینعهدنامه را ممضی و بمهر خود ممهور ساختند در پاریس در چهارم [illegible]

[illegible] ۱۲۷۳ [illegible]

[illegible] فرخ غفاری [illegible]

صورت عهدنامه ایست که در تاریخ سنه ۱۰۴۹ فیمابین پادشاه
جنت جایگاه شاه صفی طاب الله ثراه و سلطان
مراد رابع سلطان روم منعقد شده است

بسم الله الرحمن الرحیم

لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم بیده مقالید الامور و بقدرته ظهور کل
مقدور والصلوة والسلام علی نبیه الکریم محمد افضل من اوتی الحکمة و فصل الخطاب
و علی آله الکرام و اصحابه الفخام خیر الآل و خیر الاصحاب اما بعد
چون مشیت جناب ذو العرش المجید و ارادت حضرت فعال لما یرید
انتظام عالم و رتق و فتق امور بنی آدم مقتضای آیه کریمه الذین جاهروا و نظم
کریم والموفون بعهدهم اذا عاهدوا اولان سلاطین روی زمین و خواقین
هدایت قرینک توافق و اتفاقنه و التیامنه موقوف اولوب
حایز ... ممالک اسلامیه شرور و شروردن امین و مسالک مؤمنین کمال امن
و سلامت رهین اولهکلوب جعلناک خلیفة فی الارض
رتبه عالیه سلطنت کبرا ... سایه علیه ... الغایه جمیع
طبقات ایدوب خدمت حرمین الشریفین شرفهما الله تعالی سعادتلو
ذات ملوک

ذات اولی صفات مزه شرف و عزت و متابعت سنت سنیه
حضرت رسول الثقلین صلی الله علیه و سلم ایله دائره دولت و سلطنتلری
وسعت و بسطت ویروب درون صفا مشحونلری انوار محبت آل
و اصحاب ایله مملو و منقش و پیروی طریق ... رشکگار
معدلت ... فاحکم بین الناس بالعدل فحواسی اوزره
ممالک عدل و داد و ... جهاد ... الارتشاء
اولوب ... عزا و جهاد ایدوب ...
متضرع الیه ... فحوای شریفی وانما ... قضای اللطیف
علی ...
سنه ... دیگر و سرحد ممالک ... حصن حصین ... ایام دولت
روز افزونلری ... ثبات و دوام و ... سلطنت همایونلری ابد الآباد
استقرار و استحکام ویردی شعر ... فرقت ذاته
عالیحضرت سلطنت منقبت سامی رتبت گرامی منزلت مسند نشین
اقلیم ایران حامی فارس و مازندران فرمانده ملک عجم شاه صفی
مسطورات ... دعوات صافیات و تحیات

وافیات ... واید ... انهاء مسالمت اظهار دورکه
عتبه علیه گردون وقار ... عالم مدار ... عین الاعیان محمد
قولی ... سلامت و ... نامه فخامتنامه لری و اصل اولوب
خلاصه مضمون ... احتوا ایدوب ... مودت الفت
... تقریر و بیان و الفت ... گرامت نشانی
تقریر و عیان ایدوب ...
قدمایه ... طالب صلح و صلاح ... و فلاح
اولوب بالفعل وزیر اعظم جلیل المقدار ... جانب ...
... العالم ناظم ...
الامم ... پاشا دام الله ... اجلاله یه ...
الخواص و المقربین ... زنده ... و ملازمتلری
... انتظام امور ... وقضایای قطع ...
... اولنوب بغداد ... اولان
... جانب همایونمزه اولوب
... نام محالی ...
اولان

... اولان صحرالری ایله جانب همایونمزه اولوب ...
اولان ... طرفه قالوب ...
تعیین اولوب جانب همایونمزه اوله ...
الدین ... طرف شریفمزه اولوب
... طرفه قالوب ... واقع اولان
... قلعه سی هدم و خراب اولوب قلعه ...
طرفنده اولان ... جانب همایونمزه قالوب ... طرفنده اولان
... جانبنه اوله ... قلعه ...
واقع اولان ... قلعه ... اولان ... جانب همایونمزه
ضبط اولنوب ... قلعه سی توابعی ... ایله اوته طرفه
قاله ... اولوب ... توابع ایله جانب
همایونمزه ضبط اولنوب ... توابعی ایله اوته طرفه قالهدن
سرحدمزه ... قلعه لری طرفندن
... قرار ... مشروع
... قول و قرار ... عسکری و فیما بعد ... معاهده و مصافات

مراسمین رعایت و مراسات و موالات ارازین صداقت ایدوب ایکی طرف
دن ایلچیلر وارود و لو معهد ایتد وکلرنی وانک کره خلفنده ابا و جنب
اوسترولکری اول نامه ده تصریح ایدوب خاکپایزه ن کلان وثیقه‌جو
مقبول همایونمز اولمس ایستدکلرینی ایتدکلری احلاف اسلافه انجار اولنمز
دلائل المجد محض آسایش خلایق وعباد و آرایش ممالک ایچون
موسیع قرار داده و صلاح شمولی داخل رتبه قبول قلوب شول
شرطله مقرر طویله که قطع وتعیین اولنان سنور وحدود داخلنده واقع
اولوب جانب همایونمزه متعلق و منسوب و سایر ولایت
مجی بلدان و ممالکدن محسوب اولان محل و مواضعدن و صحاری
دارا خیدن قزلباش طایفه‌سنداک حکلی بر طوب اکراد اصنی معموره
اکرحالیه در الشی اذا ثبت ثبت بوارزنه مقتضاسنجه توابع ولوا
مولکلان بارگاه اعلامز ومعتمدان درگاه معلامز ضبطلرنده اوله
و دکر اولنان مواددن ماعدا اخسخه و قارص و وان و شهرزور
و بغداد و بصره نک وسایر سنورلرینه داخل اولان قلاع
وبقاع و نواحی و اراضی و صحاری و براری و تلال وجبال اوته
اوده قالدن

دنبه طرفدن دخل وتعرض اولنمیه واجداد عظامز انار الله تعالی
براهینهم زمان سعادت اقترانلرنده اسلاف فکر اوکوندرلیان عهدنامه
لرنک جمله‌سنده واقع معتبره صریحه سی الدین النصیحه کلمه فصیحه‌سی اوزره زبر
تکرار شایدن بعض اسافل وادانی یه حاشا ثم حاشا شیخین و ذو النورین
وزوجه مطهره رسول الثقلین وسایر اصحاب کرین و ائمه مجتهدین رضوان الله
تعالی علیهم اجمعین حضراتنه زبانلر ارالقه رخصت ویرمیوب منع
اولنمیه‌لر کبر و بره دخی رخصت ویرلمیه و بو صلح قرار دادی الی
انتها و اقرودن ثبات و دوامه مقرون اوله تا دائما حاصل اولدن
خلاف عهد و میثاق و موجب اختلاف و نفاق بر وضع ناهموار ظاهر
و اشکار اولمیه طرف کامل الشرف پادشاهانه‌مزدن دخی بر منوال مذکور
محرر و مسطور اولان شروط و قیود مرعی طوتلوب اهل مملکتنه
تعرض اولنمیه ایچون ارسال اولنان عهدنامه کرمعا بله مسنده‌ده
نامه همایون صدق مضمون مرکشیده سلک تحریر و بیان قلنمشدر
که مادامکه حضرتیت بر طرف و رعایت مراسم الفت ومودت
فوق ما سلف اوله و سفیر مشعور شرف تقبیل بساط عزت بنیادمزه نائل

نائل و مشرف رساهی اولوب ادات رسالت طهورجه اداء ایکن
للوه و اجازت علیه مزله تمامنکره عودت وانصرافنه مرخص اولمغین نامه
همایونمز تبلیغی خدمتیله تعیین اولنان درگاه سعادت دستگاهمز متفرقه
لرندن افتخار الاماجد والاکارم متفرقه‌مز محمد دام مجده ایله همراه
قلنوب روانه اولدیلر همواره صلاح ایدیشان دین و دولت تسطیر
احسان ملک منان با و برب العباد بالنبی وآله الامجاد فی اوایل شوال ۱۴۹
سواد عهدنامه ایست که فیما بین علیحضرت آسمان ... پناه بهشت
جایگاه و محمود خان سلطان روم انعقاد یافته است در شهر محرم ۱۱۶
الحمد لله الذی انام عیون الفتن بایقاظ قلوب السلاطین واجرای
عیون الامن بین الانام بالتماس اجهار المنا فرد بین الخواقین و
السلاطین واصلح بصالحهم ما فسد من امور المسلمین واذهب غیظ
قلوبهم لیشفی صدور قوم مؤمنین ونزع ما فی صدورهم وامرهم
بایفاء العهود وکما ورد فی کتابه المجید یا ایها الذین امنوا اوفو
بالعقود وصلی الله علی رسوله الذی صاحب مقامه المحمود وعلی
آله واصحابه ولاسیما خلفاء الراشدین الذین بذلوا فی اصلاح الدین.
بالمرکی

ناحیه المجود و اما بعد چون در شورای کبری صحرای مغان که اهالی
ایران از عذاب ... با قبول سلطنت شدند بنابر انکه از بدو
خروج شاه اسمعیل صفوی سب و رفض در ایران شیوع و معادات
با خلفا میانه روم و ایران بدین تقریب ممتد و موجب اثبت
نظر بمذاهب حنیف اهل سنت و جماعت که مختار آباء کرام و اسلاف
ما بوده از سلطنت ایشان تحاشی و بعد از انکه اسکاح تکرار انکار
ناشی شده امر فرموده‌ایم که هرگاه باللسان والجنان تارک اقوال
لاطائل و بحقیقت خلافت خلفاء کبار رضوان الله علیهم قائل شوند
بحصول مسئول نائل خواهند شد ایشان هم حکم اقدس را قبول کرده
از خیالات سابقه نکول کردند چون اعلیحضرت قدر قدرت اعظم سلاطین
جهان وافخم خواقین دوران خدیو سلیمان حشم خسرو خورشید علم
ناصر الاسلام والمسلمین قامع الکفار والمشرکین خاقان البرین و
سلطان البحرین ثانی اسکندر ذو القرنین خادم الحرمین الشریفین
برادر جهان داور گردون بارگاه پادشاه اسلام پناه ظل الله السبحان
الغازی سلطان محمود خان مد الله تعالی ظلال خلافته علی رؤس العالمین

مطمح اهل اسلام و فروغ مشعل دو دمان مرتضی‌پناه بوده‌اند برای
مزید الفت فیمابین الحضرتین غوائل شور و شین از میانه فریقین
نواب همایون ما مطالب همه را که در وثایق سابقه مسطور است
از پادشاه سکندر دستگاه ما مسئول و تعداد فرموده اند و شیم اعلیحضرت
شاه و دارا منقبتی مقبول دو دودمان را بمعاذیر شرعیه و محاذیر ملکیه که
حافظه موجب امتزاج توافق تمام خواهند شد نفع اهتمام کردیده
اگرچه نواب همایون ما که بنسایم محبت غنچه گشای از بار امتطاب
گشتیم بمبادی رفع تناقض و دفع تناقض و اوامر حسبا و ارادة
حسن و منظوری نداشتیم لیکن بنا بر خواهش آن پادشاه سلیمان مقام
و حفظ ناموس اسلام لطالیف معهوده را متروک و طریق مسالمت
مسلوک داشته این نوید آرام‌بخش را بگذارید فلک رخش اعلام نمودیم
و چون بعضی از ممالک عراق و آذربایجان در ازمنه سالفه بسلاطین
ترکمان تعلق داشت که بسبب اختلاف انگیزی شاه اسمعیل بدولت
علیه عثمانیه انتقال یافته ضمنا اظهار شد که هرگاه بر طبع اقدس پادشاه
اسلام پناه شاق و مخالف رسم وفاق نباشد یکی از آن دو مملکت

ایلچی

بر سبیل عطیه از آنحضرت بحوزه مملکت محروسه این طرف انضمام یابد
آنحضرت را از راه برادری درد و قبول آن مختار ساخته و در باب ایلچیان
که از آن دولت والا مصحوب افتخار الامائل عبد اللطیف افندی معزز و مقبول
بخشید اندراج یافته بود که اگرچه نظر بآثار مشکوره و مساعی مبروره
که از دولت نادریه در اجرای ازاله آثار سب و ظهور بمنصه وقوع رسید
علیتین را متحد میدانیم لیکن بنا بر بعضی جهات خواطر اقدس
متعلق بر آنست که تخمیرکه مواد سابقه منفسخ شده از ایلچیان
برای مزید الفت و استحکام اتحاد و انعقاد مصالحه ابدیه
خلد مراتب سلطان مراد خان رابع مجدد و ممضی شود تا دوستی
میانه دو دولت علیه و اخلاف کرام و اعقاب عظام نسلا بعد
نسل در عرصه روزگار باقی و پایدار بماند از آنجا که اعلیحضرت
پادشاه اسلام پناه و علاوه اینگونه دوستی مجدد و حسن محبت را
منعقد و مراعی شده و فرموده اند ما نیز مراعات مبانی دوستی را
بر ذمه خود واجب و رضاجوئی خواطر آنحضرت و آرامش بلاد را
اهم مطالب و اعظم مآرب شمرده بعد از وصول نامه مشکین ختامه

ماده اولی آنکه اهل اسلام را بجهت ارتضاء مقرون و معتقدی برای
مبانی امر مصالحه و امر بعهد متیمم فیمابین مستقران و دولتین امر صلح
الهامی و شرط وسطه ماده و شد عمل بموجب نفیع قرار یافته و مصالحه بجهت
اجناس صلحی که در زمان خاقان خلد مراتب سلطان مراد خان رابع داده شده
فیمابین دولتین مرعی و حدود و ثغوری که در میانه مقرر بود
بحال دستور استقرار داشته تغییر و خلل در ارکان آن راه
نیابد و شرط من بعد همیشه نائره و تیغ در نیام بوده آنچه لایق شأن
طرفین و مقرون بصلاح دولتین باشد معمول و از اموری که موجب
هیچ کدورت و منافی مصالحه و مسالمه سالمه باشد از طرفین اجتناب
شده انشاء الله تعالی این دوستی و محبت در میانه دو دولت علیه
و اعقاد این دو خانواده کبری مادام اللیالی والایام الی یوم القیام
دائم و برقرار بوده باشد ماده دویم حجاج ایران و توران
که از راه بغداد یا شام عازم بیت الله الحرام باشند ولاة و
حکام سر راه ایشان محل بمحل سالمین و آمنین بمکه مکرمه برسانند
صیانت جان و مال و مراعات احوال ایشان را لازم شمرند

بیجایی

ماده ثانیه و از برای تاکید مودت و توثیق محبت در هر سال شخصی
از آن دولت در ایران و از ایران در آن دولت بوده اخراجات ایشان
از طرفین داده شود ماده ثالث اسرای طرفین مرخص بوده که بیع و شرا
بر ایشان روا نبود و هر یک که خواهند بوطن خود بروند ممانعت ایشان نشود
و تحویل حکام سرحدات از حرکاتی که منافی دوستی طرفین است احتراز
نمایند و برای آن اهالی ایران احوال ناشایست را که در زمان
صفویه احداث شده تارک و در اصول عقاید مذهب اهل سنت
سالک بوده و خلفای راشدین را بخیر و ترضی یاد نمایند و حجاج
من بعد که بکعبه معظمه و مدینه مشرفه و باقی ممالک اسلام آمد و شد
کنند از طرف روم بدستور حجاج آن مملکت و اهالی سایر بلاد اسلامیه
با ایشان سلوک شده از ایشان دورمه و سایر وجوه خلاف شرع
و حساب گرفته نشود و همچنین در عتبات عالیات هم مادام که با مال
تجارت ورود ننمایند حکام و سایر بغداد و باج نخواهند
و هر یک که مال تجارت داشته باشند مال حاجی از ایشان اخذ شده
زیاده مطالبه نشود و از این طرف با تجار و اهالی روم نیز همین سؤال عمل شود

وانچه بعد الیوم از اهل ایران بروم و از روم با ایران آید حمایت
نشده بوکلای دولتین تسلیم شود لهذا با میرزا است مسطوره را
ممضی داشته عهد فرمودیم که معاهده مذکوره و عهود و شروط مشروحه
بین الدولتین و اعقاب و اخلاف حضرتین شوید و برقرار و مخلد
و پایدار بوده مادام که از جانب آن دولت علیه امری مخالف
عهد و میثاق بظهور نرسد از اینطرف نقض و خلل در قواعد آن
راه نیابد فمن نکث فانما ینکث علی نفسه ومن اوفی بما عاهد علیه الله
فسیؤتیه اجرا عظیما و حرر ذلک فی شهر محرم الحرام سنه الف ومائه
وستین من الهجرة النبویة علی مهاجرها الف الثناء والتحیه ۱۱۶۰

سواد نامه که از جانب سنی الجوانب نادر شاه مغفور قسیم شاه سلطان محمود
خواندکار دولت عثمانی نوشته شده بمصاحبت قاصدان فرستاده شد

بسمه تبارک و تعالی تیمنا و تبرکا شکر و سپاس و منت نعمت
خدای را که باره دیگر باب رحمت بر روی اسلام گشود و نظر رافت
بر تابعان سید انام انداخت و ملک اسلام را از روی صحبت
انقلاب مصون ساخت کار ملک و دین نظام شد و تیغ حرب

وکاین در

وکاین در نیام رفت و دلهای رم دیده رام گردید روزگار آشفته
آرام پذیرفت و درهای مراودات از دو دولت باز و سرعان
مراسلات از دو جانب در پرواز شد فالحمد لله علی نعمه و عمیم
رحمته والصلوة علی نبیه و رسوله الموحد الذی عرف الحق والی به
واجمع کلمة المسلمین و علی آله و اصحابه المومنین باحبابه والسلام
وبعد بر رای جهان آرای خسرو ملک آرای کشور زدای شاهنشاه
اسلام پناه الغازی فی سبیل الله شهریار عادل دل فرخ رخ
تاجدار والا کف [illegible] سپهر فضل کوه شکوه دریا دل بدر قلاده
اوج سپهر سما سما سماح وجود و سنای سینای وجود و دارای
و دارای فخر و فر برادر معظم مظفر سلطان البرین والبحرین خادم
الحرمین الشریفین سلطان محمود خان که تا جهان است با اختر سعد قرین و
باشد [illegible] کام همنشین باد مکشوف و مشهود [illegible] که چون ترتیب
عالم تکوین بتالیف و امتزاج طبایع مختلفة المزاج منوط و مربوط است
انتظام کار جهان جز با ائتلاف و ارتباط جهانیان ممکن و مقدور
نیست و مرکز دریغ مهر و الفت از عوامل خلاف و مخالفت

مصون و مامون بعنوان زینت حکمت جناب کردگار شوکت ملوک
روزگار را مایه رابطه و ائتلاف خلق و رفع اختلاف امر کرده و سعادت
ناس را که ودایع خاص او بود در ید قدرت و حکمرانی و در ظل
رافت و مهربانی ایشان سپرده و در عهد حضرت که ابتدای اختلاف
[illegible] غایله خلاف بین الدولتین ظاهر و آتش فتنه بحسن تدبیر و سلوک سلاطین
و ملوک دفع و رفع فرمود تا درین عهد همایون مسعود که چاکران اعتاب
این دو دولت و حافظان اطراف این دو مملکت را [illegible] ملال
مهر و خوشی اسباب رنجش و ناخوشی فراهم آمد و بعضی آثار آشوب
و اطوار ناخوب در بعضی از ثغور و سنور بظهور رسید باز فضل جناب
باری یاری کرد و باطن پاک خواجه انام که پیوسته مراقب اسلام
و اهل اسلام است یاوری و مددکاری نمود تا بحسن تدبیر اولیای
دولتین رفع نزاع و خلاف بین الحضرتین بعمل آمد و مسلم و اسلام
و امن و امان دیگر باره مرافق و مصادق شدند و ازین جنگ و کین که
در ممالک مسلمین مضطرم و منعقد بود منطفی و منتفی گردید و لطمه نقض
و کار شهها بسازش مبدل گشت اسم [illegible] ازمیان رفت رسم [illegible]

درمیان

درمیان آمد جنگ و نفاق رخت رابست صلح و وفاق [illegible]
و ادای رسوم تهنیت از دو جانب لازم افتاد و تشیید عهود مراسلت
بر دو حضرت واجب آمد لهذا درین عهد خجسته و زمان فرخنده
که طرح عشرت افکنده و تیغ ستمها برکشیده بود [illegible]
وارادت پناه [illegible] نبالت همراه [illegible] افتتاح
مقرب الحضرة العلیه قاصدان سرهنگ [illegible] نظام را که ترتیب یافته
این دولت ابد دوام و تجربت کرده خدام بلند مقام است
از طرف دوستانه این دولت بجانب [illegible] آن حضرت ارسال
و منظم مسالک [illegible] عقد این نامه محبت [illegible]
قدیمه و تاکید رسوم معاهدات قویمه نموده [illegible]
صورت علامه سبب [illegible] که اگرچه چندگاه نفاق ظاهر در میان [illegible]
داران [illegible] وفاق باطن [illegible] و دوستداران
بود که با وصف آن ایام خلاف را مجال استعدادی [illegible]
مصاف را [illegible] استعدادی [illegible] و بل بمنزله شعله خار بود که
[illegible] سرکشی کند و بزودی خاموشی پذیرد ولغی [illegible]

که معتقد محب مهجور چنان نیست که این خود از جانب قدس حضرت
نبی بر این نکته حکمت بود که سلطان ظلاً ایند و دولت بی‌زوال را که
سالیان دراز در عهد امن ابد و در ظل فضل آسوده اند شیبان
و غفلتی که لازم از زمان راحت و دوام فراغت است طاری گشته
نوع آگاهی و فرط انتباهی حاصل شود که قدر امن و رفاه دانسته شکر
نعمت الله کنند و جنس اهتمام دولتین اسلام را عقد حال خود قرار
آیند و من بعد انمت سوالات را عقب سالات از کف ندهند
علم الله تعالی که این دو دولت صادق الولا ملاحظه سابق و دقایق
و لطافات لسانا و جنانا از انچه رفته و گذشته است با کمال تسلیم و رضا
درگذشته جو نجسته ما را هر چه بوده بخشیده و چنین چیزها مصلحت قبل
میدانند و خواطر خود را کیف ما کان از واقعات ایام ماضی ارسنند
و راضی میدارد و حال بالفعل بقدر مثقال ذره و بمقدار قطره از
ان دولت پایدار گله و شکوه در دل ندارد و سهل است که قبل از این هم
مهر و برادران دوست اعلی که گنجایش چیز دیگر در دل مهر منزل محبت
پیوند گذشته نبوده و الان که آن مهر جوان برادر والا قدر محبت سرشت
[illegible]

جلب پرند شده محبت و اخوت آنجناب اعلی را با تمام ملک و مال
نسبت نمیشمارد و این واقعات خیرشیه را در جنب انگونه پیمان [illegible]
بموقع و ناچیز دانسته و در نظر اعتبار نمیارد و محبت بیش محکم
شود و چون شکسته شکوفه اول افتاده نهال انگه بر گرد
امیدوار است که همین پرش نی خرنی که چندی روزی در تعدد ممالکتین
حادث شده بود باعث جمعیت کامل و امنیت کلی شود و بدین
واسطه نوعی تاکیدی در امور دایره بین الجانبین آید که روز بروز
بر مراتب اتحاد و اقتدار دو دولت پایدار بیفزاید چنانچه در سنه
سابقه و شروط سالفه دولتین که بمرور ایام و کرور شهور و اعوام
فی الجمله اختلالی یافته بود در این ایام خجسته که عهد مصالحه مبارکه
و مسالکی بسته شد تجدید نظری رفت و با اهتمام اولیای دولتین بدرجه
انتظام و استحکام یافت و نتیجه امضای فصول را مفصل و ممهور بمهر
جلالت مآب همراه [illegible] ارسال آنحضرت میشود
نمود و خیرخواهی که در عالم مهر و محبت و برادری بود اظهار
فرزند ارشد اسعد [illegible] دولت و اقبال [illegible]

دولت ابد مدت بی‌زوال نایب السلطنه القاهره الباهره ایدالله تعالی
و وجه نفسه و منه محمول بخصوص دانست چون فرزند سعدی البته در حقیقت
فرزند هر دو دولت و پیوند هر دو حضرت و حافظ ثغور هر دو مملکت
است از عهد صبی و سن شباب تا حال متجاوز از بیست سال است که
اوقات و عمر جوانی را بجای عشرت و کامرانی با کمال سعی و جهد
صرف حفظ ثغور اسلام کرده و کرات و مرات در معارک جهاد
نقد جان را وقایه دین پاک سید انام نموده و در همین ایام مساعی جمیله
و مجاهدات مشکوره در انعقاد مصالحه دولتین بانتظام امالی جانبین
مبذول داشته و هرگز در تقدیم مهام حضرتین توقف و تفاوت
نگذاشته دور نیست که در دولت اسلام شایسته اعتنا و احترام
باشد و هر چه که از روی صدق و خلوص عرض و حضرت اعلی
رساند از امضای عم و پدر و شرف قبول دو داور تاجور بی‌قرین ان
کرده دیگران برادر مهر پرور محتاج است و از این جهت بیش از این قدر
نظر [illegible] کافیست زیاده حاجت تکرار نیست همیشه حقایق
نگار صدور حالات و جهات شاید
[illegible]

سواد نامه ایست که مرحوم مغفور نایب السلطنه عباس میرزا
نور الله مرقده بسلطان محمود خان پادشاه روم نوشته است

الحمد لله الذی ابد الحق و شید الدین و الف بین القلوب المسلمین ولو
انفقت ما فی الارض جمیعا ما الفت بین قلوبهم و کان بعضهم لبعض
ظهیرا لم تالف قلوبهم و لم کشف کروبهم لکن الله الف بین قلوبهم
و سهل صعب خطوبهم انه عزیز حکیم و بعباده رئوف رحیم با
[illegible] آن [illegible] فرمان [illegible] پادشاهان گردن فراز
بدرگاه تو بر زمین جبین سایند پادشاهی او تراست که شاهنشاهانست
بنده اند و خداوندانت پرستنده صلح و جنگ شهریاران
و نام و ننگ تاج داران و قبض و بسط ممالک و امن و خوف مسالک
جمله در دست قدرت توست و مسبوق بمشیت تو لک الحمد بالذات
من نعمک و استعین من کرمک و نسئلک من رافتک و نستغفر
من رحمتک والصلوة علی نبیک و ولیک و اصحابه و اتباعه
و بعد بر پیشگاه اعتاب مستطاب اعلی جناب عرش مآب
قدس نصاب قدرت و شوکت انتساب ملک خدای عادل [illegible]

قلمرو ای طلسم زدای شهریار کشورستان شاهنشاه شاهنشان
آفتاب فلک و دولت آسمان پاسبان و صولت معز الدوله والدین
محی الاسلام والمسلمین سلطان البرین و خاقان البحرین خداوند
تخت و تاج و افسر عجم اعظم اکرم افخم تاجور سلطان محمود خان
لا زالت عماد دولت عالیه و اعلام شوکت سامیه منصوب
و مرفوع میدارد که دیر گاهی بود که این مخلص خالص الفواد را
دیده امیدواری بمعاودات آنحضرت گردون سلطنت جمال
[illegible] خلافه و آفتاب الطاف [illegible]
مخالفت شعار ساخته راه آمد و شد عرایض و مفاوضات ملکی
مسدود بود و از هیچ باب طریق نجاح و سبیل افتتاحی مشهود
نمیشد از این رهگذر خواطر ارادت ذخایر زایدالوصف آشفته بود
و غنچه عقیدت منزل مهیج باد صبا و نسیم سحر شگفته نمیگشت تا درین
اوقات از حسن اتفاقات امر سلم و التیام دو دولت ابد
فرجام سمت حصول و انجام یافت و آنچه مکنون و مکمون ضمیر
صداقت سمیر بود از پرده غیب جلوه ظهور نمود و [illegible]

[illegible]

منهج [illegible] ارادت آگاه بسالت و نبالت همراه صداقت و صراحت
پناه مقرب الحضرت العلیه [illegible]
اشرف اعلی [illegible] شده [illegible] را [illegible]
و اقرب وسایل دیده بتحریر این ذریعه ارادت و ودیعه صداقت نمود
و ضمنا بعرض اعتاب سلطنت مآب میرساند که مجاهد خالص الفواد
در رفع حدود دو دولت قوی بنیاد و مساعی جمیله که در اتفاق
و اتحاد این دو حضرت شوکت مهاد نمود و البته از خارج بعرض
پایگاه اعتاب جلال رسیده و معلوم فرموده اند که این مخلص در
خدمات حضرتین بی تفاوت لازمه کوشش و اهتمام دارد و ما بین
عم و برادر در راه و رسم فرمانبری و طاعت فرق و تفاوت نمیگذارد
و خود را در این مرحله که متوقف و متمکن است مخاطب حکم هر دو دولت
میداند و بر دو رشته لطف هر دو حضرت میخواند و در همین سال خجسته
فال سعی و تلاشی که در امر مصالحه دولتین و رفع فساد مملکتین نمود
و سعیی که در کشکش از این طرف کرد و آدمی که بالاستدعا و الالتماس
از این دولت بارزنه الروم فرستاد [illegible] است که تا حال [illegible]

و افقان درگاه اقبال شده است و صدق نیت و خلوص عقیدت
و صفای قلب و صلاح جویی اولیای این دولت از همین رسل و رسایل
که بارزنه الروم ~~[illegible]~~ رفته و آمده و سنجیدها و محاورات شفاهی
که از این طرف بعمل آمده چنانچه که برای ممالک [illegible] شده
اوضاع واقعه بدیه ارزنه الروم هم لاینفک تا حال بر ضمیر منیر آفتاب
تاثیر اعلی پوشیده و پنهان نخواهد بود و جام جهان نمای ضمیر منیر تو
اظهار معروض حال و [illegible] چشم داشت بدولت ایران
این بود که در ضمن این مصالحه مبارکه نوع استمالتی یابی شهریاران
تاجدار دولتهای دایم القرار در نظر دوست و دشمن و دور و
نزدیک جلوه کند که مایه مزید بیم و امید اولیا و اعدای دولتین
و کمال اطمینان و استظهار سرحدنشینان مملکتین باشد و حال از
قراری که بمطالعه مبارک اقدس تاجور خواهد رسید درین قرارنامه جدیده
مطلقا فصلی درین باب مرقوم نشده و رجال سنیه دولت
[illegible] مصلحت دیده اند که این امر هم که مایه [illegible] نظام
و صلاح کل اسلام است [illegible] مسکوت [illegible] است که در بعضی [illegible]

[illegible]

و مراد از ذکر اسم این دولت و ملاحظه شان این شوکت و گذارش
امر این مملکت بلفظی غفلت نموده که در هر جا بالمثل خواهش بسیار جزئی
از این دولت پذیرفته باشند به لفظی ناسزا و طرزی ناپسند ادا کرده اند
که ناپذیرفتن آن هزار باره بر این طور ذکر و بیان تفضیل و رجحان داشت
[illegible]
اعتاب ارجمند سلطنت قاهره ایران بعرض رسید و از اوضاع
امور و محاورات و مشاورات و سایر وقعات انجا استحضار کامل
حاصل شد از این رهگذر که هر دو دولت اسلام در حقیقت یکی است
و تفاوتی در میانه نیست و احترام آنحضرت اسعد امجد اعلی در هر حال
ملحوظ و منظور است امضانامه ممهوره بمفصل مصحوب مقرب الحضرت فلان
انفاذ داشتند و در فصول کلیه و اصول مهمه بهیچ وجه گفتگو تغییر ندادند
و تجدیدی نکردند و چون اول الفت و عهد صلح و بدایت انتاج
راه دوستی بود و تحمل و سکوت در امثال این امور را اولی دیدند
ولیکن این خالص القلب صافی ضمیر که خود را بملاحظه فرق [illegible]
نیکخواه و ارادت کیش هر دو دولت میداند [illegible] دولت

ابد مدت در عالم صدق و ارادت عرضه میدارد که اعلیحضرت شاهنشاه
ایرانرا از اعلیحضرت اعلی و شوکت چشم مهر و برادری است و امید است
ابد توامان را از اندولت جاوید مدتشان توقع موالفت و یکانگی
ایمی‌الفت کستر هم التفات عم اعظم اکرم تاجور را سرمایه سود و صلاح
دنیا و آخرت خود میشمارد و بر خدا ظاهر است که بهیچ وجه من الوجوه
از این طرف مطلبی و طمعی و غرضی نیست مگر اینکه اولیای اندولت
در عالم دوستی و موافقت فرقی مابین الدولتین بگذارند و ما خود
را هسند دار خود شمارند و هر جا مخالفه حرف و کلمه میان آمده از این
طرف بوده که در اینباب خلاف توقعی ظاهر شده بالمثل در ماده
اولیه قرارنامه حدودی که در باب کردستان و سمت بغداد کرده
در ماده ثالثه قراری که در باب سیکی و حیدرانلو داده اند اگر بقلب
پاک صاف و عرق عدل و انصاف عم اکرم تاجدار حکم باشد
حسب الواقع معلوم و مفهوم خواهد شد که عرایض این اخلاص‌منش
بجا و بجهت بوده بحمدالله تعالی شهریاران تاجدار برادرند و برابر
و دو دولتهای دایم القرار یک جهتند و یگانه و ممالک جانبین اسلام اند

و در دین اسلام با وصف این امور ملاحظه این فرق و تفاوت نهایت
[illegible] ادبست اگر واقعا هر کله از دولتی روگردان شود و بدولت دیگر متوسل
گردد استرداد ان باکراه و اجبار بی رضا و اختیار موجب نقض شأن
دیگر شوکت تاجدار است بایست در همین باب ملاحظه شأن هر دو
دولت را بالمساوات والمصافات نمایند و اگر اقتضای اینگونه فرار
و ستیز و توسل باعث بی نظمی ممالک و ناامنی مسالک و اختلال سرحدات
و بی اقتداری سرحدداران خواهد شد بار بایست مصلحت جانبین ازین
مفاسد مملکتین را یکسان در نظر گرفته باشند اولیای دولت قاهره
ایران برای تسهیل عمل و تقلیل زحمات آنرا بار کردن حمل مقتضی
ازانکه اینگونه اشخاص را باعتبار نگیرند و بدهند یا بی اختیار نگه‌دارند
با هر که اینجانب با هر که انجانب مبادله و معامله نمایند بالقانون
سنیه ایام و عوام ماضی راضی شوند بدارند و هر شق ازان شقوق که مرضی
و مقبول خاطر سعادت مشمول عم اکرم افخم تاجدار است همان را
صلاح و فلاح میدانند و بالطاف کریمانه و انصاف ملوکانه آنحضرت
واثق و مستظهر میباشند و از نتایج محبت جاوید و فرخنده [illegible]

اعلیحضرت سپهر بسطت قسم است که منظور از اینعرض و اظهار و شرح و
تفصیل داد و ستد چند خانه ایل و رفت و آمد چند نفر کردیست این نکته
برای ارباب ضمایر روشن خواهد بود که امثال این امور را چندان
قابلیت نمیباشد که از دولتی قدیم بدولتی قدیم اظهار شود و ملکه معقود بالذات
و ملکه ثانیه ذریعه گفتاری و نوشتاری این خالص الفؤاد همین است
که خواه در اینباب و خواه در سایر مواد فرق و تفرقی مابین دو دولت
جاوید بنای خود مابین دو دولت مشید نگذارند و بامر واسطه امری که لزوم
برودت و کدورت باشد واقع نشود دیگر امر و اختیار با عم اکرم
تاجدار است همواره بصدور صفا و ضمانت مشفقانه و رجوع مهمات
اتفاقیه خاطر اخلاص مفطور را خورسند و مسرور دارند

نامه که از جانب همایون سلطان محمود سلطان دولت سنیه عثمانیه
بحضرت سپهر مرتبت نواب عباس میرزا نایب السلطنه مرحوم نوشته

لالی حمد و سپاس بحد و دراری شکر و ستایش لاتعد ازل مالک
الملک لایزال و خداوند بیمثال جلت نعمائه و عمت آلائه حضرت [illegible]
بارگاه قدرت و سلطان دیهیم عظمت [illegible] اعنی درگه جواهر

ماهیات ممکنه بی خزانه کمال عنایت [illegible] ابداع و اختراع الیه رسوم
بدعت و قمع قواعد کفر و ضلالت و اظهار شعار شریعت و افضاح
مسالک ملک و ملت [illegible] هر دم سعد توام دو قلاده خلافتی عباد
رافت نهاده بدن بر خجسته طالع محمود و انتظام ملک گردن [illegible]
تعلق ابدی و عقد و فراید و درود نامعدود و سموط جواهر حمید
نامحدود ازل سرخیل انبیا و قافله سالار اصفیا امام الهدی شفیع
الوری حضرت ابی القاسم محمد المصطفی علیه من الصلوة اسناها
و من التسلیمات ازکاها نثار روضه مطهره فایضة الانوار و تربت معطره
بهشت آثار [illegible] درکه حمایل رسایل رسالت طراز الفاظ [illegible]
و جوهر خورشید نورافزای قلوب مسلمین در و ظرف تحیات زاکیات
مسک اندود خلفای راشدین و آل و اولاد و اصحاب کرام رضوان الله
تعالی علیهم اجمعین حضرتیه اولسونکه رایات اجتهاد و لوای اعلای [illegible]
سپاه اسلام اتمشلر در ونتیجه و ترفیه خاصان قرب حق عز اسمه
[illegible]
حقنده رساننده فیض و امداد اولمشلر در اما بعد باکوره اثنیه خالصه

که پروردهٔ فؤاد سکارم اعتیاد و شکوفهٔ مدایح مصافیه که ترتیب یافته

دوستانه و مخالصت معتاد و ربالیحضرت قمر طلعت ذی تمکین اکلیل

کامکاری جوهر بهای افسر شهامت و بختیاری زبدهٔ اندال حضرت

خلاصهٔ عناصر خسروی و سلالت سامی نسب معالی حسب شاهزاده جوان

بخت عباس میرزا عالیجاه صفاهر دستگاه حضورینه اهدا و تمثال الطاف

صورت عروس حب و وفا بو و جمله چهره نمای تقریر و اسنادی قلورکه

قصیبان سپیند سعد جمیه تکون تمش اولان آثار مسافیت مکاله بره

حسن مصافات و مودته دائر صحیفه که لعقد لفایه جناب شاهی ده درگاه

خلافت قرار سلطانی و بارگاه عنایت اشتهار خاقانی ده قرداق البال و العقد

ناموس عدام دیوان نا ایدن امارت تاب رفعت کتابت قائممقام

زبده مجده و ساطتیله درسنا و قلنان نامه و واد علامه کرمور

سهو شوکت معدلت شعار پادشاهانه سزاوار اولوب ذات همایونه عرض

اخلاص و لوه و تکرر و عقد مصالحه ماده ... اسرار سامی جمیله

و همکن وذریعهٔ انکشاف لمع فیض منبع ملوکانه سزاوار حضرت پادشاه

حسن توجه و میل و رکون حضرت مزین تا جدارانه سرور ده کماله ...

اولمشدر حقنده جامعهٔ اسلامیه و خلوص و مصادقت داعیه یاد لیلیه

تأکید رابطه و تمنیه و تشیید مصالحه علیه طرفین عقد ناهیه المنقصود

عرض اولنان اخلاص و مصافات تذکر و وجود همایونه رسیده ...

اولدرق بین الدولتین معقود اولان عهود و شروطه رعایت

خلوص موّدت و آثار یکجهتی و محبت آن بان اوفر دارید اولنده

د ... حقنده ... اهمیت جانب دولت علیه ...

همت اولنه حتی درکار و سفیر موجی الیه قرب سریر حورنق ...

نیز ... و نوازش و التفات شاهانه نائل ... و مساعی ملوک

خدمت رسالت اتفاد اجراسه کوشش ولوازم سفارتی اکماله ...

ایدوب بو دفعه ما ذون عود و انصراف اولدیغنه حتی کیفیت خلوص

و مودت ... مصدق سفیرندن و حتی مکس ابدار ... معقول ...

لری اولدیغی ظاهر و پدیدار او معنین مجدد تمهید مصالحه و الاکار

و مودت ... ضمننده اشبو نامهٔ ملاطفت ... اصدار و ارسال

اولنمشدر انشاء الله تعالی لدی الوصول دولت ... ایرانیانک

جانبندن هر حالده نامه مرالاته دقت و رعایه عهود و شروط ...

و خلاف وضع حالت و توقع کلمس حضورینه ... دوست ...

علی الدوام تأسیس دعائم اخلاص و وداد و تأکید بنیان مصافات

و اتحاد طرف اشرف شاهانه ... و حتی همت قلندحنی معلوم

... نکرار اولدقده جناب شهامت نصاب دخی تشیید مسلم

معدلت و تأسید خلوص و مودتی موجب اولور اسباب و حالات

استحصالنده رعایت و دقتی مأمول همایونمز در باقی همیشه

سعد و بختیاری و شهامت ارایی و مولت طالع درخشنده باد

صورت عهدنامه گلستان که در سنه ۱۲۲۸ هجری فیمابین دولتین

ایران و روس منعقد گردید

اعلیحضرت قضا قدرت خورشید رایت پادشاه جمجاه دارا درگاه

عالی دستگاه مالک بالاستقلال کل ممالک امپراطوریه اروسیه و

اعلیحضرت قدر قدرت کیوان رفعت پادشاه اعظم سلیمان جاه

مالک بالاستقلال کل ممالک شاهانه ایران ملاحظه بکمال مهر

و اشفاق علیتین که در ماده اهالی و رعایای متعلقین دارند رفع

و دفع عداوت و دشمنی که بر عکس برای شوکت آرای ایشانست

طالب و باستقرار مراتب مصالحه میمونه و دوستی جوار

سابقه مؤکده را در بین الطرفین راغب میباشند باحسن الوجه

رای علیتین قرار گرفته در انجام این امور نیک و مقصود از طرف

از طرف اعلیحضرت قدر قدرت پادشاه اعظم بالاستقلال کل

ممالک روسیه عالیجاه معلی جایگاه جنرال لیتنانت اروسیه سپهسالار

و مدبر عساکر ساکنین جوانب قفقازیه و گرجستان ناظم امور

و مصالح شهریه ولایات غوبرنیای گرجستان و قفقازیه

و حاجی ترخان و کنارهای تمامی ثغور و سرحدات این حدود و جهات

و ... امیر فرمانفرمای عساکر بحری بحر خزر صاحب حمایل الکساندر

نوسکی و حمایل مرتبه اولین آنای مرتبه دار رابع عسکریه مقدسه

حضرت کئورگی صاحب نشانه شمشیر طلا المرقوم بجهت رشادت

و بهادری نیکولای رتیشچف را اختیار کلی اعطا شده و اعلیحضرت

قدر قدرت والا رتبت پادشاه اعظم مالک بالاستقلال کل

ممالک ایران هم عالیجاه معلی جایگاه ایلچی بزرگ دولت ایران

که مأمور دولتین روم و انگلیس بوده عمده الامراء والاعیان

مقرب درگاه ذیشان و محرم اسرار نهان و مشیر اکبر امور دولت
علیه ایران از خانواده دودمان وزارت و از امرای دیوان
عظمی در مرتبه دویم ان صاحب شوکت عطایای خاص پادشاهی
خود از خنجر و شمشیر و کارد مرصع و استعمال ملبوس ترمه و اسب یراق
مرصع ممتاز میرزا ابو الحسن خان را که در این کار مختار بالکل نموده اند
حال در معسکر روسیه در رودخانه زیوه من محال گلستان متعلقه
ولایت قراباغ ملاقات و جمعیت نموده بعد از ابراز و مبادله
تمسک ماموریت و اختیار کلی خود بیکدیگر و ملاحظه و تشخیص امور
متعلق بمصالحه مبارکه بنام نامی پادشاهان عظام قرار و بموجب
اختیار نامجات طرفین قیود و فصول شروط مرقومه را الی الابد
مقبول و منظور و استوار میداریم فصل اول بعد از این امور
جنگ و عداوت و دشمنی که تا حال در دولتین علیتین روسیه
و ایران بود بموجب این عهدنامه الی الابد مقطوع و متروک
و مراتب مصالحه اکیده و دوستی و وفاق شدید در بین
اعلیحضرت قضاقدرت پادشاه اعظم امپراطور مالک بالاستقلال

کل ممالک

کل ممالک روسیه و اعلیحضرت خورشید رایت پادشاه دارا
شوکت ممالک ایران و وارث و ولیعهدان عظام و میانه
دولتین علیتین ایشان پایدار و مسلوک خواهد بود فصل دویم
چون پیشتر بموجب اظهار و گفتگوی طرفین قبول و رضا از جانبین
دولتین شده است که مراتب مصالحه در بنای اسطاطسکوا
پرزندیم یعنی طرفین در هر وضع و حالیکه الی قرار داد مصالحه
حالیه بوده است از اقرار باقی و تمامی الکای و ولایات خوانین
نشین که تا حال در تحت تصرف هر یک از دولتین بوده کماکان
در ضبط و [illegible] دولتین علیتین روسیه
و ایران بموجب خط مرقومه ذیل مستمر و سرحدات مستقر و معین
گردیده از ابتدای اراضی ادینه بازار بخط مستقیم از راه صحرای
مغان تا معبر یدی بلوک رود ارس و از بالای رود ارس تا اتصال
والحاق رود خانه کپنک چای بپشت کوه مقری و از آنجا خط
حدود سامان ولایات قراباغ و نخجوان و ایران و نیز سرحد
از ستور گنجه جمع و متصل گردیده بعد از ان حدود مزبوره که ولایات

ایروان و گنجه و هم حدود قزاق و شمس الدینلو را تا بمکان ایشیک
میدان تشخیص و منفصل میسازد و از ایشیک میدان نیز بالای سر
کوههای طرف راست طرق و رودخانهای حمزه چمن و از سر
کوههای پنبک الی گوشه حدود و محال شوره گل و از گوشه شوره گل
از بالای کوه برف دار الگز گذشته از سر حد محال شوره گل میانه
حدود و میانه حدود و قریه سدره دارنیک بر رودخانه ارپه چای ملحق
و متصل شده معلوم و مشخص میگردد و چون ولایات خانشین
طالش در هنگام عداوت و دشمنی دست بدست افتاده لهذا
بجهة زیاده صدق و راستی حدود ولایات طالش مزبوره را از جانب
انزلی و اردبیل بعد از تصدیق این صلح نامه از پادشاهان عظام و
معتمدان و مهندسان مأموره که بموجب قبول و وفاق یکدیگر و معرفت
سرداران جانبین جبال و رودخانها و دریاچه و امکنه و مزارع
طرفین تفصیلا تحدید و تمیز و تشخیص میسازند آنرا نیز معلوم و تعیین
ساخته آنچه در حال تحریر این صلح نامه در دست و در تحت تصرف
جانبین باشد معلوم نموده آنوقت خط حدود ولایت طالش

بر اسطاطکو

بر نهج اسطاطسکوا و پرزندیم مستقر و معین ساخته هر یک از طرفین آنچه
در تصرف دارد بر سر آن باقی خواهد ماند و همچنین در سرحدات مزبوره
فوق اگر چیزی از خط طرفین بیرون رفته باشد معتمدان و مهندسان
مأموره طرفین هر یک طرف موافق اسطاطسکوا و پرزندیم رضا خواهند
داد فصل سیم اعلیحضرت قدر قدرت پادشاه اعظم مالک بالاستقلال
ممالک ایران بجهة ثبوت دوستی و وفاقی که با اعلیحضرت خورشید
رتبت امپراطور کل ممالک روسیه دارند باین صلح نامه بعوض
خود و ولیعهدان عظام تخت شاهانه ایران ولایات قراباغ و
گنجه که الان موسوم بالیساوط پول است و الکای خوانین نشین شکی
و شیروان و قبه و دربند و بادکوبه و هر جا از ولایات طالش را
با خاکی که الان در تحت تصرف دولت روسیه است و تمامی داغستان
و گرجستان و محال شوره گل و آچوق باش و گوریه و منگریل و آبخاز
و تمامی الکاء و اراضی که در میانه قفقازیه و سرحدات معینه حالیه
بوده و نیز آنچه از اراضی دار با قفقازیه الی کنار دریای خزر
متصل است مخصوص و متعلق بممالک امپریه روسیه میداند فصل چهارم

اعلیحضرت خورشید رایت امپراطور والاشوکت ممالک روسیه
برای اظهار دوستی و اتحاد خود نسبت باعلیحضرت قدر قدرت پادشاه
اعظم ممالک ایران و بجهت اثبات اینمعنی که بنا بر همجواری طالب
و راغب است که در ممالک شاهانه ایران مراتب استقلال و اختیار
پادشاهیرا در بنای اکید مشاهده و ملاحظه نمایند لهذا از خود و عوض
ولیعهدان عظام اقرار مینمایند که هریک از فرزندان عظام ایشان
که بولیعهدی دولت ایران تعیین میگردد هرگاه محتاج باعانت
و امدادی از دولت روسیه باشد مضایقه ننمایند تا از خارج هیچ احدی
کسی دخل در مملکت ایران ننماید و بامداد و اعانت روس دولت
ایران مستقر و مستحکم گردد و اگر در امور داخله مملکت ایران مابین
شاهزادگان مناقشتی روی نماید دولت روس را در اینمیانه کاری
نیست تا پادشاه وقت خواهش نماید فصل هشتم کشتیهای دولت
روسیه که برای معاملات بروی دریای خزر تردد مینمایند بدستور
سابق ماذون خواهند بود که بسواحل و بنادر جانب ایران
عازم و نزدیک شوند و زمان طوفان و شکست کشتی از طرف ایران

اعانت و یاری

و اعانت و یاری دوستانه نسبت باهالی و کشتیهای مزبور بعمل آید
بدستور سابق ماذون خواهد بود که برای معامله روانه سواحل روسیه
شوند بهمین نحو در هنگام شکست و طوفان از جانب روسیه اعانت
و یاری دوستانه درباره ایشان معمول گردد و در خصوص کشتیهای
عسکریه جنگی روسیه نظر بآنکه از زمان قدیم و دوستی و در هر وقت کشتیهای
جنگی دولت روسیه بالعلم در دریای خزر بوده اند حال هم محض و همین سبب
اذن داده میشود که بدستور سابق معمول گردد و احدی از دولتهای دیگر
سوای دولت روس کشتیهای جنگی در دریای خزر نداشته باشد فصل سیزدهم
تمامی اسرا ایکه در جنگها گرفتار شده اند یا آنکه اهالی طرفین اسیر شده
از گرجستان و هر مذهب دیگر جدا شده باشند جدا بدالی و عده چهار ماه بالی
بعد از تصدیق و خط گذاردن در این عهدنامه از طرفین مرخص و رد
گردیده هر یک را از جانبین خرج و احتیاج باسرای مزبوره داده
بعباس آباد رسانند و وکلای سرحدات طرفین بموجب ...
در خصوص ... [illegible]
بازیافت خواهند کرد و اما آنکه بسبب تقصیر یا خواهش خود از ...

فرار بوده و اذن داده ان باماییکه برضا و رغبت خود از او و اماران دست
باشند داده میشود که بوطن خود مراجعت نمایند هر کسی از هر قومی چه
اسیر و چه فراری که بخواسته باشند نباید کسیرا با او کاری نیست و خوف
بتقصیرات از طرفین نسبت بفراریان عطا خواهد شد فصل نهم بجهت علاوه
از قرار و اظهار مزبور بالا رای صفا شعاری اعلیحضرت کیوان رفعت
امپراطور اعظم روسیه و اعلیحضرت قدر قدرت پادشاه اعظم ممالک
ایران قرار یافته که ایلچیان معتمد طرفین که بهنگام لزوم ماموره
دارالسلطنه جانبین میشوند بروفق لیاقت رتبه امور کلیه مرجوعه ایشان
حاصل و برداشت و عزت نمایند و بدستور سابق وکلائیکه از دولتین
بخصوص حمایت ارباب معاملات در بلاد منسوبه طرفین تعیین
و نشیمن گردیده ... ایشان ... از
شایسته مورد مراعات گردیده و باحوال ایشان هیچگونه زحمت
نرسیده بل رحمتی که بر رعایای طرفین عاید گردد بموجب عرض و اظهار
وکلای مزبور رضای ستمدیدگان جانبین داده شود فصل دهم در باب
اندیشه قوافل و ارباب معاملات درمیان ممالک دولتین علیتین

اذن داده میشود

اذن داده میشود که هر کس از اهالی تجار بخصوص ثبوت اینکه در دست رعایا
و ارباب معاملات متعلقه دولت بهیه روسیه و یا تجار متعلق بدولت
علیه ایران میباشند از دولت خود یا از سرحدداران یکدیگر وکالتنامه
راه در دست داشته باشند از طریق بحر و بر بجانب ممالک ایران
و روسیه بدون تشویش آیند و هر کس هر قدر خواهد ساکن و متوقف گشته
بامور معامله و تجارت اشتغال نمایند و زمان مراجعت ایشان باوطان
خود از دولتین مانع ایشان نشوند آنچه مال و تنخواه از ایشان ممالک روسیه
بولایات ایران و نیز از طرف ایران بممالک روسیه برند بمعرض بیع
برسانند و یا معاوضه بمال و اشیاء دیگر نمایند اگر درمیانه ارباب
معاملات طرفین بخصوص طلب و غیره شکوه و ادعائی باشد بموجب
عادت مألوفه نیز وکلای طرفین یا اگر وکیل نباشد نزد حاکم آن کار
امور خود را عرض و اظهار رسانند تا ایشان از روی صداقت
مراتب ادعای اظهار را تشخیص و معلوم کرده خود یا بمعرفت دیگران
قطع و فصل کار را ساخته نگذارند تعرض و زحمتی بارباب معاملات
عاید شود و درباب تجار طرف ممالک روسیه که وارد ممالک ایران

میشوند مأذون خواهند بود که اگر با اموال و تنخواه خودشان بسمت ممالک
پادشاهانه دیگر که دوست ایران میباشند بروند طرف دولت ایران
مضایقه بگذرات راه بایشان که از خاک ممالک روسیه بسمت سایر
ممالک پادشاهانه که دوست روسیه باشند بروند معمول خواهد شد
و همچنین اگر از رعایای دولت روسیه در زمان توقف و تجارت در ممالک
ایران فوت شده اموال و املاک او در ایران بماند چون مال معروف او
از مال رعایای دولت دوست است لهذا میباید بصحت بموجب قانون اهل
شرعی بورثه او تسلیم و رد نموده کرده و نیز اذن خواهند داد که املاک مزبور را
اقوام او بفروشند چنانکه همین در میان ممالک روسیه و پادشاهان
دیگر مشهور و عادت بوده و متعلق بهر دو دولت باشد مضایقه نمی نمایند
فصل نهم باج و گمرک اموال تجار طرف دولت بهیه روسیه که به بنادر
و بلاد ایران میاورند از یک تومان پانصد دینار در یک بلده گرفته و از
آنجا با اموال مزبور بهر ولایت ایران بروند چیزی مطالبه نکرده و
همچنین از اموالی که از ممالک ایران بیرون میاورند القدر گرفته
زیاده بعنوان خرج و توجیه و تحمیل و اخراجات چیزی در کار نرسید
تمام

باشد و تفاوتی مطالبه نشود و همین نحو در یک بلده باج و گمرک ایران
که به جنس در ممالک روسیه میاورند و یا بیرون میبرند بدستور گرفته
اختلافی بهیچ وجه نداشته باشد فصل دهم بعد از نقل اموال تجار به بنادر
در کنار دریا و یا آوردن از راه خشکی ببلاد سرحدات دولتین
اذن و اختیار بتجار و لابات معاملات طرفین داده میشود که اموال
خودشانرا فروخته اموال دیگر خریده و یا معاوضه کرده و دیگر از امنای
گمرک و مستاجرین گمرکی اذن نخواسته باشند زیرا که بر ذمه امنای
گمرک و مستاجرین لازم است که ملاحظه نمایند تا معطلی و تاخیر در کار
ارباب معاملات وقوع نیافته باج خزانه را از بایع یا از مبتاع هر کدام
سازش مینمایند بازیافت دارند فصل یازدهم بعد از تصدیق و
خط گذاردن در این شروط نامه وکلای مختار دولتین علیتین بلا تاخیر
باطراف جانبین اعلام و اخبار مینمایند و امر اکید بخصوص بالمره
ترک و قطع امور عداوت و دشمنی بهر جا ارسال خواهند کرد شرط
این شروط نامه علاحده که بخصوص استدامت مصالحه دائمه طرفین
منعقد و دو قطعه مشروحه با ترجمان خط فارسی مرقوم و ممهور و از وکلای

مختار مأمورین دولتین علیتین مزبوره بالتصدیق بامضا و مهر ممهور گردیده و مبادله با یکدیگر
شده است میباید از طرف اعلیحضرت خورشید رتبت شاه اعظم امپراطور اکرم مالک کل
ممالک روسیه و از جانب اعلیحضرت قدر قدرت پادشاه والا جاه ممالک ایران با
خط شریف ایشان تصدیق کرده و چون این صلح نامه مشروحه منعقد میباید از هر دو دولت
پایدار بوکلای مختار برسد لهذا از دولتین علیتین در مدت سه ماه بالیل وصول کرده و معتبر را
در معسکر روسیه در رودخانه زیوه من محال گلستان متعلقه ولایات قراباغ بتاریخ
شوال سنه ۱۲۲۸ هجری و بیست دویم ماه اکتبر سنه ۱۸۱۳ عیسوی

واو دستخط ایلچی روس جنرال لدینانت نیکولای رتیشوف ستاردائی که چون میان
ای دو دولت پایدار عهدنامه قرار یافته بنا بر این شد که بعد از اتمام مصالحه دو سلطنت
لدالشن برای استقرار دوستی و اتحاد سفرا آمد و شد نمایند لهذا ایلچی که از دولت بهیه
ایران برای مبارکباد بدولت علیه روس بیرود مطالبی که از شاه خود مأمور است برای
حضرت قضا قدرت امپراطور اعظم عرض و اظهار سازد سردار دولت علیه روسیه تعهد
مینماید که در مطالب ایران بقدر مقدور کوشش و سعی نماید بجهة اعتماد خط گذاشته مهر نمودم
در معسکر روسیه در رودخانه زیوه من محال گلستان متعلقه ولایات قراباغ بتاریخ شهر
سپتمبر ۱۲ ۱۸ ۱ محل مهر وکیل مختار دولت علیه ایران میرزا ابوالحسن خان محل مهر جنرال لتنانت

نیکولای رتیشوف سردار دولت روسیه والسلام خیر ختام

سواد قرار نامه فارسیکه فیمابین دولتین علیتین ایران و روم استقرار یافته است

بتاریخ ۱۹ جمادی الثانیه سنه ۱۲۳۸

غرض از تحریر و املای این کلمات محبت دلالات آنکه از آنجا که فیمابین
سلطنت جاوید آیت سنیه و دولت دوران مدت علیه ابدی الدوام با دولت بهیه
عثمانیه بعضی عوارض و مشکلات حادث و وقوع یافته بود بنا بر مقتضای التیام اساس
دوستی و الفت و ضوابط سلم و صفوت و جهت جامعه اسلامیه که میان دولتین علیتین
مدان منعقد میباشند بالتسویه آنگونه مواد نزاعیه را بر وجه موافق و مناسب قوت
شان دولتین علیتین به تجدید تاکید بنیان صلح و مسالمت و تشیید ارکان موالات
و مودت از جانب دولتین علیتین اظهار رغبت و موافقت شده برای تنظیم
مواد مارجه و تحریر و تسطیر اسناد مقتضیه برحسب فرمان همایون اعلیحضرت قدر قدرت
کیوان حشمت مملکت مدار فلک کیر آرایش تاج و سریر جمال الاسلام و المسلمین جلال
الدنیا والدین غیاث الثقلین قهرمان الماء و الطین ظل الله الممدود فی الارضین
حافظ حوزه مسلمین داور جمشید جاه داراب دستگاه انجم سپاه اسلام پناه زینت
بخش تخت کیان افتخار ملوک جهان خدیو دریا دل کامران السلطان ابن السلطان ابن

سلطان و الخاقان ابن الخاقان ابن الخاقان محمد شاه ادام الله تعالی ایام سلطنته و خلافته
الاجلال وزین فلک قدر و مشتری کوکب الاقبال بنده درگاه آسمان جاه میرزا محمد
تقی خان وزیر عساکر منصوره نظام و غیر نظام که حامل نشان مبارک شیر و خورشید مرتبه
اول سرتیپی و حمایل اخضر خاص میرزا و ارزنت بوکالت مخصوص و مباهی گشته و نیز از طرف
اعلیحضرت کیوان رفعت شمس فلک تاجداری بدر اوج شهریاری پادشاه اسلام پناه
سلطان البرین و خاقان البحرین خادم الحرمین الشریفین ذو الشوکه و الشهامه السلطان
ابن السلطان بن السلطان سلطان عبدالمجید خان جناب مجدت مآب عزت نصاب انوری
... السید محمد انوری سعدالله افندی که از اعاظم رجال دولت علیه عثمانیه و حائز صنف
اول از رتبه اولی و حامل نشان مخصوص آن رتبه است مرخص و تعیین شده بود چه مرحل
ماذونیه بعد از نشان دادن و ملاحظه و مبادله وکالت نامه‌های مبارکه انعقاد معاهده مبرورة
در ضمن نه فقره آتیه قرار داده شده که درین کتاب مستطاب بیان و در مجلس منعقده
ارزنة الروم مبادله میشود فقره اول دولتین اسلام قرار میدهند که مطلوبات نقدیه
طرفین را که تا بحال از یکدیگر ادعا میکردند کلا ترک کنند ولیکن با این قرار معاملات
تسویه مطلوبات مخصوصه مندرجه در فقره چهارم خللی نیابد فقره دوم دولت ایران
تعهد میکند که جمیع اراضی بسیطه ولایت زهاب یعنی اراضی جانب غربی آنرا بدولت

عثمانیه ترک

عثمانیه ترک کند و دولت عثمانیه نیز تعهد میکند که جانب شرقی ولایت زهاب یعنی
جمیع اراضی جبالیه آنرا مع دره کرند بدولت ایران ترک کند و دولت ایران
نیز تعهد میکند که در حق شهر و ولایت سلیمانیه از هر گونه ادعا صرف نظر کرده تملکی
که دولت عثمانیه در ولایت مذکور دارد وقتا من الاوقات بطور دخل و تصرف ننماید
دولت عثمانیه نیز قویا تعهد میکند که شهر و بندر محمره و جزیره الخضر و لنگرگاه و هم اراضی
ساحل شرقی یعنی جانب یسار شط العرب را که در تصرف عشایر متعلقه معروفه ایران است
بملکیت در تصرف دولت ایران باشد و علاوه برآن حق خواهند داشت که کشتیهای
ایران بآزادی تمام از محلی که شط العرب به بحر منصب میشود تا موضع الحاق حدود طرفین
در نهر مذکور آمد و رفت نمایند فقره سیم طرفین متعاهدین تعهد میکنند که با این معاهده حاضره
سایر ادعاهاشان را در حق اراضی ترک کرده از دو جانب بلاتأخیر مهندسان و مأمورین را
تعیین نموده برای اینکه مطابق ماده سابقه حدود مابین دولتین را قطع نماید فقره چهارم
طرفین قرار داده اند که خسارتیکه بعد از قبول اخطارات دوستانه دو دولت بزرگ
واسطه که در شهر جمادی الاول ۱۲۶۱ تبلیغ و تحریر شده بطرفین واقع شده و هم
رسومات مراعی از سالی که تأخیر افتاده برای اینکه مسائل آنها از روی عدالت فیصل
و احقاق شود از دو جانب بلاتأخیر مأمورین را تعیین نمایند فقره پنجم دولت عثمانیه

وعده میکند که شاهزادگان فراری ایران را در بروسا اقامت داده و غیبت آنها را از محل
مذکور و مراوده مخفیه آنها را با ایران رخصت ندهد و دولتین علیتین تعهد میکنند
که سایر فراری بموجب معاهده سابقه ارزنة الروم عموما رد شوند فقره ششم تجار ایران
رسم گمرک اموال تجارت خود را موافق قیمت حالیه و جاریه اموال مذکوره نقدا یا جنسا
بوجهی که در عهدنامه منعقده ارزنة الروم در سنه ۱۲۳۸ در ماده دویم که دائره تجارت است
مسطور شده ادا کنند و از مبلغی که در عهدنامه مذکوره تعیین شده زیاده وجهی مطالبه
نشود فقره هفتم دولت عثمانیه وعده میکند که بموجب عهدنامه‌های سابقه امتیازاتیکه
لازم باشد در حق زوار ایرانیه اجری دارند تا از هر نوع تعدیات بری بوده بتوانند
بکمال امنیت محلهای متبرکه را که کائن در ممالک دولت عثمانیه است زیارت کنند
و همچنین تعهد میکنند که بجهت استحکام و تأکید روابط دوستی و اتحاد که لازم است
مابین دو دولت اسلام و تبعه طرفین برقرار باشند مناسب ترین وسائل را
استعمال نمایند تا چنانکه زوار ایرانیه در ممالک دولت عثمانیه بجمیع امتیازات نائل
میباشند سایر تبعه ایرانیه نیز از امتیازات مذکوره بهره‌ور بوده خواه در تجارت خواه در
مواد سایره از هر نوع ظلم و تعدی و بیحرمتی محفوظ باشند و علاوه برین بالیوزهائیکه
از طرف دولت ایران برای منافع تجارت و حمایت تبعه و تجار ایرانیه بجمیع محلهای

ممالک عثمانیه

ممالک عثمانیه که لازم باشد نصب و تعیین شود بغیر از مکه مکرمه و مدینه منوره دولت عثمانیه
قبول مینماید و وعده میکند که کافه امتیازاتیکه شایسته منصب و مأموریت بالیوزهای
مذکوره باشد و در حق قونسلهای سایر دول متحابه جاری میشود در حق آنها نیز جاری شود
و نیز دولت ایران تعهد میکند که بالیوزهائیکه از طرف دولت عثمانیه بجمیع محلهای
ممالک ایرانیه که لازم باشد میباید نصب و تعیین شود و در حق آنها و در حق تبعه و تجار
دولت عثمانیه که بممالک ایران آمد و شد میکنند معامله متقابله را کاملا اجری دارند
فقره هشتم دولتین علیتین اسلام تعهد میکنند که برای دفع و رفع و منع غارت و سرقت
عشایر و قبایلی که در سرحد میباشند تدابیر لازمه اتخاذ و اجری کنند و بهمین خصوص در
محلهای مناسب عسکر اقامت خواهند داد و دولتین علیتین تعهد میکنند که از عهده هر نوع
حرکات تجاوزیه مثل غصب و غارت و قتل که در اراضی یکدیگر وقوع یابد برآیند و
قرار داده اند عشایریکه متنازع فیه میباشند و صاحب آنها معلوم نیست بخصوص انتخاب
و تعیین کردن محلی که بعد از این دائما اقامت خواهند کرد یکدفعه باراده اختیار
خودشان حواله بشود و عشایریکه تبعیت آنها معلوم است جبرا باراضی دولت متبوعه
آنها داخل شوند فقره نهم جمیع مواد و فصول معاهدات سابقه خصوصا معاهده
که در سنه ۱۲۳۸ در ارزنة الروم منعقد شده که بخصوصه با این معاهده حاضره الغا و نقض

شده باشد مثل اینکه کلمه بکلمه درین صحیفه مندرج شده باشد کافه احکام و قوه اتفاق
شده است و فیمابین دو دولت علیه قرار داده شده است که بعد از مبادله امضاها
در ظرف دو ماه با تذکره از جانب دولتین قبول و امضا شده و تصدیق نامه های آن مبادله
خواهد شد و کان ذلک التحریر فی یوم السادس عشر من شهر جمادی الثانیه سنه ۱۲۶۳ در دار الخلافه
طهران صورت انطباع پذیرفت

صورت عهدنامه ایست که فیمابین خاقان خلد آشیان فتحعلی شاه و مغفور سلطان
محمود خان سلطان روم منعقد گردید در ۱۹ ذیقعده الحرام سنه ۱۲۳۸

بسم الله الرحمن الرحیم غرض از تحریر این کتاب مستطاب اینکه درین چند سال بسبب
حدوث بعضی عوارض در میان دولتین علیتین اسلام روابط صلح و صفوت و
شرایط دوستی و الفت قدیمه مبدل به نقار و خصومت و منجر بمحاربت و کدورت
گشته بود و بمقتضای جهه جامعه اسلام و عدم رضای طرفین بسفک دماء و وقوع اینگونه
حوادث و عرفا اعاده سلم و مودت و تجدید دوستی و محبت از جانبین دولتین
علیتین اظهار رغبت و موافقت شده بموجب فرمان اعلیحضرت قدر قدرت کیوان
حشمت ملک بخش کیتی آرا زینت تاج و سریر ... زینت زمان جمال الاسلام
والمسلمین جلال الدنیا والدین غیاث الحق والیقین قهرمان الماء والطین ظل الله

الممدود فی الارضین حافظ حوزه مسلمانی باسط بساط جهانبانی خورشید فلک کامرانی
داور جمشید جاه سلیمان دستگاه انجم سپاه اسلام پناه زینت بخش تاج کیان مالک
ملوک جهان تاج بخش کامران شاهنشاه ممالک ایران الخاقان ابن الخاقان
فتحعلی شاه خلد الله ملکه و دولته و حکم مأموریت غره غرای دولت و شهریاری
و درهٔ علیای شوکت و جهانداری مالک الرقاب کیوان همت برجیس فطنت ملک
مراد ... صاحب اقبال پادشاهزاده آزاده ولیعهد
دولت ایران عباس میرزا عز نصره این عبد مملوک و چاکر جان نثار میرزا محمد علی آشتیانی
بوکالت نامه شاهی مخصوص گشته از جانب دولت علیه عثمانیه نیز بامر و فرمان اعلیحضرت
کیوان منزلت شمس فلک شهریاری بدر افق تاجداری پادشاه اسلام پناه سلطان
البرین و خاقان البحرین خادم الحرمین الشریفین ذو الشوکت والشهامه السلطان ابن
السلطان الغازی سلطان محمود خان اید الله ملکه و دولته وکالت نامه بجناب
عزت نصاب ایالت انتساب جلالت اکتساب متمم الامور الجمهور بالفکر الثاقب
ممهد قواعد الامور بالرای الصائب صدر اسبق اکرم والی ولایت ارزنة الروم
و سرعسکر جانب شرق محمد امین رئوف پاشا دام مجده عطا و عنایت شده بود
این عبد مملوک در مدینه مزبوره با جناب سرعسکر مشار الیه بعد از مبادله وکالت

نامه های معتبره عقد مجلس مکالمه کرده مصالحه مبارکه باین آئین ترتیب و تعیین
یافت اساس ... [illegible]
گشته بود دستور قدیمه و شرایط سابقه که عبارت از امر حجاج و تجار و رد فراری و تخلیه
سبیل اسرا و اقامت شخص معین در دولتین علیتین باشد تماما و کمالا بین الدولتین
باقی و مرعی و معتبر بوده بارکان آن بوجهی من الوجوه خللی عارض نشده و مابین
الدولتین العلیتین شرایط دوستی بمقتضای الفت و محبت ابداً در کار باشد شرایط
فیمابعد مصمم آشوب و خصام در میان بوده در میان دولتین علیتین معامله که مورث
کدورت و برودت و منافی سلم و صفوت باشد وقوع نیابد و آنچه داخل حدود قدیمه
دولت علیه عثمانیه میباشد چه در اثنای حرب و چه مقدم بر آن که بدست دولت فخیمه
ایران آمده از جمله قلاع و اراضی و قضا و قصبه و قراء بهیئت حال تحریر مصالحه خیریه
از تاریخ این تمسک تا باختتام مدت شصت روز بطرف دولت عثمانیه تماما تسلیم
کرده و ملحقات حرب اینمصالحه خیریه گرفتاران طرفین را بلا کم و اغماض تخلیه سبیل
کرده ... در اثنای راه محتاج الیه اینها شود از ماکولات و غیره عطا شده و بسرحدات
طرفین ایصال شوند ماده اول طرفین دولتین علیتین را در امور داخلیه یکدیگر مداخله جائز
نیست فیما بعد از بغداد و کردستان مداخله جایز نداشته در حمله محال که از ولایات

سنجاق کردستان داخل حدود میباشند بسببی من الاسباب و بوجهی من الوجوه از طرف
دولت علیه ایران مداخله و تعرض و تجاوز در متصرفین سابق و لاحق انصاحب نشود و در حوالی
... اگر از اهالی طرفین ییلاق و قشلاق عبور نمایند در باب رسومات ...
و قشلاق و سایر دعاوی که وقوع یابد مابین وکلاء نواب ولیعهد ایران و وزیر
بغداد مجاوره شده رفع نمایند که باعث کدورت بین الدولتین نباشد ماده دوم
مالک ... که از اهالی ایران بمکه مکرمه و مدینه منوره و سایر بلاد اسلامیه آمد و شد
مینمایند مثال حجاج و تجار و زوار و مترددین اهالی بلاد اسلامیه [illegible]
ایشان باسم دوره و سایر وجوه خلاف قانون شریعه اصلا چیزی مطالبه نشود و
کذلک از زوار عتبات عالیات مادامیکه مال تجارت نداشته باشند از ایشان
چیزی مطالبه باج و غیره نشود و اگر مال تجارت داشته باشند موافق حساب گمرک
مطالبه شود زیاده طلب ننمایند و در طرف دولت ایران نیز با تجار طرف
دولت عثمانیه و اهالی ایشان بر این وجه معامله نمایند و بمقتضای شرایط سابقه فیما بعد
در حق حجاج و تجار دولت بهیه ایران به تنفید و اجرای شرایط قدیمه از جانب وزرا
عظام امیر حجاج و میران کرام و سایر ضابطان و حکام دولت عثمانیه کمال دقت
و رعایت شود و از شام شریف الی حرمین محترمین و از انجا الی شام شریف از جانب

این عهود همیون نیز نظارت حال ایشان نشود و خلاف شرایط هیچ وجه واقع نگردد
و در حمایت ایشان همت نمایند و اگر در میان ایشان نزاع روی دهد این عهود
همیون بمعرفت معتمدی که در میان انهاست توجه در رفع آن نمایند و از محذورات
حرم شاهنشاهی و حرمهای شاهزادگان عظام و سایر اکابر دولت ایران که بمکه
معظمه و عتبات عالیات میروند فراخور مرتبه ایشان حرمت و اعزاز نمایند
و کذالک در خصوص رسومات گمرک تجار و اهالی ایران مانند تجار تبعه دولت
علیه عثمانی معامله شود و از مال تجارت ایشان یکدفعه بقرار صحیفه فروش چهار قروش گمرک
گرفته شود و بذمت ایشان مذکره داده مادامیکه از دست ایشان بدست دیگری
منتقل نشده است از ایشان گمرک نگیرند و تجار ایران لاجل التجاره چوبوق شیراز
که بدار السعاده اسلامبول و سایر بلاد روم میاورند در بیع و شرای ان انحصار نشود
بهر کس که خواهند بیع نمایند و از تجار تبعه و اهالی دولتین علیتین که بممالک جانبین امد و
شد مینمایند بمقتضای جهة جامعه اسلامیه معامله دوستانه شده از ابراء و اجرا
محفوظ باشند ماده سیم از عشیره حیدرانلو و سیپکی که در مابین دولتین متنازع فیها بوده
و امروز در خاک دولت علیه عثمانی ساکن میباشند مادامیکه در سمت انهاست اگر
در حد ممالک ایران تجاوز کرده خسارت برسانند سرحدداران در منع و ترتیب ایشان

الیهم

دقت نمایند اگر از تجاوز و خسارت دست بر ندارند و از جانب مامورین سرحدات
منع پذیر نشوند از تصاحب ایشان دولت علیه عثمانی کف ید نمایند و اگر ایشان بر
حسب خود بجانب ایران بگذرند دولت عثمانی ایشانرا منع و تصاحب نکنند و بعد
از انکه بطرف دولت بهیه ایران گذشتند بعد اگر بخاک عثمانی بیایند قطعا تصاحب و قبول
ایشان نشود و در صورتیکه ایشان بطرف ایران بگذرند اوقت اگر از حدود دولت عثمانی
تجاوز کرده خسارت برسانند سرحدنشینان دولت بهیه ایران در منع و تجاوز ایشان
دقت نمایند ماده چهارم بموجب شرط قدیم قراری دولت از جانبین تصاحب نشود
از انکه از جمیع عشایر و ایلات هرکس که بعد از این از دولت عثمانی بدولت بهیه ایران
و از دولت بهیه ایران بدولت علیه عثمانی بگذرد و باید چنان گذشتگان تصاحب نشود
ماده پنجم انچه در دار السلطنه و سایر ممالک دولت علیه عثمانی اموال تجارت ایران
موقوف شرع و دفتر مضبوط و ظاهر گشته شده است از تاریخ این تمسک بمدت شصت روز
هر محلی که باشد بمعرفت دفاتر مرقومه و معرفت شرع و معتمد دولت علیه ایران
بصاحبان انها تسلیم شود و سوای اموال مضبوطه انچه که در اثنای وقوع عداوت از
حجاج و تجار و زوار و سایر اهالی ایران که در ممالک عثمانی از جانب بعضی وزراء
و سایر حکام قهرا و جبرا گرفته باشند بعد از افاده و اظهار دولت ایران اند

لت

بهیه عثمانی فرمان بر طبق آن اصدار و تکمیل انها صادر و در هر محل بعد از اثبات شرعی
گرفته و تسلیم شود ماده ششم در ممالک دولت عثمانی از اهالی ایران کسانیکه فوت میشوند
اگر وارث و وصی شرعی بدست نداشته باشند مامورین بیت المال ترکه ایشان بمعرفت امنای
شرع دفتر کرده به ثبت سجل شرعی رسانیده و اموال را بعینه در محل امینی تا مدت
یکسال حفظ نمایند تا وکیل و وصی شرعی او امده بموجب ثبت سجل شرعیه اشیاء مرقومه
تسلیم شود و رسوم عادیه و کرایه حمل ان اشیاء را گرفته باشند و ان اشیاء اگر در
مدت مذکوره حریق و تلف نشود [illegible] ان نشود و اگر در مدت مزبور وارث و وصی
نرسد ترکه مضبوطه مامورین بیت المال باطلاع معتمد دولت ایران فروخته ثمن او را
محفوظ نمایند ماده هفتم بموجب شرط سابقه برای تایید دوستی و مودت در هر سه ساله
[illegible] از طرف دولتین علیتین مقیم و متکلف دربار یکدیگر باشند و از تبعه دولتین علیتین
در اثنای حرب که بطرفین گذشته اند در حق ایشان بنا بجهت مصالحه خیریه سیاست و
اهانت نشود ماده هشتم انچه از اساس و شروط و مواد که در فوق مذکور شده
بمنوال محرره که ما المذاکره قرار داده شده از طرفین قبول گشته اعادهای امور
مشهوده و تعیین مصارف جزئیه از جانبین منفی ما منفی کرده صرف نظر فرمایند و از
جانب دولتین بر وفق عادت تصدیق نامجات بواسطه سفیر و اسطه از تاریخ این تمسک

الی مدت

الی مدت شصت روز در راس حدود دولتین یکدیگر ملاقات کرده بآستانه طرفین ایصال
و تسلیم شود و بانیوجه عقد و تجدید این مصالحه خیریه بر مسالمت حقیقیه از تاریخ تمسک معتبره
مرعی و مستمر گشته و از انچه باثره کدورت و خصومت منتفی بوده منافی دوستی و
خلاف این عهود و شروط معقوده مربوطه از جانبین وضع و حرکتی و معامله جایز نباشد
و از جانب جناب وکیل مشار الیه [illegible] بر رخصت کامله از جانب دولت عثمانیه
این تاریخ هزار و دویست و سی و هشت نوزدهم شهر ذیقعده الحرام نوشته گشته
تمسک ممهور شده و از این جانب نیز این عبد مملوک دولت علیه ایران بر رخصت
کامله خود اساس و شروط و مواد مذکوره بوجه مشروحه قبول نموده این تمسک تحریر و
بجانب وکیل مشار الیه مبادله و تسلیم شد بالخیر والسعاده والیمن والبرکه والحمد
لله اولا و اخرا [illegible]

قرار نامه سردار کهندل خان و پیرشش سلطان علیجان مظفر الدوله در باب قندهار

بنده درگاه جهان پناه کهندل خان سردار با اقتدار قندهار نظر باینکه همیشه
چشم داشت و امید مرحمت بدولت علیه ایران داشته و دارم برای اطمینان
اولیای دولت علیه ایران صانها الله تعالی من الحدثان بارادت و نوکری خود
در خدمت دولت علیه فقرات مسطوره ذیل را قرار میدهم اولا چنانکه از قدیم

الایام

قندهار تابع دولت علیه ایران بوده و بعد از این هم کماکان از نوکری و خدمت و تبعیت
این دولت انحراف و عدول ننمائیم و هرچه فرمایش و اطاعت اولیای این دولت علیه
بدون تعلل قیام و اقدام نمائیم و خود را بسته و متعلق باین دولت بدانیم و خود را از زیر
حمایت این دولت [illegible] ندانیم و هرکدام از سرداران افغانستان که خواسته باشند
با دولت علیه ایران مخالفت نمایند این بندگان با اجازه اولیای دولت در مقام
طرد و منع آن برآئیم و بهر طور اولیای دولت ابد مدت دستور العمل بدهند رفتار نمائیم
و مغایرت نکنیم ثانی آنکه از فرستادن پیشکش و عریضه و آدم فرستادن و عرض
حالات و امورات خودمان باولیای دولت علیه ایران کوتاهی ننمائیم و اولیای
دولت را خودمان همیشه مستحضر سازیم و در روی خدمت و تبعیت باین دولت ابد مدت
و از جمیع دول احتراز و تبری خواهیم داشت و آنچه سرداران قندهار است بدون اذن و
اجازه دولت علیه ایران از خاک خود تجاوز ننمائیم و هرگاه هراتی از خاک خود بخواهد
بگذرد و داخل خاک و نواحیات ما بشود امنای دولت انها را ممانعت نمایند و همچنین
هرگاه سرداران کابلی بخواهد از خاک خود تجاوز بکنند و داخل خاک ما بشود از جانب
دولت جاوید مدت باید تنبیه شوند و تخلف و تجاوز نکنند سر منزل و حدود باشند
پیشتر قدم نگذارند ثالث آنکه دولت علیه ایران با هر دولتی صلح یا جنگ داشته باشند

رای ما هم

این بندگان در صلح شریک و در جنگ رفیق هستیم و موافق سایر تبعه دولت علیه ایران بجان [illegible]
رابع آنکه هر وقت ضرور شود و از دولت علیه اظهار و اعلام شود قشون برای دولت
لازم شود از فرستادن قشون بقدری که لازم باشد مضایقه ننمائیم باید از جانب اولیای
دولت وجه علفبندی مقرر شود که برکاب همایون حاضر شوند بعد از احتیاج دولت سعادت
نمایند و سر قرار رسیده کمترین بندگان که سرداران قندهار باشیم که مطلقا و اصلا با دولت
انگلیس مراوده ننمائیم و معلم قشونی یا توپخانه هرچه ضرور داشته باشیم از دولت علیه
ایران بخواهیم و از دولتهای دیگر ابدا معلم برای فوج یا سرباز و غیره نداریم و انشاء الله تعالی
الی الابد با دوام استقرار و برقرار خواهد ماند که از جانب اعلیحضرت شاهنشاه ایران نسلا بعد
نسل با بابان مرحمت و التفات و نگاهداری شود و از جانب سرداران قندهار نسلا
بعد نسل خدمتگذار دولت ایران خواهند بود و مطلقا دولت دیگر را نخواهند شناخت

تحریرا فی شهر ذیحجة الحرام ۱۲۶۹

[illegible]

قرارنامه امام مسقط در باب بندر عباس که در سنه لوی ئیل انعقاد یافته

چون از بدایت طلوع نیر اعظم جهان افروز این دولت قوی شوکت قاهره که ابد
ابد مقرون باد و والیان ذیشوکت بندر مسقط و عمان هریک از ایشان با دولت
نیرومندی شان بهمه جهت خاص صمیمیت ارادت و اخلاص و جهة بستگی و اختصاص میداشتند
و در ایام پادشاهان خلد آشیان انار الله برهانهم و اعلی الله مقامهم فی فرادیس الجنان
مرحمت و عنایات ملوکانه میدیدند و بپاداش خلوص نیت و صفای طویت ایشان
همت پادشاهانه و غیرت ملوکانه از فرط مراحم و بذل مکارم در حق انها همواره [illegible]
مضایقه و غفلت نمیفرمودند تا در این عهد فرخنده که تا ابد پاینده باد که تاج و تخت سلطنت
کبری بفر وجود ذیجود اعلیحضرت قدر قدرت قضا شوکت مریخ مهابت مشتری رتبت و رای
سلطان الاعظم و خاقان الاکرم مالک رقاب الامم غوث الدنیا و الدین غیاث
الاسلام و المسلمین ملک الملوک و السلاطین قهرمان الماء و الطین ظل الله
فی الارضین شاهنشاه دین پناه السلطان ابن السلطان ابن السلطان و الخاقان
ابن الخاقان ابن الخاقان ناصر الدین شاه خلد الله ملکه و سلطانه و افاض علی
العالمین بره و احسانه زینت و زیور یافت بمقتضای الحب و البغض یتوارثان
بتجدید سنت سنیه آباء تاجدار کرام و احیای رسوم نیاکان ذو الاحتشام و در اینکه

والا احترام

والا احترام بر دو رشته همان مرحمت و عاطفت شاهانه را درباره جناب ابهت و مناعت
نصاب فخامت و مناعت انتساب امارت و کفالت مآب کفایت و درایت اکتساب
عمدة الولاة العظام زبدة الکفاة الفخام دوست محترم والامقام سید سعید خان امام
و الامقام مسقط و عمان منظور و مبذول [illegible]
جناب معزی الیه [illegible]
اهمال و اغفال در لوازم خدمتگذاری دولت علیه ظهور رسید چندی آفتاب عنایت
ملوکانه در سحاب اغفال بود تا درین زمان سعادت اقتران که جناب معزی الیه بمقتضای
کفایت و کیاست و کاردانی و اقتضای خلوص نیت و وفور ارادت و بستگی بدولت علیه
تدارک و تلافی مافات [illegible]
پیشکش [illegible] بندر عباس فرستاده بود و بندگان [illegible]
شان اعلیحضرت شاهنشاهی روحنا فداه نیز رعایت احترام جناب معزی الیه را کماکان
منظور نظر مرحمت گستر فرموده از ابتدای هذه السنه میمونه لوی ئیل سعادت دلیل تا
مدت بیست سال حکومت بندر عباس و ما یتعلق به را از جزایر بحریه و محال عیسن و [illegible]
شمیل و میناب و بیابان و بندر خمیر که ملک مختص دولت علیه ایران است موافق قرار
داد و شرایط مفصله ذیل بجناب معزی الیه محول و واگذار فرمودند که هریک از ایشان

و که مصلحت بدانند واگذار نماید و جناب معظم الیه برقرار داده میباید و تعهد میکند که سلطان
عمارات ذیل رفتار نموده و بهیچ من الوجوه از شرایط تجاوز ننموده کما ینبغی ذیل فروگذاشت ننمایند
و اگر در یکی از شرایط مزبوره فروگذاشت نمایند اولیای دولت علیه مختار در بهم زدن معاملات
مزبوره خواهند بود

اول آنکه حاکم بندر عباس باید تابع اینه دولت باشد و مثل سایر حکام فارس در اطاعت فرمانفرمای فارس باشد و نوشته عهدنامه اولیای دولت علیه ایران را که از تبعه دولت ایرانم

دویم همه ساله مبلغ مذکوره بهزار تومان ارباب تنخواه و پیشکش روانه دارالخلافه طهران از قرار تفصیل فقط بقطع کار سازی نموده از والی گرایان دیوان اعلی

سیم خندق که ما گذارده در بندر عباس حفر نموده نمایند و بعد از این هم ابدا خندق را حفر ننمایند

چهارم مدت سه سال حکومت با جناب امام مسقط و اولاد او باشد و بعد از انقضای مدت سه سال اینجاها را مأمور دارد بدولت واگذار نماید و اگر در باب آن اراده خود بشکند حکومت اینجا را بامام مسقط و اولاد او واگذار ننماید با مضای رقم فرمان و دستورالعمل جدید خواهند داد و الا اختیار خواهند داشت که خود تصرف نموده حاکم دیگر نصب نمایند

پنجم بیرق دولتی با چند نفر معمول بیرق دیگر مذکوره همیشه در اینجا بوده رعایت شرایط احترام بیرق دولتی را همیشه منظور دارند بهر ماه جاپار دولت علیه بجهت روزنامه آوردن و هر کشتی بیرق دولت علیه بیرق با خود بیاورند و در ایام اعیاد و روز مسعود مولود مبارک اقدس شهریاری روحنا فداه تویت شادی و شادکامی در آن بلند آوازه سازند

ششم حکام بندر عباس و رعایای قلعه ساکنین آنجا که در دست حاکم بندر عباس خواهند بود و در این چند سال خدمت نموده اند بهیچوجه در مقام ایذا و اذیت و بهانه جوئی با آنها بر نیایند و کمال رعایت و سرپرستی از آنها بعمل آورند

هفتم حاکم بندر سوای بندر عباس و جاهائیکه در عهده خاقان مغفور فتحعلی شاه بمیرزا در دست داشت زیاده و از آن سوای دیگر دخل و تصرف نکنند

هشتم هر وقت فرمانفرمای فارس یا حکمرانان لارستان بر سبیل تفرج و شکار به جوار آنجا تشریف آورند حاکم بندر عباس مثل سایر حکام از مهمانداری بعمل آورده و استقبال و احترام و خدمت کرده باشد

نهم اگر برای حکام فارس یا کرمان لازم شود که قشون کشی و کرمان و بلوچستان لشکر کشند مثل سایر ولایات در لوازم خدمت و رسانیدن سیورسات و علیق و آذوقه و غیره اهمال نکرده خود داری ننمایند

دهم اگر فرمانفرمای فارس قصوری در خدمتگذاری حاکم بندر عباس مشاهده نماید بعرض اختیار رسانده جناب معظم الیه بدون عذر و اهمال او را معزول نموده حاکم دیگر که صلاح داند و در اطاعت حاکم فارس باشد بجای او بگمارد

یازدهم هرگاه از رعایای لارستان و جهه و سایر ممالک یا از رعایای ممالک کرمان بآنجا بروند و با تحرکات فرار کنند محض اظهار اولیای ولایت آنها را بموطن اصلی خود رد نمایند

دوازدهم این شروط و قرارداد با جناب امام مسقط حی و حاضر و اولاد او امضا داده اگر مسقط بمالک عمان و مسقط شود دولت ابدمدت را با او شروط و قراری نیست

سیزدهم دوام که بندر عباس در عهده امام جنابش و عباب [illegible] امام مسقط است احدی از مأمورین دول خارجه را در اینجا راه ندهند و مهمانی شوند حفظ و حراست اینجاها را که در دست اوست براً و بحراً بانضمام همراهان و هر کسی که استعداد و توقف جهاز و کشتی جنگی و قلعه و دشته باشد و لشکرگاه برای ایشان مصادف باشد که ارخاک اولیای دولت علیه مفوض با وست عهد اینجا متعهد شود که جمیع حدود و دستور انکه مذکوره را از مداخله دست بردن غیر با جمیع اعم از راه دوستی یا دشمنی باشد محفوظ بدارد و قیاما من الاوقات بهیچوجه من الوجوه نگذارد یک کشتی و قلعه و جهاز دیگر محارب و دشمن با اسلحه یا بی اسلحه از عرب و غیر عرب یا از دول خارجه

از حدود و املاکیه مزبوره بخیال عداوت و دشمنی یا بهانه دیگر یا بخیال اینکه دولت یا کسانیکه در دست حاکم بندر عباس است بگذارد

۱۴ [illegible] دیگه تجار تبعه دولت ایران بعرض رسانیده بیشتر شخص متعهد و مستأجر گمرک مسقط فالی از خود مستقیم بندر عباس میفرستد و همراه مال التجاره تجار تبعه دولت علیه ایران که در بندر عباس حمل بهندوستان و جای دیگر میشده است عشور مسقط را در بندر عباس دریافت میکرده اند و حال آنکه در هیچ دولتی و ولایتی چنین رسمی نیست که خواهی که وارد ولایتی شود و مع ذالک عشور الولایت را از آن همراه اخذ و دریافت کنند چون این امر بدعت و خلاف قاعده است لهذا جناب امام مسقط این فقره را موقوف دارد تا رفع این بدعت بعد الیوم بالمره شده باشد و اجناس مال التجاره که از طرف بر دیگر وارد بندر عباس بشود بعد الیوم بنحوی که شرع شریف در حال حیات خود عشور میگرفته بگیرند زیاده از سابق مطالبه عشور ننمایند

۱۵ جناب امام مسقط حق ندارد که بندر عباس و ولایات مزبوره را مطلقا اگر چه شرائط مسطوره باشد بدیگری اعم از دول خارجه و غیره واگذار نماید بگر باید بموجب قرارداد بدست خود او باشد و بکسی از کسان و منسوبان او در بندر عباس و آن ولایت از جانب او دخل و تصرف کنند و جمیع شرائط مزبوره عمل نماید

۱۶ آنکه اموال مخروبه تجار ایران که در قشم است تمام و کمال تسلیم و کلای ایشان نمایند و قبض بگیرند تحریرا ۲ شهر شعبان المبارک ۱۲۷۲

صورت عهدنامه ایران و روس بعون الله الملک القدوس

بسم الله الرحمن الرحیم اعلیحضرت قضا قدرت پادشاه اعظم والاجاه امپراطور اکرم شوکت دستگاه مالک بالاستقلال کل ممالک روسیه و اعلیحضرت کیوان رفعت خورشید رایت خسرو نامدار پادشاه اعظم با اقتدار ممالک ایران چون هر دو علی السویه اراده و تمنای صادقانه دارند که تمام جنگی که بالکلیه منافی رای والای ایشان است نهایتی بگذارند و نسبتهای قدیم حسن مجاورت و مودت مابین این دو دولت بواسطه صلحی که متضمن دوام باشد و بواعث خلاف و نفاق آتیه را دور کند در بنای مستحکم استقرار دهند لهذا برای تقدیم این کار خجسته آثار اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه جناب ایوان پسکویچ جنرال ایوتانت و جنرال انفانتری سردار عساکر جداگانه قفقاز و ناظم امورات ملکیه گرجستان و ولایتهای قفقاز و حاجی ترخان مدیر سفاین جنگ در بحر خزر و صاحب حمایلات الکسندر نوی مقدس مرصع بالماس و آنای مقدس مرتبه اول مرصع بالماس و ولادمیر مقدس مرتبه اول و گیورگی مقدس مرتبه دوم و صاحب دو شمشیر طلا مرسوم برای شجاعت و دیگری مرصع بالماس و صاحب حمایلات دول خارجه مرتبه اول این عقاب سرخ پروسیه و هلال دولت عثمانیه و نشانهای دیگر و جناب الکسندر اوبرسکوف و استوتینی اسطاطکی سرهنگ قاهر کورت بار امپراطوری و صاحب حمایلات مقدسه مرتبه ثالث ولادمیر و مرتبه ثانی ستانیسلاوی له و البونای روملیمی را اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران نواب مستطاب والا شاهزاده نامدار جمیل العنوان نایب السلطنه عباس میرزا را وکلای مختار خود تعیین کردند و ایشان بعد از آنکه در

آذربایجان مجتمع شده‌اند و اختیارنامه‌های خود را مبادله کرده موافق قاعده و شایسته دیدند
فصول آتیه را التزام و قرارداد کرده‌اند فصل اول بعد الیوم مابین اعلیحضرت امپراطور
کل ممالک روسیه و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران و ولیعهدان و اخلاف و ممالک
و رعایای ایشان مصالحه و مودت و وفاق کامل الی الابد واقع خواهد بود فصل دوم
چون نزاع و جدالی که فیمابین عهدکنندگان رفیع الارکان واقع شده و الحال بسعادت
منقطع گردیده عهود و شروطی را که موجب عهدنامه گلستان بر ذمت ایشان لازم بود
موقوف و متروک میداشت لهذا اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه و اعلیحضرت
پادشاه ممالک ایران چنین لایق دیدند که بجای عهدنامه مزبوره گلستان عهدنامه دیگر
این شروط و عهود و قرار دهند که مابین دو دولت روس و ایران بیشتر از پیشتر موجب
استقرار و انتظام روابط آتیه صلح و مودت گردد فصل سیم اعلیحضرت پادشاه ممالک
ایران از جانب خود و از جانب ولیعهدان و جانشینان بدولت روسیه واگذار میکند
تمامی الکای نخجوان و ایروان را خواه اینطرف رود ارس باشد یا آنطرف و بطریق
تفویض اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران متعهد میکند که بعد از امضای این عهدنامه
در مدت شش ماه همه دفتر و دستور العمل را که متعلق باداره این دو ولایت مذکوره باشد
بتصرف امرای روسیه بدهند فصل چهارم دولتین علیتین معاهدتین عهد و پیمان

میکنند که برای سرحد فیمابین دو مملکت بدین موجب خط سرحد وضع نمایند از نقطه سرحد
ممالک عثمانی که از خط مستقیم بقله کوه آغری کوچک اقرب است ابتدا کرده آن خط تا بقله
آن کوه کشیده میشود و از آنجا تا بسرچشمه رود خانه مشهور بقراسوی پائین که از سراشیب جنوبی
آغری کوچک جاریست فرود آمده بمتابعت مجری این رود خانه تا بالتقای آن برود خانه
ارس در مقابل شرور ممتد میشود چون این خط باینجا رسید بمتابعت مجری ارس تا بقلعه عباس
آباد میاید و در دور استحکامات و ابنیه خارجه آن که در کنار راست ارس واقع است بنصف
قطری بقدر نیم فرسخ که عبارت از سه ورس و نیم روسی است رسم میشود و این نصف قطر در همه
اطراف امتداد مییابد همه اراضی و عرصه که در این نصف قطر محاط و محدود میشود بالانفراد
تعلق بروسیه خواهد داشت و از تاریخ امروز در مدت دو ماه با صحت و درستی کامل معین
و مشخص خواهد شد و بعد از آن از جائیکه طرف شرقی این نصف قطر متصل بارس میشود خط سرحد
شروع و متابعت مجری ارس میکند تا بمعبر یدی بلوک و از آنجا خاک ایران بطول مجری
ارس امتداد مییابد تا بفاصله و مسافت سه فرسخ که عبارت از بیست و یک ورس روسی
بعد از وصول باین نقطه خط سرحد باستقامت از صحرای مغان میگذرد تا بمجری رود خانه
بالهارود بجائی که در سه فرسخی واقع است که عبارت است از بیست و یک ورس پائین تر
از ملتقای دو رود خانه کوچک موسوم بآدینه بازار و ساری قمش و از آنجا این خط بکنار چپ

بالهارود تا بملتقای رود خانه‌های مذکور آدینه بازار و ساری قمش صعود کرده بطول کنار راست
رود خانه آدینه بازار شرقی تا بمنبع رود خانه و از آنجا تا باوج بلندیهای جگیر امتداد مییابد
بنوعیکه جمله آبهائیکه جاری بحر خزر میشود متعلق بروسیه خواهد بود و همه آبهائیکه سراشیب مجری
آنها بجانب ایران تعلق بایران خواهد داشت چون سرحد دو مملکت اینجا بواسطه قلل جبال تعیین یافته
لهذا قرار داده شد که پشته‌هائیکه از این کوهها بسمت بحر خزر است بروسیه و طرف دیگر آنها
بایران متعلق باشد از قله بلندیهای جگیر خط سرحد تا بقله کمرقوئی بمتابعت کوههائی میرود که
طالش را از محال ارشق منفصل میکند چون قلل جبال از جانبین مجری میاه را فرق میدهد
لهذا در اینجا نیز خط سرحد را همان قسم تعیین میکنند که در فوق در باب مسافت واقعه
مابین منبع آدینه بازار و قلل جگیر گذشت بعد از آن خط سرحد از قله کمرقوئی متابعت قلل جبالی
که محال زوند را از محال ارشق فرق میدهد متابعت میکند تا بسرحد محال ولکیج همواره بر طبق
همان ضابطه که در باب مجری میاه معین شد محال زوند بغیر از آن حصه که در سمت مخالف
قلل جبال مذکوره واقع است از اینقرار حصه روسیه خواهد بود و از حدود سرحد محال ولکیج
خط سرحد مابین دو دولت بقلل جبال کلوبوتی و سلسله کوههای عظیم که از ولکیج میگذرد
متابعت میکند تا بمنبع شمالی رود خانه موسوم باستارا پیوسته بملاحظه همان ضابطه در باب
مجری میاه و از آنجا خط سرحد متابعت مجری این رود خانه خواهد کرد تا بملتقای دهنه

بحر خزر و خط سرحد را که بعد از این متصرفات روسیه و ایران را از هم فرق خواهد داد
تکمیل خواهد نمود فصل پنجم اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران اثبات دوستی
خالصانه که نسبت باعلیحضرت امپراطور کل روسیه دارد باین فصل از خود و از عوض اخلاف
و ولیعهدان سریر سلطنت ایران تمامی ولایات و اراضی و جزایر را که در میانه خط حدود معینه
از فصل مذکوره فوق و قلل برف دار کوه قفقاز و دریای خزر است و کذا جمیع قبایل را
چه چادرنشین و چه خانه‌دار که از آن ولایات مذکوره هستند و اهالی بلاد الی الابد مخصوص
و متعلق بدولت روسیه میدانند فصل ششم اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران بتلافی مصارف
کثیره که دولت روسیه را برای جنگ واقعه مابین الدولتین اتفاق افتاده و همچنین
بتلافی ضررها و خسارتهائیکه بهمان جهت برعایای دولت روسیه رسیده متعهد میکند که بواسطه
دادن مبلغی وجه نقد آنها را اصلاح نماید و مبلغ این وجه مابین الدولتین بده کرور تومان
رایج قرار گرفت که عبارت است از بیست ملیون منات سفید روسی و چگونگی و مواعد
و رهاین و وصول این وجه در قرارداد علیحده که همان قدر قوه و اعتبار خواهد داشت که گویا
لفظ بلفظ در این عهدنامه مصالحه بکماله مندرج است معین خواهد شد فصل هفتم چون اعلیحضرت
پادشاه ممالک ایران شایسته و لایق دانسته همایون فرزند خود شاهزاده عباس
میرزا ولیعهد و وارث تخت فیروزی بخت خود تعیین نموده است اعلیحضرت

امپراطور کل ممالک روسیه برای اینکه از میلهای دوستانه و تمنای معاودت خود که
در مزید استحکام این ولیعهدی دارد با علیحضرت پادشاه ممالک ایران بر ذمه واضح
و شاهدی لایح باهر تعهد میکند که از این روز به بعد شخص وجود نواب مستطاب والا
شاهزاده عباس میرزا را ولیعهد و وارث برگزیده تاج و تخت ایران شناخته از
تاریخ جلوس به تخت شاهی پادشاه بالاستحقاق این مملکت داند فصل پنجم سفاین تجاری
روس مانند سابق استحقاق خواهند داشت که بازادی بر دریای خزر و بطول سواحل
ان سیر کرده بکنارهای آن فرود آیند و در حال شکست کشتی در ایران اعانت و
امداد خواهند یافت و همچنین کشتیهای تجارت ایران را استحقاق خواهد بود که بقرار
سابق در بحر خزر سیر کرده بسواحل روس آمد و شد نمایند و در ان سواحل در حال شکست
کشتی بهمان نسبت استعانت و امداد خواهند یافت در باب سفاین حربیه که علمهای
عسکریه روسیه دارند چون از قدیم الایام بالانفراد استحقاق داشته‌اند که در بحر خزر سیر نمایند
لهذا همین حق مخصوص کما فی السابق امروز باطمینان بایشان داده میشود بنحویکه
غیر از دولت روسیه هیچ دولت دیگر نمیتواند در بحر خزر کشتی جنگی داشته باشد فصل ششم
چون مکنون خاطر اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه و اعلیحضرت پادشاه
ممالک ایران اینست که من کل الوجوه عهود دیرا که باین سعادت و میمنت بامین

بالمره

ایشان مقرر گشته مستحکم نمایند لهذا قرار داده شد و مقرر شد که سفرا و وکلا و کارگذارانی که از
جانبین بدولتین علیتین تعیین میشوند خواه برای انجام خدمتهای اتفاقی یا برای اقامت
دائمی بفراخور مرتبه و موافق شان دولتین علیتین و بملاحظه مودتی که باعث اتحاد
ایشان گشته بعادت ولایت مورد اعزاز و احترام شوند و در اینباب دستور العملی
مخصوص دستور العمل اتفاقی قرار خواهد گردید که از طرفین مرعی و ملحوظ گردد فصل نهم چون اعلیحضرت
امپراطور کل ممالک روسیه و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران استقرار و قرار روابط
تجارت را مابین دو دولت مانند یکی از نخستین فواید ملاحظه کردند که میبایست از گذارد
مصالحه حاصل شود لهذا قرار داده شد که تمامی اوضاع و احوال متعلقه بتجارت
و امنیت تبعه دو دولت را بنوعی که مستلزم مرابطه کامله باشد معین و منتظم دارد
معاهده جداگانه که با معهودنامه ملحق و مابین وکلای مختار جانبین مقرر و مانند جزو متمم
او مرعی و ملحوظ بشود و منظوم و محفوظ دارند اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران برای
دولت روس کما فی السابق این اختیار را مرعی میدارد که در هر جا که مصلحت دولت
اقتضا کند کونسلها و عاملان تجارت تعیین نمایند و تعهد میکند که این کونسلها و عاملان
تجارت را که هریک زیاده از ده نفر اتباع نخواهد داشت فراخور رتبه ایشان مشمول
حمایت و احترامات و امتیازات سازد و اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه

از جانب خود وعده میکند که درباره کونسلها و عاملان تجارت اعلیحضرت پادشاه
ممالک ایران بهمین وجه مساوات کامله مرعی دارد و در حالتیکه از جانب دولت ایران
نسبت بیکی از کونسلها و عاملان تجارت روسیه شکایتی حقیقیه باشد وکیل یا کارگذار دولت
روس که در دربار اعلیحضرت پادشاه ایران متوقف خواهد بود و این عاملان و کونسلها
بلا واسطه در تحت حکم او خواهد بود او را از شغل خود معزول داشته بهر که لایق داند
اداره امور مزبور را بر سبیل عاریه رجوع خواهد کرد فصل یازدهم همه امور و ادعاهای
تبعه طرفین که بسبب جنگ متاخر افتاده بعد از انعقاد مصالحه موافق عدالت باتمام
خواهد رسید و مطالباتی که رعایای جانبین از یکدیگر یا از خزانه داشته باشند به تعجیل
و تکمیل وصول پذیر خواهد شد فصل دوازدهم دولتین علیتین معاهدتین بالاشتراک
در منفعت تبعه جانبین قرار داد میکنند که برای انهائیکه با این خود بسابق واحد در
دو جانب رود ارس املاک دارند موعدی سه ساله مقرر نمایند تا بازادی در بیع یا
معاوضه انها قدرت داشته باشند لیکن اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه از
منفعت این قرار داد در بهران مقداری که با و متعلق وا گذار میشود سردار سابق ایروان
حسینخان و برادر او حسنخان و حاکم سابق نخجوان کریمخان را مستثنی میدارد فصل سیزدهم
همه اسرای جنگی دولتین خواه در مدت جنگ اخر باشد یا قبل از آن و همچنین تبعه

اهالی

طرفین که باسیری افتاده باشند از هر مدت که باشد الی لغایت چهار ماه بازادی مسترد
و بعد از انکه خرجی و سایر تدارکات لازمه بایشان داده شد بعباس آباد فرستاده
میشود تا اینکه بدست مباشرین جانبین که در اینجا مامور بگرفتن و تدارکات فرستادن
ایشان بولایت خود خواهند بود تسلیم شوند دولتین علیتین معاهدتین درباب همه
اسرای جنگ و تبعه روس و ایران که باسیری افتاده و بعلت دوری مکانهایی که در آن
بوده اند یا بعلت اوضاع و اسباب دیگر در مدت معینه مسترد نشده باشند همان
قرار [illegible] و حق و وقت کامل اختیار [illegible] خواهند
داشت که انها را مطالبه کنند و تعهد میکنند که هر وقت اسیر خود بدولت عرض نماید
یا ایشان را مطالبه کنند از جانبین مسترد سازند فصل چهاردهم دولتین علیتین معاهدتین
جلای وطن کنندگان و فراریان را که قبل از جنگ یا در مدت ان بحت اختیار جانبین
گذشته باشند مطالبه میکنند ولیکن برای منع نتایج مضره جانبین که از مخالفات
و علایق خفیه بعضی ازین فراریان با هم ولایتیان یا اتباع قدیم ایشان حاصل میتواند
شد دولت ایران تعهد میکند که حضور و توقف اشخاصیرا که الحال یا بعد از این
باسم بآن مشخص خواهد شد از متصرفات خود که مابین ارس و خط رود خانه [illegible]
[illegible] و رود خانه مشهوره [illegible] و قزل اوزن تا التقای آن

بدریای خزر واقع است رخصت بدهد اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه از جانب
خود همچنین وعده میکند که فراریان ایرانرا در ولایت قراباغ و نخجوان و کذالک در
آن حصه ولایت ایروان که درکنار راست رود ارس واقع است اذن توطن و سکنی
هم ندهد معلوم است که این شرط جاری و معمول نبوده و نخواهد بود مگر درباب اشخاصیکه
مناصب ملکیه یا مرتبه و شان دیگر باشند از خوانین و بیکها و ملاهای بزرگ که صورت
رفتار و اطوار و مخابرت و ملاقات خفیه ایشان درباره همولایتیان و اتباع و زیر
دستان قدیم خود بموجب یکنوع رسوخ و تاثیر باعث و اخلال تواند شد در خصوص رعایای
عامه مملکتین مابین دولتین قرار داده شد که رعایای جانبین که از مملکت بمملکت دیگر
گذشته باشند یا بعد ازین بگذرند مأذون و مرخص خواهند بود که در هر جائیکه آندولت
که این رعایا تحت حکومت و اختیار او گذشته باشند مناسب داند سکنی و اقامت
کنند **فصل پانزدهم** اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران باین حسن اراده و آرام دهی
ممالک خود بازآرد و موجبات شکاره را که اکنون بسبب این جنگ و خصومت برانگیخته
گشته دور نموده [illegible]
ایشان دور کنند همه رعایا و ارباب مناصب آذربایجان عفو کامل و شامل
مرحمت میفرمایند و هیچیک از ایشان بدون استثنای مرتبت و طبقات

غرضها و عملها و رفتارهای ایشان که در مدت جنگ یا در اوقات تصرف چند
وقت قشون روسیه از ایشان ناشی شده نباید معاقب شود و آزار نبیند و نیز از
امروز یکساله مهلت بایشان مرحمت بشود که بآزادی با عیال خود از ممالک ایران بممالکت
روس انتقال نمایند و اموال و اشیاء خود را نقل یا بیع کنند بدون آنکه دولت
یا حکام ولایت اندک ممانعت کنند یا از اموال و اشیاء منقوله یا مبیعه حقی و مزدی
اخذ نمایند و درباب املاک ایشان پنجساله موعد مقرر میشود که در آن مدت بیع یا بر حسب
خواهش خود [illegible] این عفو و بخشش مستثنی میشوند کسانیکه
در انمدت یکسال بسبب بعضی تقصیرها و گناهها که مستلزم سیاست دیوانخانه باشد
مستوجب عقوبت میگردند **فصل شانزدهم** بعد از امضای این عهدنامه مصالحه فی الفور
وکلای مختار جانبین اهتمام خواهند داشت که بهمه جا دستورالعمل و حکمهای لازمه
[illegible] خصومت را ترک نمایند این عهدنامه مصالحه که در دو نسخه
یک مضمون ترتیب یافته است و بدستخط وکلای مختار جانبین رسیده بمهر ایشان
ممهور و مابین ایشان مبادله شده است از جانب اعلیحضرت امپراطور کل ممالک
روسیه و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران مصدق و ممضی و تصدیق نامهای
سند اوله که بدستخط مخصوص ایشان مزین خواهد بود در مدت چهار ماه یا زودتر اگر

ممکن باشد مابین وکلای مختار ایشان مبادله خواهد شد تحریرا در قریه ترکمان چای
بتاریخ دهم شهر فیورال سنه ۱۸۲۸ مسیحیه که عبارتست از پنجم شهر شعبان سنه ۱۲۴۳
هجری [illegible]

در باب گرورات و تخلیه سرحدات

بسم الله الرحمن الرحیم

فصل اول نظر بحصول فصل چهارم عهدنامه عمده امروزه اعلیحضرت پادشاه
ممالک ایران متعهد میگردد که از تاریخ اختتام عهدنامه مزبوره در مدت دو ماه همه
حصه طالش را که باستحقاق متعلق بدولت روسیه است و سرحدات نعمت و در
بموجب فصل چهارم عهدنامه عمده معین شده است و بعلت افعال خصمانه صادره قبل از
جنگ که این عهدنامه مسعادت بانتها میرساند متصرف عسکر ایران در آمده است از قشون
خود تخلیه کرده [illegible] که همین جهة بآن مکانها فرستاده خواهد شد تسلیم کند
ناظران تفویض ولایت مذکوره و وکلای روسیه دولت ایران بدقت متوجه خواهد شد
که بهیچگونه ظلمی و تعدی باهالی آن ولایت و اموال ایشان معمول نشود و نظام دولت
از هیچگونه خلاف ضابطه و نظام که در عمارت آنجا اتفاق بیفتد از طرف دولت
مواخذ خواهد بود **فصل دوم** نظر بحصول فصل ششم عهدنامه عمده امروزه که بموجب آن

اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران بصراحه متعهد شده است که باعلیحضرت امپراطور کل ممالک
روسیه بعوض خسارت ده کرور تومان رایج که عبارتست از بیست ملیون منات سفیدی
روسی بدهد مابین دولتین علیتین متعاهدتین مقرر گشته است که سه کرور تومان از آن
در مدت هشت روز [illegible]
بوکلای مختار روسیه یا بکارگزاران ایشان داده شود و دو کرور تومان دیگر بعد از پانزده
روز دیگر تر وصول یابد و سه کرور هم در غره شهر اپریل سنه ۱۸۲۸ مسیحی که عبارتست
از بیست و ششم شهر رمضان سنه ۱۲۴۳ هجری ایصال گردد و دو کرور باقی هم که تتمه
ده کرور تومان است که دولت ایران بدولت روسیه متعهد ایصال گشته در غره
شهر ینوار سنه ۱۸۲ مسیحیه که عبارتست از بیست و دویم جمادی سنه ۱۲۴۴ **فصل سیم**
بنیت آنکه اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه جهة ایصال صحیح و کامل وجه
خسارت مذکوره رهنی بدهند مابین دولتین علیتین متعاهدتین قرار داده شده است
که تا ایصال کل هشت کرور تومان تمامی ولایات آذربایجان در تصرف و سلطه
عساکر روسیه بماند اداره و انتظام آن بالاستقلال برای منافع روسیه باشد
مثل حکومت مستقاری که امسال در تبریز وضع شده است در اجرای نظم
رفتار شود که رعایت و حفظ ضابطه و آسایش درونی متعلق و با مصالح

وسایل مخصوصه جهة تدارک ضروریات عساکری که باید علی سبیل الغاریه در ولایت
مذکور مقیم باشد مربوط است امتداد یابد اگر خدا نکرده مبلغ مزبور فوق که هشت
کرور تومان است تا روز پانزدهم ماه آغوست سنه ۱۸۲۸ که عبارت از پانزدهم شهر
صفر المظفر سنه ۱۲۴۴ هجری تمامه تسلیم نشود معلوم بوده و خواهد بود که تمام ولایت
آذربایجان از ایران انفصال دائمی خواهد یافت اعلیحضرت امپراطور کل ممالک
روسیه مطلق استحقاق خواهد داشت که امور [illegible]
بمواسطه و بالانفراد خود جانشینهای خود سر که انتقال آنها بارث باشد در آن
نمایان کنند و درباب مبلغهائی که بر وفق استقرار داد در آنوقت بدولت روس
وصول یافته باشد ایضا معلوم است که بهیچ مطالبه و استرداد برای نفع او نمیماند
اما در هیصورت دولت ایران نزد دولت روس بالمره از تعهدات نقدیه بری
الذمه خواهد بود لیکن مقرر است که هنگام اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران دو کرور
از این نه کروری که بعد از هشت کرور تومان وجه خسارت مشروطه عنایت داده شود
تسلیم کرده شود بهمه آذربایجان انتهای مرتبه در مدت یکماه از عساکر روسیه تخلیه
خواهد شد و باختیار ایرانیان واگذار خواهد گردید الا قلعه و ولایت خوی که
رهن ایصال کرور سیم از کرورات مذکوره که باید بالتمام در پانزدهم ماه آغوست

سنه ۱۸۲۹ مسیحیه برسد در اختیار عساکر روسیه خواهد ماند جنرالی که لشکر روسیه در اختیار
او خواهد بود درباب تخلیه ورد بهمه یا جزو آذربایجان موافق آنکه اعلیحضرت پادشاه
ممالک ایران بدولت امپراطوریه روسیه در موعد معهود همه هشت کرور یا همان
هفت کرور تومان را داده باشد پیش از وقت دستور العمل لازمه در دست
خواهد داشت و حکومت مستقر تبریز در آنوقت اختیار را که دارد از خود سلب کرده
و کلا و دیوان که برای این کار از طرف اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران مامور خواهند
بود فورا متصرف آن خواهند پرداخت لیکن بدون آنکه ضابطه و آسایش خلق مشوش
تواند شد و در شرایط و تعهداتی که در عهدنامه مصالحه عمده اکمال و در این فصول
زایده مقرر گشته است تغییری حاصل تواند کرد فصل چهارم عساکر روسیه که تا فصل
سابق چند وقته آذربایجان را در تصرف خواهند داشت چون اختیار تام و تمام
که موافق صوابدید فرمانفرمای عساکر روسیه در هر جای این مملکت اقامت نمایند
لهذا قرار داده شد که عساکر ایران که هنوز در بعضی اماکن آذربایجان منتشرند
بلا فاصله بیرون روند و خود را بولایات داخله ایران بکشند فصل پنجم برای رفع
امور یکه موجب اختلال ضابطه و نظام عسکریه شود و حفظ آن مابین عساکر
جانبین در تصرف چند وقته ولایات که در فصل سابق قرارداد شده لازمست

لازم است مقرر شد که در مدت اقامت همه فراری لشکر روس که بجانب ایران
گریزد باید که بواسطه روسای ایران گرفته شده و فی الفور نزد نزدیکترین روسای
عساکر روس تسلیم شود و همچنین همه فراری لشکر ایران که بجانب روسیه گذر
فاصله کرده شده بنزد نزدیکترین حاکم ایران تسلیم بشود فصل ششم همان ساعت
بعد از مبادله تصدیق نامها از جانبین مباشرها برای تشخیص خط سرحدی که بواسطه فصل
چهارم عهدنامه عمده امروزه مشروط شده نامزد خواهند شد و کذالک برای ترتیب
نقشه صحیح از آنکه یک نسخه بمهر مباشرین رسیده به تصحیح فرمانفرمای گرجستان و نسخه دیگر
در کمال مشابهت به تصحیح نواب مستطاب نایب السلطنه عباس میرزا عرض خواهد شد
و بعد از آن نقشه مبادله شده مستوثق و در مستقبل دست آویز و سند خواهد بود
این فصول جداگانه که برای تکمیل عهدنامه عمده امروزه تشخیص یافته و مشتمل بر دو نسخه است
همان قدر قوه و اعتبار خواهد داشت که گویا لفظ بلفظ در انجا مندرج است در هر حال با
وکلاء تحت اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه و اعلیحضرت پادشاه ممالک
ایران انهار و دستخط گذاشته مهر کردیم و مکرر این در قریه ترکمان چای بتاریخ دهم شهر فبروال
سنه ۱۸۲۸ مسیحیه که عبارت از پنجم شهر شعبان سنه ۱۲۴۳ هجری است بخط و تصدیق نواب
نایب السلطنه رسید با مضای وزیر دول خارجه عالیجاه میرزا ابوالحسن خان رسید
[illegible]

عهدنامه روس درباب تجارت فصل تجارت

بسم الله الرحمن الرحیم

فصل اول چون دولتین علیتین متعاهدتین نیت دارند که اتباع خود را از جمله منافع
و فوایدی که از آزادی و رخصت تجارت حاصل میشود بهره مند دارند لهذا باین
تفصیل قرارداد کردند که رعایا و اتباع روس که بتذکره متعارفه در دست داشته باشند
در همه ممالک ایران میتوانند تجارت کرد و کذالک بمملکتهای همجوار دولت مذکوره
میتوانند رفت و بهمان نسبت اهالی ایران امتعه خود را از دریای خزر یا از راه
خشکی سرحد دولتین روس و ایران بمملکت روس میتوانند برد و معاوضه و بیع نمود و خرید
کرد و متاع دیگر بیرون برد و از هر گونه حقوق و امتیازاتیکه در ممالک اعلیحضرت
امپراطوری باتباع دولتهای کامله الوداد داده میشود بهره مند خواهند شد
در حالتیکه یکی از اتباع دولت روس در مملکت ایران وفات یابد اموال
منقوله و غیر منقوله او چون متعلق برعیت دولت دوست است بدون قصور با قوام
یا شرکای او تسلیم خواهد شد که باختیار تام هر گونه شایسته دانند معامله نمایند
و در صورتیکه اقوام و شرکای او موجود نباشند اختیار ضبط و کفالت این
اموال بوکیل یا کارگذاران یا کونسلهای روسیه واگذار میشود بدون اینکه هیچ

ممانعت از جانب حکام ولایت ظاهر شود فصل دوم همچو بروات و ضمانتها و دیگر عهدها که برای امور تجارت خود مابین اهالی جانبین مکتوبا بسپارند در کونسولگری روسیه و حاکم ولایت و در جائی که کونسول نباشد تنها نزد حاکم ولایت ثبت میشود تا اینکه هنگام منازعه مابین الطرفین برای قطع دعوا بر طبق عدالت تحقیقات لازمه توانسته کرد اگر یکی از طرفین خواهد که بدون اینکه بنحو مذکور فوق تمسکات محرره و مصدقه که لایق قبول هر محکمه عدالت است در دست داشته باشد از دیگری ادعائی نماید و جز اقامه شهود دلیلی دیگر نباشد در این قبیل ادعاها مادامیکه مدعی علیه خود تصدیق بحقیت آن نماید مقبول نخواهد شد و همه معاهدات منعقده که بصورت مذکوره مابین اهالی جانبین واقع شده باشد با دقت تمام مرعی و ملحوظ شده هرگونه ممانعت که در انجام آن بظهور برسد و باعث ضرر یکی از طرفین گردد بصورت تلافی خسارت شایسته از طرف دیگر خواهد شد و در صورتیکه یکی از تجار روس در ایران مفلس و ورشکست شود حق ارباب طلب از امتعه و اموال او داده میشود اما اگر از وکیل و کارگذار یا کونسول استعلام نمایند که مفلس مذکور مال ممکن التصرف که طلب را بر تقاضی همان ارباب طلب بپاید در ولایت روسیه گذاشته است یا نه برای تحقیق کردن این مطلب مساعی جمیله خود مضایقه

نکنند

نخواهند کرد این قرارداد که در این فصل معین گشته همچنین درباره اهالی ایران که در ولایت روس موافق قوانین ملکیه تجارت میکنند مرعی خواهد شد فصل سیم برای اینکه تجارت تبعه جانبین منافعی را که علت غائی شروط سابقة الذکر گذشته اند محقق و مستحکم نمایند قرار داده شد که از هر گونه متاعی که بتوسط تبعه روس بایران آورده یا از این مملکت بیرون برده شود و کذالک از امتعه محصوله ایران که بتوسط تبعه آن دولت از دریای خزر یا از راه خشکی سرحد دولتین روس و ایران بولایت روس برده شود و همچنین از امتعه روس که رعایای ایران با همان راه بجای دیگر ببرند همانطور سابق در وقت داخل شدن و بیرون رفتن پنج از صد گمرک گرفته میشود و بعد از آن هیچگونه گمرک دیگر از ایشان مطالبه نخواهد شد و اگر دولت روس لازم داند که قانون تازه و طریقه های جدید در گمرک قرار بدهد مستعمل میشود که درین حالت نیز گمرک مزبور را که پنج از صد است اضافه ننمایند فصل چهارم اگر دولت روس یا ایران با دولت دیگر در جنگ باشد تبعه جانبین ممنوع نخواهد شد از اینکه با امتعه خود از خاک دولتین علیتین متعاهدتین عبور کرده بممالک دولت مزبوره بروند فصل پنجم چون موافق عادتی که در ایران موجود است برای اهالی مملکت مشکل است که خانه و انبار و دکان مخصوص برای وضع امتعه خود باجاره پیدا کنند

لهذا به تبعه روس در ایران اذن داده میشود که خانه برای سکنی و انبار و دکان برای وضع امتعه تجارت هم اجاره نمایند و هم بملکیت تحصیل کنند و مستخدمان دولت ایران باین خانها و انبارها و دکانها عنفاً داخل نمیتوانند شد لیکن در وقت ضرورت از وکیل یا کارگذار یا کونسول روسیه اذن خاص میخواهند نمود که ایشان صاحب منصب یا ترجمانی تعیین کنند که در وقت ملاحظه خانه یا امتعه حضور داشته باشد فصل ششم چون وکیل و کارگذار دولت امپراطوری و صاحب منصبان ماموری بایشان و کونسلها و ترجمانها در ایران امتعه که بکار ملبوس ایشان بیاید و اکثر اشیاء ضروریه معیشت برای ابتیاع پیدا نمیکنند لهذا میتوانند بدون باج و خراج هرگونه امتعه و اشیاء که خاصه بمصارف ایشان تعیین شده باشد بیاورند و کذالک این امتیازات تماما درباره وکیل و کارگذار و کونسول دولت ایران که مقیم دربار دولت روس باشند مرعی و ملحوظ خواهد شد و کسیکه از اهل ایران برای خدمت ایلچی یا وکیل و کونسلها و حامیان تجارت روس لازم است مادامیکه در نزد ایشان باشند مانند تبعه روس از حمایت ایشان بهره مند خواهند بود ولیکن اگر شخصی از آنها مرتکب بجرمی شود که موافق قوانین ملکیه مستحق تنبیه باشد در آنصورت وزیر دولت ایران یا حاکم در جائی که آنها

بالشخصه

ساکن باشند بزرگ ولایت مجرم را مع امتعه از ایلچی یا وکیل یا کونسول در هر وقت که لازم باشد مطالبه میکنند تا بعدالت اجرا شود و اگر این مطالبه مبنی باشد بر دلائلی که جرم و تقصیر متهم را ثابت کند ایلچی یا کونسول یا وکیل در دادن او مضایقه نخواهند کرد فصل هفتم همه ادعاها و امور متنازع فیها که فیمابین تبعه روسیه باشد بالانحصار بحکم و قطع و فصل وکیل یا کونسلهای اعلیحضرت امپراطور بر طبق قوانین و عادات دولت روسیه مرجوع میشود و همچنین است منازعات و ادعاهائی که مابین تبعه دولت روسیه و تبعه دولت دیگر اتفاق بیفتد در حالیکه طرفین بآن راضی شوند و منازعات و ادعاهائیکه مابین تبعه روس و ایران واقع شود بدیوان حاکم شرع و یا حاکم عرف ولایت معروض و محول میگردد و ملحوظ و طی نمیشود مگر در حضور ترجمان یا وکیل یا کونسلها چون اینگونه ادعاها که بطور مذکور موافق قانون طی شده باشد دوباره استعلام نمیتواند شد هرگاه اوضاع نوعی باشد که اقتضای تحقیق و ملاحظه ثانی کند بدون اینکه وکیل یا کارگذار یا کونسول روسیه را سابقا از آن اخبار شود ملاحظه نمیتواند شد و درین حالت آن امر استعلام و محکوم علیه نمیتواند کرد و بعد مگر در دفترخانه اعظم پادشاهی که در تبریز یا طهران باشد کذالک در حضور یکنفر ترجمان یا وکیل یا کونسول روسیه فصل هشتم کار قتل و امثال آن گناههای بزرگ که در میان خود رعایای

روسیه واقع شود تحقیق قطع و فصل آن متعلق در اختیار ایلچی یا وکیل یا کونسول
روسیه خواهد بود بر وفق قوانین شرعیه که بایشان در باب اهل ملت خود داده است
اگر یکی از تبعه روسیه بدعوی جرمی مستلزم سیاست با دیگران متهم باشد هیچ وجه او را
تعاقب و اذیت نباید کرد مگر در صورتیکه شراکت او بجرم ثابت و مدلل شود و در
اینصورت نیز مانند حالتی که یکی از تبعه روسیه منفرداً بجرمی متهم میشد حکام ولایت
نمیتوانند که به تشخیص حکم جرم بپردازند مگر در حضور گماشته از طرف وکیل یا کونسولهای
روسیه اگر در اماکن صدور جرم از وکیل و کونسلها کسی نباشد حکام ولایت مجرم را
بجائی که کونسول یا صاحب منصبی از دایره وکالت روسیه در آنجا باشد روانه
میکنند و نوشتها و نامه که در باب برائت و شغل ذمه متهم بواسطه حاکم و مفتی آن
مکان از روی صداقت مرتب و بمهر ایشان رسیده باشد و باین کیفیت معلوم
که حکم جرم خواهد شد فرستاده شود و اینگونه نوشتها و نامهها سند معتبر و مقبول او
خواهد بود مگر اینکه متهم عدم صحت انرا علانیه ثابت نماید و در صورتیکه متهم چنانچه
باید ملزم گشته فتوی صریح حاصل شود مجرم را بوکیل یا کونسول روسیه تسلیم مینمایند
که برای اجرای سیاستی که در قوانین مقرره ممالکت روسیه لازم است بفرستند فصل نهم
دولتین علیتین معاهدتین اهتمام تمام در باب رعایت و اجرای شروط این معاهده

خواهند داشت حکام ولایت و دیوان بیگیان و سایر روسای طرفین هم از خواهنده
شد بداده داشته در هیچ حالت تکلف و تجاوز نخواهند کرد بل در حالتیکه تکرار تکلف
چنانچه باید محقق شود موجب معزولی ایشان خواهد بود خلاصه ما وکلای مختار اعلیحضرت
امپراطور کل ممالک روسیه و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران که در ذیل دستخط
نوشته ایم شروطی را که درین معاهده مندرج است و از نتایج فصل دهم عهدنامه ایست
که در همانروز در ترکمانچای اختتام یافته است و همان اعتبار و قوه خواهد داشت
که گویا لفظ بلفظ در خود عهدنامه مرقوم و مصدق گشته است منظم و مقرر داشتیم لهذا
این معاهده جداگانه که مشتمل بر دو نسخه است بتوسط ما دستخط گذاشته بمهر ما رسیده و مبادله
شد تحریراً فی قریه ترکمانچای بتاریخ دهم شهر فیورال سنه ۱۸۲۸ مسیحیه که عبارت از
پنجم شهر شعبان المکرم سنه ۱۲۴۳ هجری بملاحظه و تصدیق نواب نایب السلطنه رسید
بامضای وزیر دول خارجه عالیجاه میرزا ابوالحسن خان رسید

در باب تشریفات دولت روس و ایران

بسم الله الرحمن الرحیم چون وکلای مختار روس و ایران مجتمع شده بودند
تا اینکه بر طبق فصل نهم عهدنامه عمده امروزه برای تشریفات شایسته بپذیرفتن
ایلچیان و وکلا و کارگذاران که علی السویه بدربار دولت جانبین تعیین میشوند

وفا می گذارند لهذا مراتب مشترکه چند با بطور قرار داد که دید هنگامیکه دولت ایران ایلچی
دولت از ورود ایلچی دولت روس بتفلیس خبردار شدند بلا تاخیر کسی از شخص
که شان ایلچی مناسب باشد اختیار کرده تا سرحد باستقبال او میفرستند و دولت
ایران همانوقت فرمانفرمای گرجستان را از عزیمت مهماندار اخبار میکنند و روز
ورود او را بسرحد تخمیناً تعیین مینمایند و ایلچی از جانب خود اهتمام کرده سفر خود را
نوعی حساب خواهد کرد که مقارن ورود او وارد آنجا شود و از ساعتی که مهماندار ایلچی را
ملاقات خواهد کرد [illegible] باستقبال خواهند کرد که رئیس آنمنزل با یکنفر آدم معتبر آن
داخل مستقبلین باشد با معارف و اتباع شایسته و اگر ایلچی در محل معتبره مکثی
مکث کند حاکم خود برای تعارفات ایلچی رئیس مستقبلین بوده تا منزلی که برای او
مهیا شده همراهی خواهد کرد اگر ایلچی در شهری که یکی از شاهزادگان حاکم باشد
مکث کند شاهزاده که حاکم آن شهر است برای خوش آمد و تعارفات ایلچی وزیر
خود را بملاقات او خواهد فرستاد و اگر ایلچی زیارت از شاهزاده بکند ایلچی و جمله
اشخاصی را که جزو سفارت اند تکلیف قهوه خواهد کرد و یک صندلی برای ایلچی حاضر خواهد
نمود و هرجا که در رهگذر ایلچی لشکری باشد مسلح شده احترامات عسکریه معموله سلطنت
را بجا خواهد نمود مهماندار اهتمام خواهد نمود که قبل از وقت دولت ایران را از ورود

تازه ایلچی اخبار کند تا اینکه تدارکات لازمه جهت ورود و سلام او را آماده کنند
چونکه ایلچی باخرین منزل دارالسلطنه یا اردو که اعلیحضرت پادشاه تشریف دارند رسید
ایلچی یا یکی از اشخاص معتبر باسم ولینعمت مهمان خود پذیرفته خواهد شد و در همراه
دارالسلطنه یا اردو باستقبال جمعی عظیم از جانب پادشاه و رئیس آنها شخص جلیل الشانی
از دربار پادشاهی خواهد بود پذیرفته خواهد شد مستقبلین شهر یا اردو برای ایلچی پیشکش
خواهند کرد و احترامات عسکریه که لایق او باشد بعمل خواهند آورد و سرخیل مستقبلین
پادشاهی همانوقت ایلچی را بمنزلی که برای او مهیا شده خواهد برد و در آنجا قراول
احترامی برای او خواهد بود فردای ورود او وزیر پادشاه و علمای دربار سلطنت ایلچی را
عیادت خواهند کرد و پس فردا بسلام خاص اعلیحضرت پادشاهی خواهد رفت و ایشیک
آقاسی باشی در ساعت مقرر آمده او را اعلام خواهد کرد که برای پذیرفتن او همه آماده است
در صورت ایلچی باین ترتیب روانه میشود فراشان شاهی پیش رو دسته ایلچی پیش پیش
راه میروند جمعی از قراول با نوکرهای پیاده ایلچی از عقب ایشان میروند در حالتیکه ایلچی
اسب مزین که از سرکار شاهی فرستاده شده یا اسب خاصه خود را سوار شده باشد و جلودار
سرکار پادشاهی پیش رو راه برود و اشخاص سفارت و اتباع او در جانب راست
و ایشیک آقاسی باشی در جانب چپ او باشند و از دو جانب شاطران پادشاهی

راه ببروند بلا فاصله از عقب او دسته از قراولان ایلچی با از بزرگان سپاه و فراشان
پادشاهی دنباله رو دسته ایلچی باشند عساکری که در میدان قصر یا اردوی پادشاهی
گذاشته شده باشند تا در عمارت یا سراپرده برای ایلچی پیش فنگ می کنند ایشیک آقاسی
باشی که پیشاپیش ایلچی خواهد بود اهتمام خواهد داشت که اشخاصی که در رهگذر او باشند برپا
بایستند ایلچی در در عمارت یا سراپرده پیاده خواهد شد و با اطاق وزیر اول یا جای
سپهسالار رفته تا بیرون آمدن پادشاه چند لمحه در آنجا آرام خواهد گرفت در این حال ایلچی
با همراهان خود ایشیک آقاسی باشی از پیش بحضور عمارت یا سراپرده داخل [illegible] قراول
قراول با نوکرهای سپاه و ایلچی در میدان بیرون خواهد ماند بعد از آنکه ایشیک آقاسی
باشی آمدن ایلچی را با علیحضرت پادشاهی عرض کند او را از جانب شاه بدخول اطاق
پادشاه تکلیف خواهد کرد و ایلچی با همه اصحاب خود بآنجا خواهند رفت اما در هیچ حالت
از ایلچی و از هیچیک از اصحاب او درخواست نخواهد شد که هیچگونه تغییری بوضع و زی خود
که دارند بدهند لیکن ایلچی و اتباع او اهتمام خواهند کرد که برای خود یکجفت کفش دیگر
نمایند که قبل از داخل شدن بیرون بیاورند بعد از عرض نیاز بحضرت شاه ایلچی را
از جانب شاه تکلیف نشستن میشود و ایلچی [illegible] حاضر میکنند بعد از انقضای
مجلس ایلچی بهمان ترتیبی که آمده بود مراجعت میکند لیکن بدون اینکه با اطاق وزیر اعظم

بیاید

یا سپهسالار داخل شود بعد از این سلام اول ایلچی بازدید اشخاصیکه بدیدن او آمده
بودند میروند و رسوم تشریفات برای پذیرفتن وکیل یا کارگذار روس همان خواهد بود
مگر اینکه صاحب منصبانی که باستقبال او معین شوند در مرتبه پست تر خواهند بود و اصحاب
ایشان در عدد کمتر و همه مستحفظین برای ایشان بیرون نخواهند آمد و همان عساکری که در قراول
هستند برای ایشان پیش فنگ خواهند کرد و وزیر اعظم پادشاهی اولا بدیدن ایشان نخواهد رفت
اما بدون تخلف یکروز بعد بازدید ایشان خواهد رفت اگر ایلچی یا وکیل کارگذار از جانب
ولینعمت خود حامل مراسله باشد اعلیحضرت پادشاه از دست ایشان خود خواهد گرفت
همان تشریفات بتوسط دولت روس در حق ایلچیان و وکلا و کارگذاران ایران که مأمورست
بدربار بطرز بوبرغ میباشند مرعی و ملحوظ میشود لیکن بملاحظه اختلافات رسومات معموله
در دو مملکت این تذکره که مشتمل بر دو نسخه است و بخط و مهر وکلای مختار جانبین وارد
همان قدر و حقیت دارد که گویا لفظ بلفظ در عهدنامه عمده امروزه مندرج است تحریراً فی قریه
ترکمانچای بتاریخ دهم شهر فبروال ۱۸۲۸ مسیحیه که عبارت است از پنجم شهر شعبان المعظم
۱۲۴۳ هجری بملاحظه و تصدیق نواب نایب السلطنه رسید با مضای وزیر دولت روسیه میرزا
ابوالحسن خان رسید

قرارنامه تجارتی فیمابین ایران و روس درباب مفلس جعلی

نظر باینکه بجهت دفع افلاس جعلی و رفع حیله جات ورشکسته ها لازم آمد از قرار
فقرات ذیل است **فقره اول** جمیع مستندات خرید و فروخت و تملکات و غیره بین تجار
باید در دیوانخانه معتبر و در دفتر مخصوص که حاکم هر ولایت ممهور بمهر دولت میدهد
ثبت شود و در دفتر مذکور کل مطالبات از روی تاریخ نمره باید ثبت شود و نمره
دفتر باید بر روی مستندات نوشته شود و اوراق دفتر نمره داشته باشد و حک و جلد
نباشد **فقره دویم** مستنداتی که در دفتر بزرگ معتبر شده اند باز باید جداگانه در
دیوانخانه از روی الف با اسامی معاهدین نوشته شود و نمره دفتر بزرگ درست شود
فقره سیم فقره سیم چنانچه یکی بمقام مطالبه طلب خود و تمسک که در دیوانخانه معتبر شده است
برخیزد آنکه ثبت دیوانخانه اش قدیم تر است اول وصول خواهد شد و این قرار داد
مبطل قواعد عرفا که هنگام افلاس تجار است نخواهد بود **فقره چهارم** ثبت تمسکات
جزئی نیست واجب ولی مخصوصه مستنداتی که موافق قاعده در دیوانخانه صورت
اعتبار بهم رسانیده است ترجیح دارد بر مستندات خارجی که مجری نخواهد بود مگر بعد
از اجرای مستنداتی که در دیوانخانه معتبر شده است و این نوع مستندات خارجی را
تا مدت یکسال میتوان بدیوانخانه آورده معتبر نماید **فقره پنجم** هرگاه مالی غیر منقول را
نخواهند بفروشند یا بشرط بگذارد باید قباله و حجاق از بدست مشتری بدهد چنانچه

گرو داده شود خواه انها هیچ لازم خواهد بود بهم رسانید و دیوانخانه قبل از ثبت و معتبر نمودن
چنان سند خرید و فروخت باید مشخص نماید که قباله و حجاق آن بدست مشتری داده
شده است و پیش از آن چنان غیر منقول و بغیر فروخته نشده باشد و نزد کسی بشرط و گرو
نمانده **فقره ششم** ادای وجه تمسکی ثابت نخواهد بود مگر آنکه طلبکار رو بده کار بمهر و دستخط
و مهر خود بر روی تمسک نوشته باشند که طلب خود کلاً رسید و الا عند الضروره باید با قسم
شهود و بیاد قسم ادای قرض ثابت کرد **فقره هفتم** بعد از وفات بده کار
طلبکاران حق مطالبه طلب خود را از ورثه مرحوم قبل از انقضای وعده خواهند داشت
مگر ورثه اموال مرحوم را رد نمایند **فقره هشتم** هریک از کسبه و تجار که دعوی افلاس
نماید باید قسم یاد کند که از اموالش چیزی پنهان نکرده است و افلاس خود را هم ثابت
کند و همچنین شرکا و کارکنان او هم باید قسم یاد نمایند که از اموال او چیزی پنهان
نکرده اند **فقره نهم** از این نوع ورشکسته ها دست برنمیدارند تا ضامن نقد حاضر نمایند و دیوان
اموال ورشکسته را و اموال اولاد و زن او را ضبط کرد در صورتیکه ثابت شود که بعد از
ظهور ورشکستگی او صاحب این اموال شده اند و آنچه از اقوال ایشان که بهیچوجه حقی
[illegible] ورشکسته ندارند [illegible] شده یا اینکه حاصل کاسبی جداگانه
باشد مع جهاز دختران شوهر رفته از ضبط محفوظ خواهد بود **فقره دهم** چنانکه با

افلاس او در حالت اتفاقیه و از غرق تابه و از غارت دشمنان باشد و در صورت
ضرر و بدادن ضامن نیست فقره یازدهم سزای مفلس حیلی همان سزای دزد و سزای
شخص کاذب خواهد بود و اختیار تخفیف سزای ان در باره سزاوار استثنای منحصر با علیحضرت
قدر قدرت شهریاری خواهد بود مفلس حیلی باید مدت طول مرافعه اش در حبس باشد
با احدی حتی با حلفایش هم نباید مراوده داشته باشد جمیع اموالش ضبط خواهد شد و تا
میتواند تجارت نمود و سایر شغلی نمیتواند شد همین سزا برای او و برای رفقای او و برای
اشخاصیکه اموال او را پنهان داشته اند باقی خواهد بود فقره دوازدهم بشرط تمامی معاملات
شخص مفلس که بعد از افلاس تابعه اش واقع شده است باطل است فقره سیزدهم
تقسیم اموال ورشکسته فیمابین طلبکاران بعد از چهار ماه خواهد بود و اگر اجناس ورشکسته
از قبیل چیزهائی است که زود ضایع و تلف میشود مثل چهارپا و اذوقه و سایر باید فورا
در تک نقد نمایند و مال التجاره که بعد از نشستن افلاس بدست مفلس میرسد
باید در گمرک ضبط نموده بدیوانخانه فرستاد و همچنین هر نوع مراسلات باسم مفلس
که مشعر بر علائم صدق افلاسش باشد باید بدیوانخانه برسانند فقره چهاردهم مادامیکه
مفلس کل قروض خود را ادا ننموده است بازیده کار حساب خواهد شد و طلبکاران
برضای خودشان برای طلبهای باقی مهلت خواهند داد و دران اثنا هرچه
حاصل او

حاصل او شود یا بارث باو برسد عوض قروض باید داده شود فقره پانزدهم هرگاه در
مقابله دفتر ثبت با مستندات تقلبی ظاهر شود و دیوانخانه ثبت را به تقلب نموده باشد
دیوانخانه باید از عهده قروض ورشکسته برآید فقره شانزدهم انهائیکه مفلس حیلی محسوب
میشوند از این قرار خواهند شد اول انکه نتواند افلاس خود را ثابت نماید و طریق خرج
حساب نقد و جنس خود را که از مردم گرفته است بدهد دویم انکه [illegible]
بخانه ببرد سیم انهائیکه افلاس خود را دانسته بعد از ظهور افلاسش بقصد خوردن
مال طلبکاران بخشند کمها نماید چهارم انکه مال غیر منقولی را که سابقا بغیر فروخته است یا بشرط
گذاشته است مجددا بفروشد یا بشرط بگذارد پنجم انکه مال وقف را بفروشد یا بشرط
بگذارد فقره هفدهم اعلیحضرت قدر قدرت شهریاری سوای در بعضی از مساجد و اماکن
متبرکه که از قدیم الایام مثل [illegible] نامی و عمارت پادشاهی بست بوده اند
بست ها را یعنی بست خانهای مردم را موقوف فرموده قدغن میفرمایند که هیچیک از
رعایای ایندولت جاوید مدت مقصرین را مثل دزد و مفلس و سایر گناهکاران خود
راه ندهند و هرکه خلاف حکم پادشاهی نماید مورد مؤاخذه خواهد شد فقره هجدهم
چون بجهة پیشرفت امر تجارت همه جا ملک التجار ضرور است لهذا اولیای دولت
قاهره در همه جای ایران که تجارت کلی میشود ملک التجار معین خواهند کرد دیگر

انکه هر وقت کارگزاران دولت بهیه روسیه بدیوانخانه رجوع بشود باید قطع و فصل ان در حضور
کمیسر صاحب منصب سفارت یا قونسولگری بشود همچنین ضبط اموال مفلس و محافظت
مقروض بشود و در جائیکه پای رعایای خارجی بمیان آید باید همیشه در حضور کمیسر صاحب منصب
روس باشد کارگزاران روس طلبهای ورشکسته را از بده کاران انش که اهل ولایت خواهند
بود چنان خواهند مطالبه کرد مثل اینکه مقروض خود رعایای دولت بهیه روسیه باشند
دیگر درباب فقره نهم که مال غیر منقول ذکر شده است مجددا ایراد میشود که در ایران
سه کس بر قراء حق دارند اول دیوان اعلی دویم مالک سیم رعیت چنانچه مالک
بخواهد قریه خود را بشرط بگذارد بجهة رفع گفتگو باید قبل از وقت از دیوان اعلی و رعیت
اذن حاصل کند تحریرا ۲۷ شهر شوال ۱۲۷۲ در دار الخلافه طهران سمت تحریر
یافت والله

عهدنامه منعقده ما بین دولت علیه ایران و دولت بهیه فرانسه بسم الله الرحمن الرحیم

چون اعلیحضرت کیوان رفعت خورشید رایت فلک رتبت گردون حشمت خسرو
اعظم خدیو انجم حشم جمشید جاه داراب دستگاه وارث تاج و تخت کیان شاهنشاه
اعظم بالاستقلال کل ممالک ایران و اعلیحضرت کیوان رفعت خورشید رایت
شمس فلک تاجداری جهانگیر شهریاری برازنده دیهیم صاحب ظل الهی شقه طراز اورنگ
شاهنشاهی

شاهنشاهی خسرو بازل تاجدار ناپلیان امپراطور کل ممالک فرانسه هر دو در علی التسویه اراده
دمثنای صادقانه دارند و روابط دوستی فیمابین دولتین برقرار و بواسطه عهد دوستی
و تجارتی که بالسویه نافع و سودمند تبعه دولتین قوی بنیان خواهد بود که مودت
و اتحاد جانبین را محکم سازند لهذا برای تقدیم اینکار اعلیحضرت شاهنشاه کل ممالک
ایران اعتماد الدوله العلیه صاحب نشان تمثال امیر تومانی با حمایل سبز و قرمز و صاحب نشان
تمثال همایون از درجه اول و حمایل و شمشیر مرصع و عصای مکلل بالماس و دارنده شرابه
الماس و مروارید و صاحب نشان درجه اول امیر نویانی اعظم و حمایل درجه مخصوص شخص اول
و صاحب لقب اتش جناب اشرف امجد ارفع میرزا اقاخان صدر اعظم دولت علیه
ایران را و اعلیحضرت امپراطور کل ممالک فرانسه جناب مسیو نیکولا پرسپر بوره وزیر مختار
و ایلچی مخصوص دولت بهیه فرانسه صاحب نشان افتخار مسمی بلژیان دونور و حمایل
مسمی بسنگره گوار و نشان افتخار مجیدیه وغیره را وکلای مختار خود تعیین کردند
و ایشان بعد از انکه در دار الخلافه طهران مجتمع شدند و اختیارنامه خود را مبادله
کردند موافق قاعده و شایسته دیدند و فصول اتیه را برقرار نمودند فصل اول
بعد الیوم الی الابد فیمابین دولت علیه ایران و رعایای ان دولت و دولت
بهیه فرانسه و رعایای ان دولت دوستی صادق و اتحاد دائمی برقرار خواهد بود

فصل دوم سفرای کبار و وزرای مختار که هر یک از دولتین متعاهدتین بسوی همدیگر مأمور و مقیم سازند همان رفتار و سلوکی که در حق سفرای کبار یا وزرای مختار دول متحابه و اتباع اینها معمول میشود بعینها همان رفتار نیز در حق سفرای کبار و وزرای مختار دولتین متعاهدتین و اتباع ایشان معمول و مجری و همان امتیازات محفوظ خواهند بود

فصل سیم تبعه دولتین علیتین متعاهدتین از قبیل سیاحان و تجار و پیشه‌ور و غیره که در مملکتین محروستین یا سیاحت یا توقف نمایند بالسویه از جانب حکام ولایات و وکلای طرفین بعزت و حمایت قادرانه بهره‌مند خواهند گردید و در هر حال سلوکی که نسبت باتباع دول کاملة الوداد منظور میشود در حق ایشان نیز منظور خواهد شد و علاوه ماذون و مرخصند که هر گونه امتعه و اقمشه و محصولات چه از راه دریا و چه از راه خشکی مملکت یکدیگر بیاورند و از مملکت همدیگر ببرند و بفروشند و مبایعه و معاوضه نمایند و بهر بلادی از بلاد مملکتین که خواهند حمل و نقل نمایند

فصل چهارم هر گونه امتعه و اقمشه که اتباع دولتین علیتین متعاهدتین بممالک یکدیگر نقل نمایند و یا از مملکت همدیگر بیرون ببرند وجه گمرکی که از تجار و اتباع دولت کاملة الوداد حین ورود امتعه و محصولات ایشان بولایات دولتین و حین خروج از مملکتین مطالبه میشود از ایشان نیز مطالبه خواهد شد و حق و وجه علیحده بهیچ اسم و رسم در دولتین علیتین مطالبه نخواهد شد

فصل پنجم در ممالک محروسه ایران اگر فیمابین اتباع دولت بهیه فرانسه مرافعه یا مشاجره یا منازعه روی دهد طی گفتگو و اجرای عدالت آن بالتمام بعهده وکیل یا قونسول دولت بهیه فرانسه است اگر متوقف در محل و مکان آن مرافعه و مباحثه و منازعه بوده باشد و الا در محلی که اقرب بمکان مزبور است خواهد بود و وکیل یا قونسول مزبور طی این گفتگو را بر وفق قوانین متداوله در مملکت فرانسه خواهد کرد هرگاه مرافعه یا مباحثه یا منازعه فیمابین تبعه دولت بهیه فرانسه و اتباع دولت علیه در ممالک ایران حادث گردد در محلی که وکیل یا قونسول دولت بهیه فرانسه مقیم باشد مرافعات سند اعیان و تحقیق و تدقیق و اجرای حکم بعدل و انصاف در محکمه دولت علیه ایران که محل عادیه طی اینگونه امورات است با حضور احدی از منتسبان وکیل یا قونسول دولت بهیه مزبوره خواهد شد هرگاه مرافعه یا مباحثه یا منازعه در مملکت ایران فیمابین اتباع دولت بهیه فرانسه و تبعه سایر دول خارجه واقع شود تحقیق و اجرای حکم آن بعهده وکلا یا قونسلهای طرفین خواهد بود و کذالک گفتگوها و منازعاتی که فیمابین تبعه دولت علیه ایران و اتباع دولت بهیه فرانسه و تبعه سایر دول خارجه در ممالک محروسه فرانسه اتفاق افتد قرار انجام و اتمام آن بنحوی خواهد بود که با اتباع دول کاملة الوداد در مملکت مزبوره معمول و مرعی میشود و تبعه دولت علیه ایران

در ممالک فرانسه با اتباع دولت بهیه فرانسه در ممالک ایران اگر متهم بجنایات کبیره گردند بنحوی که در مملکتین مزبورتین با اتباع دول کاملة الوداد رفتار میشود با ایشان نیز معمول و مرعی و قطع و فصل خواهد شد

فصل ششم هر گاه احدی از اتباع دولتین علیتین در مملکتین محروستین وفات یابد در صورتیکه میت را اقوام یا شرکائی باشد ترکه او بالتمام بایشان تسلیم خواهد شد و در صورتیکه شخص میت را اقوام و شرکائی نباشد ترکه او امانتا بوکیل یا قونسول دولت میت تسلیم میشود تا مشارالیه بر وفق قوانین متداوله در مملکت خود چنانچه شاید و باید در اینباب معمول دارد

فصل هفتم دولتین علیتین متعاهدتین جهت حمایت اتباع و تقویت امور تجارت و فراهم نمودن اسباب حصول معاشرت دوستانه و عادلانه فیمابین تبعه جانبین چنین اختیار نموده‌اند که از طرفین سه نفر قونسول برقرار گردد قونسلهای دولت بهیه فرانسه در دارالخلافه طهران و بندر ابوشهر و دارالسلطنه تبریز تعیین و قونسلهای دولت علیه ایران در دارالسلطنه پاریس و شهر مرسلیا و جزیره بوربان توقف نمایند این قونسلهای دولتین متعاهدتین بالسویه در محل متوقفه مملکتین محروستین از اعزازات و امتیازات و مساعداتی که قونسلهای دول کاملة الوداد در ممالک محروسه جانبین محظوظند بهره‌یاب خواهند گردید

فصل هشتم این عهدنامه دوستی و تجارتی حاضره که بملاحظه کمال صداقت و دوستی

و اتحاد فیمابین دولتین فخیمتین ایران و فرانسه منعقد شده است بعون الله تعالی جمیع شروط مندرجه در اینجا ابدالدهر از روی صدق و راستی مرعی و محفوظ خواهند داشت و امنای مختار دولتین متعهدند که امضانامجات خدیوانه از جانب سنی الجوانب شاهنشاه خود در دار طهران یا دارالسلطنه پاریس در ظرف مدت شش ماه یا کمتر اگر متعذر نگردد مبادله نمایند وکلای مختار دولتین متعاهدتین این عهدنامه مبارکه حاضره را بخط و مهر خود مرقوم و مختوم نمودند این عهدنامه مبارکه بتاریخ بیست و هفتم شهر شوال المکرم ۱۲۷ مطابق دوازدهم ژوئیه ۱۸۵۵ عیسوی در دو نسخه بخط فارسی و فرانسوی مطابق و موافق یکدیگر مرقوم شد

صدر اعظم دولت علیه ایران اعتمادالدوله

ترجمه اختیارنامه‌ایست که اعلیحضرت امپراطور فرانسه بجناب مشارالیه داده اند

ناپلیان بلطف پروردگار و برضای ملت امپراطور فرانسه با شما کسانیکه این نوشته را خواهند دید سلام میرساند صدق و شدت آرزوی ما بر استحکام روابط اتحاد دولتین فرانسه و ایران و میل ما بر توسیع مراوده تجارتی و بحری ایندو مملکت ما را بر این داشته که عهدنامه یا قرارنامه و یا هر قبیل عهدی که موجب حصول و شرف انعقاد و صورت بقای آن باشد منعقد سازد لهذا نظر باعتقاد کامل باطوار دانی و لیاقت و اهتمام و صداقت موسی نیکولا پرسیر بورد صاحب نشان لژیان دهنر ماده ده

ایلچی مخصوص و وزیر مختار باسمتیم دربار ایران اورا وزیر مختار خود قرار دادیم که با وزیر مختار یا
وزرای مختار که از جانب بسیار مهربان و بسیار بزرگ دوست ما امپراطور ایران اختیار
نامه شایسته داشته باشد عهدنامه را که مناسب و مقتضی حصول مقصود مذکور باشد منعقد و
ممضی دارد ما متعهد میشویم که آنچه وزیر مختار مشارالیه باسم ما متعهد و ممضی نماید همه را معمول
و مجری بداریم و از شروط مقرره تخلف نکنیم و نگذاریم که بهیچوجه و بهیچ سبب تخلف شود
ولیکن اتمام عهد را موقوف بامضای ما میسازیم که بعد امضا نامه ما در موعد مقرره مبادله
شود لهذا مقرر داشتیم که این نوشته بمهر امپراطوری ما ممهور شود در پاریس در سیزدهم
فوریه ۱۸۵۵ مسیحی ملاحظه شد نابلیان در دهم دهم

ترجمه نامه که امپراطور فرانسه در باب امضا نمودن عهدنامه نوشته شده

از جانب مودت جوانب اعلیحضرت شاهنشاه بالاصالت والاستقلال کل ممالک
برای ممالک آرای مودت پیرای اعلیحضرت کیوان رفعت قوی شوکت زیور افزای
اورنگ سلطنت و شهریاری رونق بخشای اریکه حشمت و بختیاری دوست مکرم کامل
الوداد نابلیان امپراطور اعظم فرانسه تلغراف باد که بعد از ورود جناب میر بوره
ایلچی مخصوص و وزیر مختار اندولت بهیه بدربار دولت علیه ایران و عمل آمدن مراسم
قبول دوستانه و پذیرائی ملوکانه نسبت باو بانعقاد عهد دوستی و تجارتی بالطور که ممکن

بمنظور خاطر ملوکانه آن اعلیحضرت و اولیای اندولت بود و از طرف قرین الشرف همایون
و اولیای دولت روزافزون باقیام و اقدام شد و فصول مندرجه در آن بموجب اختیار
نامه معتبره مشارالیه با این جناب اشرف امجد ارفع میرزا آقاخان صدر اعظم اعتماد الدوله
العلیه دولت ما که بکمال وثوق و اعتماد بکفایت و کاردانی و ارادت او داریم و جناب
مشارالیه که معتقد و موثق آن اعلیحضرت را که بمنزله امضای رسمی و قلبی از جانب امپراطور
خود محسوب داشته بودند جناب ایلچی مشارالیه ابراز نمود اعلیحضرت همایون ما نیز در اخذ و
قبول آن بهیچوجه درنگ و درینغ جایز نداشتیم و همان پایه و درجه که محسوب داشته بودند
گذاشتیم و از جانب حلت جوانب شاهانه خود بنگارش جواب مخصوص مبادرت داریم که از این
تاریخ بعد عهد دوستی و تجارتی را بین الدولتین منعقد و از طرف دو پادشاه شوکت
و سطوت بعز قبول و امضای رسمی و قلبی مقرون میشماریم و امید داریم که الی الابد رشته
موالدت ما بین این دو دولت و ملت در استحکام بوده منافع و فواید کثیر بر آن مترتب گردد
و قرب ما با یکدیگر چنان نزدیک و مهربان باشد که ابعد مسافت صوری ما بین مملکتین مطلقا
مرعی و ملحوظ نگردد و هریک از ما در منافع و مصالح عمده یکدیگر بقدری ساعی و جاهد باشیم
که زیاده بر آن میان دوستان نگنجد و یکجهت منظور نماید امید که اورنگ حشمت و
[illegible] همواره بر وجود همایون آن اعلیحضرت دوست مکرم مزین و کامروا باشد

حرره ۲۹ شهر شوال ۱۲۷۱

ترجمه امضا نامه که از جانب دولت فرانسه مصحوب جناب میر بوره وزیر مختار اندولت داده شد

نابلیان پادشاه فرانسه برای ممالک آرای فلک رتبت آسمان بسطت بحبت تورور
سلطان غیر مغلوب مجمع مکارم و فضایل ناصرالدین شاه قاجار امپراطور اعظم ایران
[illegible]
واضح و برای این لایحه کمال دوستی و مودت قلبی خود را نسبت بآن اعلیحضرت دوست
مکرم بیان و ثابت نمائیم بنابر علیهذا لازم گردید که ایلچی مخصوص و وزیر مختاری که از
رای و مقصود باطنی ما آگاه و مطلع بوده بتواند در حضور باهرالنور آن اعلیحضرت دوست
مکرم محبت و مودت قلبی ما را چنانکه باید و شاید ادا نماید بجانب سنی الجوانب آندوست
مکرم مامور و روانه نمائیم جناب میر بوره که شخصا از جمله چاکران عقیدت شعار ما اینده درگاه و دولت
اطلاع و استحضار از امور دولتیه آراسته و از دوربینی و کاردانی و صداقت و امانت او
نسبت بما اعتماد تام و اعتقاد تمام داریم او را از میان امثال و اقران انتخاب نمودیم که از
اینده از جانب ما با آن اعلیحضرت دوست مکرم و ارکان اندولت سنیه معاهده دوستی
و تجارتی منعقد سازد و برای حصول اینمطلب دستورالعملهای معینه بدست او سپردیم
پس آن اعلیحضرت دوست مکرم از حالا میتواند که بمعاهده مشارالیه و مهر وکیل اندولت

سنیه ممهور خواهد گردید امضا نامه را از طرف ما ممضی و مقبول الطاف فرموده از شهریاران
اعلیحضرت دوست مکرم نیز از امضا و تصدیق کردن عهدنامه مزبوره بهیچوجه من الوجوه
نخواهند فرمود و همین نوشته را چون امضای رسمی و قلبی از جانب ما اخذ خواهند فرمود
چون امید کلی است که این اوقات در ممالک محروسه دولت علیه تاج سلاطین دو
فرانسه و ایران از فرط اتحاد به یکدیگر متصل و ملت مملکتین متفق خواهد شد با این مطلب را
قبل از وقوع حاصل شده انگاشته اینهم سرور و انبساط را در گلشن خاطر با هزار و را آوردم
اگرچه بکار رنجد و معماری بسیار حاصل است ولی همان نوعیکه یک خورشید عالمتاب ضیا گستر
ممالک این دو دولت است همچنین رشته دوستی و وداد حقیقی سلطنتی در صلت ملتین حرکت
شده بصورت ملت واحده خواهد آورد درود و سلام بر شما باد ای امپراطور با اقتدار
وای شاهنشاه با عز و وقار خداوند عالم که درگاه و پیشگاه جمیع امورات سماوی و ارضی و در بند
مشیت اوست برونق همایون آن اعلیحضرت دوست مکرم باشان و شکوه و امکان و حشمت
خود کرده در عمارت سلطانه توری پانزدهم شهر فوریه ۱۸۵۵ تحریر شد

ترجمه [illegible] جناب [illegible] وزیر مختار فرانسه بجناب صدر اعظم
جناب امجد اشرف ارفع مهربان [illegible] در مجلس ملاقات [illegible]

چندی روز قبل از این اتفاق افتاد دوستدار مقصود ماموریت خود را مفصل بیان نمود
نتیجه کار خاطر انجناب امجد اشرف آنچه در انجلس شفاها اظهار داشت اکنون نیز جهت
نوشته اعلام میدارد که اولا مقصود ماموریت دوستدار اینکه میل اعلیحضرت امپراطور
فرانسه را برا استقرار و استحکام اتحاد دولتین فرانسه و ایران با اولیای دولت علیه حالی
نماید و ثانیا نتیجه حفظ و توسیع مراوده دوستی ایندو دولت عهدنامه که در عهد محمد شاه
مرحوم از جانب دولت فرانسه تکلیف باشد مقبول اولیای دولت علیه نگشت همان عهد
نامه را اعلیحضرت شاهنشاه ایران مدار بدون هیچ نوع تغییر ممضی فرمایند اگرچه اعتقاد انجناب
اشرف شروط عهدنامه مزبوره منافی صلاح دروفق ایندولتست و اگرچه حالت امروزه
دولت ایران مقتضی شروط مجدده میباشد ولی چون درخصوص انعقاد این عهدنامه
فیمابین دولتین فرانسه و ایران مباحثه زیاد شده و در هیچ وقت میل دولت فرانسه در
اینباب معمول نگشته است لهذا بر خاطر اعلیحضرت امپراطوری زیاده از حد مطبوع خواهد بود
که اولیای دولت علیه عهدنامه مزبوره را با وصف معایبی که در آن باعتقاد انجناب
منظور است محض رضای خاطر اعلیحضرت ایشان مقبول و ممضی دارند بنابراین دوستدار
در نزد انجناب اشرف مجددا اصرار مینماید که عهدنامه مزبوره را بروفق آرزوی اعلیحضرت
ولیعهد من بدون هیچ قسم تغییر انعقاد دهید و بدیهی است که دوستی و رضایت اعلیحضرت

امپراطوری که از قبول اینعهدنامه حاصل خواهد شد چنان منتج نتایج خواهد بود که نه تنها در
رفع معایب حالیه اینعهدنامه باشد بلکه مصالح آینده ایندولت را نیز بقدر امکان
محافظت و تقویت نماید زیاده زحمتی نداد تحریرا فی غره شهر شوال المکرم سنه ۱۲۷۱

صورت عهدنامه که میرزا رضا با دولت فرانسه بسته است

بسم الله الرحمن الرحیم چون در این اوان سعادت نشان و زمان میمنت اقتران
خدیو فلک جاه سلطنت دستگاه امپراطور ممالک فرانسه و پادشاه ایطالیا بنای اتحاد
و الفت با اعلیحضرت قدر قدرت قضا بسطت خورشید رایت شاهنشاه صاحبقران خسرو
گیتی ستان پادشاه انجم سپاه افلاک وارث تخت کاکیخسرو و جم فرمانفرمای فسیحه
الممالک ایران و عجم السلطان ابن السلطان ابن السلطان و الخاقان ابن الخاقان ابن
الخاقان ابوالمظفر فتحعلی شاه قاجار خلد الله ملکه و سلطانه گذاشته بجهة تشیید مبانی الفت
و وفاق دولتین علیتین و تجدید عهد مودت و اتفاق سلطنتین بهیتین از دو جانب وکلای
با ایقان رخصت گذار فرموده از طرف جناب امپراطور فرانسه و پادشاه ایطالیا
وزیر اعظم و کالت سر امپراطوری صاحب کلک همایون اشرف نشانهای دولت
موسیو هوک برنار ماره نام مامور گردیده بنای عهد شروط پاینده آستان
فلک بنیان پادشاهی و چاکر دیرین درگاه سپهر اشتباه شاهنشاهی سفیر دولت جاوید

قرار ابد قرین میرزا محمدرضا وزیر دار السلطنه قزوین گذاشته بمقتضای صلاح دولتین علیتین
با یکدیگر مکالمه و مجاهده نموده اند قرار شرح مسطور ذیل مواد مرقومه را سازگاری نموده که بر ضمیر
اولیای دو دولت کبری و امنای دو سلطنت عظمی رضانامه اینها را قلمی و مهر همایون مرصع
ضمیر مجدد نمایند ماده اولی آنکه مابین اعلیحضرت قدر قدرت پادشاه جمجاه ایران
و جناب امپراطور فرانسه و پادشاه ایطالیا صلح مؤبد بوده من بعد با یکدیگر شرایط الفت
و وداد مراسم محبت و اتحاد را مرعی فرموده همواره فیمابین الدولتین العلیتین کمال وفاق بوده
باشد ماده دویم آنکه جناب امپراطور اعظم بمقتضای مراسم دوستی و مرافقت با دولت
علیه ایران متعهد و کفیل گردیده که من بعد احدی رخنه در خاک ایران ننماید و چنانچه احدی
خواسته باشد که بعد از این دخل در خاک ممالک ایران نماید جناب امپراطور اعظم با پادشاه
سپهر تختگاه ایران کمال مرافقت بعمل آورده بدفع دشمن پرداخته حراست ممالک
محروسه را نمایند و بهیچوجه خودداری نکنند ماده سیم آنکه جناب امپراطور اعظم
ادای شهادت نمود که مملکت گرجستان ملک حلال موروثی اعلیحضرت پادشاه
میباشد و حقیقت مطلب بر جناب امپراطور مشخص و معلوم است ماده چهارم آنکه جناب
امپراطور فرانسه و پادشاه ایطالیا درخصوص اخراج نمودن طایفه روسیه از
ملک گرجستان و تمامی خاک ایران بر ذمه پادشاهانه خود لازم و قرار داد

فرمودند که طایفه مزبوره را جبرا و قهرا از جمیع خاک ایران اخراج نموده و بالکلیه ترک
حدود کشور ایران نمایند و چنانچه با روسیه بنای عهد و صلح نمایند این شروط از جمله
عهدنامه ایشان قرار داده بطریق امور دولت خود در اینخصوص کوتاهی ننمایند و کمال
تعهد در باب اینمطلب فرموده بر ذمه همت عالی خود واجب و لازم ساختند
ماده پنجم آنکه از طرف قرین الشرف جناب امپراطور فرانسه و پادشاه ایطالیا
یکنفر سفیر معتبر رخصت گذار معین آمده در آستان فلک بنیان اعلیحضرت قدر
قدرت پادشاه جمجاه ایران اقامت نموده بکار سکار گزاری و صلاح اندیشی دو دولتین
علیتین قیام و اقدام نماید ماده ششم آنکه هرگاه رای صفا ضیای جهان آرای
اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران اقتضا فرماید که عساکر پیاده و توپچی بر رسم و قاعده
فرنگ تعلیم و مهیا نماید و بعضی قلعها بضابطه قلعه فرنگ بنا گذارد جناب امپراطور
فرانسه و پادشاه ایطالیا بنابر این مطلب توپ صغیره و تفنگ حربیه هر قدر ضرور
و لازم بوده باشد بصوب ایران ارسال و قیمت آنرا از قرار قیمت فرنگستان
سرکار جناب امپراطور اعظم داده شود ماده هفتم آنکه از دولت علیه ایران هرگاه
خواهش نمایند که بطریق قلعهای فرنگ قلعه ساخته باشند و توپخانه بقاعده
فرنگ ترتیب و عساکر پادشاه بضابطه فرنگ تعلیم نمایند هر قدر توپچی و مهندس

ولتعلیمی لازم بوده و اوامر معتبر ضرور شود جناب امپراطور فرانسه و پادشاه
ایطالیا متعهد گردید که ارسال صوب ایران نماید که در اسم ترسیم قلعه و ترتیب
توپخانه و تعلیم عساکر پیاده نمایند ماده هشتم انکه بنا بر موافقت ایندو دولت بهیه
از جانب شوکت جوانب اعلیحضرت قدر قدرت پادشاه جمجاه ممالک ایران از
هر جهة قطع سلسله و مراسله با قرال انگلیس گردیده از جانب دولت علیه ایران متعهد شوند
که بنای خصومت با ایشان گذاشته بجهة دفع انها عساکر روانه نمایند و بنا بر این ایلچی
ایلچی سرکار شوکتمدار پادشاهی که بجانب هند و انگلیس رفته باز جانح و احضار او امر فرمایند
و از جانب انگلیس و کمپانی انچه بالیوز و وکلای قرال انگلیس در سواحل بنادر عجم و ولایت
ایران اقامت نموده باشند انها را مطرود و اموال و امتعه انگلیس ضبط شده
تجارت ایشانرا براً و بحراً از جانب ایران مقطوع نمایند و فرمان قضا جریان
پادشاهی در اینخصوص از مصدر عز و شان صادر گردد و در اثنای این مخاصمه اگر از
انگلیس بجهة سفارت یا بهانه دیگر هر گونه سفیری که بجانب استان فلک بنیان پادشاهی
عزیمت نماید ایشانرا مطرود و مردود نموده راه ندهند ماده نهم انکه هرگاه
فی المستقبل روسیه و انگلیس باهم اتفاق نموده بجانب دولتین علیتین فرانسه
و ایران عزیمت و حرکت نمایند ایندو دولت نیز باتفاق یکدیگر برفع انها اقدام
نموده

نموده از روی موافقت و اتحاد بمخاصمه و محاربه و مجادله انها بپردازند و چنانچه بجانب
یکی از این دو دولت بنای سفر و حرکت نمایند اولیای دولتین علیتین ایران و فرانسه
یکدیگر را خبر نموده بدفع انها اقدام نمایند و انچه در ماده سابقه مرقوم شده از ضبط اموال
و امتعه ایشان بطریق مشروح در ماده فوق عمل نمایند و در موافقت و مرافقت و
اعانت یکدیگر بهیچوجه من الوجوه کوتاهی و اهمال و مساهله و اهمال جایز و روا ندارند
ماده دهم انکه اعلیحضرت پادشاه سپهر بارگاه ایران موافقت و معاهدت نموده
از طرف افغان و قندهار و اکراد و تجهیز سپاه و تهیه جنود فرموده در دو دسته مشخص نموده
رهسپار گردد و بجهة تسخیر و تصرف ممالک هندوستان متصرفی انگلیس عساکر و جنود منصوره
پادشاهی را مامور و ارسال فرمایند و ولایات متصرفی انگلیس را ضبط و تسخیر نمایند
ماده یازدهم هرگاه کشتی فرانسه از صوب بنادر مملکت ایران ظهور و عبور نماید و بعضی
تدارکات و جزئیات و برخی اشیاء و ضروریات برای انها در کار باشد و لازم
گردد اهالی بنادر با ایشان همت و معاونت نمایند و در تدارک انها لوازم دوستی را
بعمل آورده اعانت نمایند ماده دوازدهم انکه جناب امپراطور اعظم خواهش
مینماید که پس بعد هرگاه بجانب هندوستان بجهة دفع انگلیس فرستادن لشکر ضرور
شود و اقتضا نماید که از جانب خشکی سپاهی بجهة هندوستان ارسال نمایند اعلیحضرت

پادشاه ایران اذن و اجازت بایشان عطا فرمایند که از هر راه و هر طرف که رای
جهان آرای شاهنشاهی اقتضا نماید بانها رخصت داده روانه هند شوند و سپاه ایران هم با ایشان
همراهی نموده [illegible]
اراده و عزیمت را داشته باشند موقوف است بر انکه مجدداً با اولیای دولت علیه ایران
در اینخصوص اظهار نموده چنانچه رای عالم ارای پادشاهی اقتضا فرماید در رخصت عبور ایشان
در بند عهدنامه مجددی در اینخصوص [illegible]
و کمیت لشکر انها را که چه قدر بوده باشد و اینکه ذخایر و ضروریات ایشان در کدام راه
و کدام منزل باید تدارک شود و چه مقدار سپاه ایران همراه بوده باشد یکی را قرار داده نموده
با اذن و رخصت اعلیحضرت پادشاه جمجاه ایران روانه هندوستان شوند و در خصوص این مطلب
باید با اذن و رخصت شاهنشاهی [illegible]
المطلب نموده مجدداً موقوف است بعرض اولیای دولت قاهره و اذن شاهنشاه عالمیان
پناه ماده سیزدهم انکه هرگاه بجهة کشتیهای فرانسه در حین عبور از بنادر ایران بعضی
از اشیاء و ذخایر ضرور شود اهالی بنادر بقیمه فروخته نحواً از فرانسه بازیافت دارند
همچنین هرگاه در عبور سپاه ایشان از راه خشکی ذخیره و بعضی اشیاء ضرور شود چنانچه
در ماده سابقه قلمی شده ذخیره و انچه بعساکر انها ضرور باشد اهالی ایران بایشان
فروخته

فروخته از قرار قیمت ایران نحواً بازیافت نمایند ماده چهاردهم انکه شروطی که در ماده
دوازدهم مرقوم شده مخصوص دولت فرانسه بود با دولت روسیه و انگلیس بهیچوجه من
الوجوه شروط مزبوره قرار داده نشود و در هیچ سمت بایشان راه عبور و مرور ندهند
ماده پانزدهم انکه بجهة امد و رفت تجار بنا بر انتفاع دولتین و امور متعلقه بتجارت
در دار السلطنه طهران بخاکپای مبارک اعلیحضرت پادشاهی عرض شده قرارداد
بجهة امور مزبور گذاشته شود و عهدنامه مجددی در خصوص مرقوم نمایند ماده شانزدهم
انکه انشاء الله تعالی این عهدنامه در دار السلطنه طهران بعد از چهار ماه از این تاریخ مبادله
شده و رضانامه بمهر مبارک اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاهی مزین شده تسلیم اولیای
دولت فرانسه و مهر جناب امپراطوری رضانامه ایشان تسلیم اولیای دولت علیه
ایران شود تحریراً در اردوی جناب امپراطور اعظم که محل گنتین بوده باشد فی شهر
صفر المظفر من شهور سنه ۱۲۲۲ هجریه

سواد اختیارنامه جناب اشرف امجد صدر اعظم دولت علیه ایران

از آنجا که مسطور [illegible] بالاستقلال اعظم [illegible]
مالک بالارث کل ممالک ایران بوده و همواره حفظ استحکام بنیان دوستی و اتحاد
و مراوده خالصانه و یکجهتی با دولت بهیه فرانسه بوده و میباشد لهذا از حسب صدور

این دستخط نامه همایون و حماه الدوله العلیه و صاحب نشان مطلای [illegible] و حامل
حمایل قرمز و صاحب نشان تمثال همایون از درجه اول و حامل شمشیر مرصع و عصای مکلل بالماس
و دارنده سرابه الماس و مروارید و صاحب نشان درجه اسم یونانی و حمایل سبز درجه مخصوص
صدراعظم و شمس اول و صاحب لقب آلتن جناب اشرف امجد ارفع میرزا آقا خان
صدراعظم دولت خود را وکیل مختار تعیین فرمودیم که هر نوع عهدی را که موجب حصول مسطور
سطور فوق و مایه کمال استقرار دوستی و یگانگی ما با اعلیحضرت کیوان رفعت بلند همت
خجسته فطرت شهریار عادل دولت یگانگ امپراطور اعظم ممالک فرانسه و مقرون بمصلحت
بداند با کارگزاران آن اعلیحضرت منعقد سازد و اعلیحضرت همایون ما با کمال شوق امضا
و تصدیق اورا خواهند فرمود و در اجرای آن عهدهای مراقبت را بظهور خواهند آورد ۲۴
شوال ۱۲۷۱

[illegible]

عهدنامه بلجیک و دولت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم چون اعلیحضرت خورشید رایت اقدس همایون ما پادشاه
اعظم و شاهنشاه افخم سلطان بالاستقلال کل ممالک ایران و اعلیحضرت لئوپولد
اول پادشاه بلجیک دختر باذل و نامدار مایل هستند که از دوستی و اتحاد خود مهد بکرد

[illegible]

تازه بهم رسد و بشرف تجارت ممالک خود را بیشتر از سابق محرک شوند لهذا مقرر داشتند
که عهدنامه منعقد شود و برای تقدیم این کار اعلیحضرت شاهنشاه کل ممالک ایران
جناب جلالتمآب مقرب الخاقان فرخ خان امین الملک سفیر کبیر دولت علیه ایران
صاحب تصویر همایون و حمایل آن و دارای کمر مکلل بالماس و غیره و غیره و غیره را و اعلیحضرت
پادشاه بلجیک ویکونت شارل ویلین چهاردهم وزیر امور خارجه خود را از اجزای مجلس وکلا
و دارای نشان مخصوص خود و صاحب نشانهای بزرگ خاج امنی دیس زالونه و سلک [illegible]
کنستانتن و یلا دلبوزا و سلک سن موریس و مرزار و صاحب نشان مجیدیه از مرتبه اول و صاحب نشان
بزرگ سلک امپراطوری عقاب سفید و سلک ستاره قطب شمالی و سن ژورژ و سلک
[illegible] و غیره و غیره را وکلای مختار خود تعیین نمودند و ایشان بعد از آنکه در یک جا
مجتمع شدند و اختیارنامه های خود را صحیح و بقاعده دیدند و موافق ترکیب رسمی دیدند فصول
آتیه را برقرار نمودند فصل اول فیمابین دولت علیه ایران و رعایای آن دولت و دولت
بهیه بلجیک و رعایای آن دولت بعد از این نیز دوستی صادق و اتحاد محکم خواهد بود
فصل دویم سفرای کبار و مامورین دیپلوماتیک که هر یک از دولتین متعاهدتین ممکن است
[illegible] یکدیگر مامور و مقیم سازند [illegible] رفتار [illegible] که در حق سفرای کبار و مامورین
دیپلوماتیک دول کامله الوداد و اتباع آنها معمول میشود با آنها همان رفتار [illegible] در حق

سفرای کبار و مامورین دیپلوماتیک دولتین علیتین و اتباع ایشان معمول و جاری
و همان امتیازات محفوظ خواهند بود فصل سیم تبعه دولتین علیتین متعاهدتین از قبیل
سیاحان و تجار و پیشه ور و غیر هم که در مملکتین سیاحت یا توقف نمایند بالسویه
از جانب حکام ولایات و رعایای طرفین عزت و حمایت قاورانه بهره مند خواهند
گردید و در حال سلوکی که نسبت با اتباع دول کامله الوداد منظور میشود در حق ایشان منظور
خواهد شد و بالمعاوضه ماذون و مرخص هستند که هرگونه امتعه و اقمشه و محصولات چه از
راه خشکی بمملکت یکدیگر بیاورند و از مملکت یکدیگر ببرند و بفروشند و مبایعه و معاوضه
نمایند و بهر بلدی که از بلاد مملکتین که بخواهند حمل و نقل نمایند و ماذون خواهند بود که خانها
و دکاکین و انبارها بجهت مسکن و امور تجارتی خود کرایه نمایند بی آنکه از جانب کارگزاران
دولتین ممانعتی بشود و بجهت امنیت رعایای دولت بلجیک که بخواهند بعزم سیاحت یا تجارت
در ممالک ایران سیر نمایند لازمه احکام و فرامین و تذکره که موجب رفع موانع و مایه تقویت
و حمایت باشد بایشان داده خواهد شد ولیکن این مقرر است که تجار طرفین که اقدام
بتجارت داخله مملکتین نمایند مطیع قوانین ملکی که محل تجارت مزبور باشد خواهند بود
فصل چهارم کشتیهای تجارتی طرفین و هرگونه امتعه و اقمشه که اتباع دولتین متعاهدتین
بمملکت یکدیگر نقل نمایند و یا از مملکت یکدیگر بیرون ببرند [illegible]

[illegible]

و اتباع دول کامله الوداد حین ورود امتعه و محصولات ایشان بولایات دولتین حین
خروج از مملکتین مطالبه بشود از ایشان نیز مطالبه خواهد شد و حق و وجه علیحده بهیچ اسم در دولتین
علیتین مطالبه نخواهد شد فصل پنجم در ممالک محروسه ایران اگر فیمابین اتباع دولت
بلجیک مرافعه یا مباحثه یا منازعه روی دهد طی گفتگو و اجرای عدالت تماما
بعهده وکیل یا قونسول دولت بهیه بلجیک خواهد بود اگر متوقف در محل و مکان مرافعه
و مباحثه و منازعه بوده باشد والا در مکانی که اقرب بمکان مزبور است خواهد بود وکیل یا قونسول
مزبور طی گفتگو را بروفق قوانین متداوله در مملکت بلجیک خواهد کرد و هرگاه مرافعه یا مباحثه یا منازعه
فیمابین تبعه دولت بهیه انگلیس و اتباع دولت علیه در مملکت ایران حادث گردد در
محلی که وکیل یا قونسول دولت بهیه بلجیک متمکن باشد مقالات مدعیین و تجسس و تحقیق
و اجرای حکم بعدل و انصاف در محکمه دولت علیه ایران که محل عادیه طی اینگونه امورات است
بحضور احدی از منتسبان وکیل یا قونسول دولت مزبوره خواهد بود هرگاه مرافعه یا مباحثه
یا منازعه در مملکت ایران فیمابین اتباع بلجیک و تبعه سایر دول خارجه وقوع و تحقیق
و اجرای حکم آن بعهده وکلا یا قونسولهای طرفین خواهد بود و کذالک گفتگو و منازعاتی
که فیمابین دولت علیه ایران و اتباع دولت بلجیک و تبعه سایر دول خارجه در ممالک
بلجیک اتفاق افتد قرار انجام آن بنحوی خواهد بود که با اتباع دول کامله الوداد در مملکت

ه نوبر معمول و مرعی میشود تبعهٔ دولت ایران در مملکت بلجیک و اتباع دولت بلجیک در مملکت ایران اگر متهم بگناهان کبیره گردند بهمینکه در مملکتین مزبورتین با اتباع دول کاملة الوداد رفتار میشود با ایشان نیز معمول و مرعی و قطع و فصل خواهد شد

فصل ششم در صورت وفات یکی از رعایای دولتین در ممالک طرفین در باب ترکهٔ میت همان رفتار معمول خواهد بود که نسبت به ترکهٔ رعایای دول کاملة الوداد مجری است

فصل هفتم دولتین معاهدتین بجهة حمایت اتباع و تقویت امور تجارت و فراهم نمودن اسباب معاشرت دوستانه و عادلانه فیمابین تبعهٔ جانبین اختیار نمودند که از طرفین سه نفر قونسول برقرار گردد قونسلهای دولت ایران در دار السلطنه بروکسل و آن ورس و لیئژ اقامت خواهند داشت و قونسلهای دولت بلجیک در دار الخلافه طهران و دار السلطنه تبریز و بندر ابوشهر مقیم خواهند بود و این قونسلهای دولتین معاهدتین بالسویه در محل متوقفه مسکونه مملکتین از اعزازات و امتیازات و معافاتیکه قونسلهای دول کاملة الوداد در ممالک جانبین محظوظند بهره یاب خواهند گردید [illegible] مأمورین دیپلوماتیک و قونسلهای دولت ایران رعایای بلجیک را [illegible] نه در ظاهر و نه در خفیه حمایت نخواهند کرد و مأمورین دیپلوماتیک و قونسلهای بلجیک رعایای ایران را نه در ظاهر و نه در خفیه حمایت نخواهند کرد و قونسلهای دولتین

مقابله شد

معاهدتین که در ممالک طرفین مشغول تجارت شوند مطیع خواهند بود بهمان قوانین و رسومی که سایر رعایای دولت متبوعهٔ ایشان که مشغول تجارت مزبوره میباشند مطیع هستند

فصل هشتم در صورت ظهور جنگ فیمابین یکی از دولتین معاهدتین و یک دولت دیگر خللی نخواهد رسید بدوستی و اتحادی که باید تا ابد فیمابین دولتین معاهدتین برقرار بماند

فصل نهم این عهدنامهٔ دوستی و تجارتی که بملاحظهٔ کمال صداقت و دوستی و اعتماد فیمابین دولتین محروستین ایران و بلجیک منعقد شده بعون الله تعالی از تاریخ روز مبادله امضانامجات طرفین تا ده سال از جانبین بصدق و راستی مرعی و محفوظ خواهد بود اما اگر یکسال پیش از انقضای این مدت معین هیچیک میل خود را در توقیف و اجرای این عهدنامه رسماً بدولت دیگر اعلام نکرده باشند عهدنامهٔ حال برقرار خواهد ماند تا مدت یکسال بعد از تاریخ [illegible] اعلام هر وقتی که اعلام مزبور ظاهر شود و وکلای مختار دولتین معاهدتین متعهد می کنند که امضانامجات پادشاه و دیگر خود را در ظرف دوازده ماه یا زودتر هر گاه میسر شود در طهران یا در بروکسل یا در اسلامبول مبادله نمایند و وکلای مختار دولتین علیتین معاهدتین این عهدنامهٔ مبارکه حاضره را بخط و مهر خود مختوم و مرقوم نمودند این عهدنامه در دو نسخه بزبان فارسی و فرانسه در بروکسل فی نهم شهر ذیحجة الحرام سنه ۱۲۷۳ هزار و دویست و هفتاد و سه هجری تحریر یافت

عهدنامهٔ ایران و هنسیران شهرآزاد

چون اعلیحضرت خورشید رایت اقدس همایون شاهنشاه اعظم و پادشاه بالاستقلال کل ممالک ایران و مجلس هنسیران شهرآزاد و انسه تیک لوبیک و مجلس هنسیران شهرآزاد و انسه تیک برم و مجلس هنسیران شهرآزاد و انس تیک هامبورگ هر از ایالات خود برقرار و بواسطهٔ عهد دوستی و تجارتی که بالسویه نافع و سودمند تبعهٔ متعهده خواهد بود مودت و اتحاد جانبین را محکم سازند لهذا برای تقدیم این کار اعلیحضرت شاهنشاه ایران جناب جلالتمآب مقرب الخاقان امین الملک فرخ خان سفیر کبیر دولت علیهٔ ایران دارای تقویر همایون و حمایل [illegible] صاحب کمر مکلل بالماس وغیره وغیره وغیره را و مجلس هنسیران شهرآزاد و انسه اتیک لوبیک و مجلس هنسیران شهرآزاد و انسه اتیک برم و مجلس هنسیران شهرآزاد و انسه اتیک هامبورگ سیور دلسان [illegible] وزیر مقیم خود را در نزد اعلیحضرت امپراطور فرانسه و کلای مختار خود تعیین نمودند و ایشان بعد از آنکه در پاریس مجتمع شدند و اختیارنامجات خود را مبادله کردند و موافق ترکیب رسمی دیدند فصول آتیه را برقرار نمودند فصل اول بعد الیوم فیمابین دولت علیهٔ ایران و رعایای آن دولت و جمهوریهای انسه اتیک و رعایای آن جمهوریها دوستی صادق و اتحاد محکم و برقرار خواهد بود فصل دوم سفرای کبار و ایلچیها

مقابله شد

مختار و سایر مأمورین دیپلوماتیک که هر یک از جوانب متعهده بخواهند بدربار یکدیگر مأمور و مقیم سازند همان رفتار و سلوکی که در حق سفرای کبار یا وزرای مختار دول کاملة الوداد و اتباع آنها معمول میشود بعینها همان رفتار نیز در حق سفرای کبار و وزرای مختار و سایر مأمورین دیپلوماتیک ممالک متعهده و اتباع ایشان معمول و مجری و بهمان امتیازات محظوظ خواهند بود فصل سیم تبعهٔ ممالک متعهده از قبیل سیاحان و تجار و پیشه ور وغیرهم که در ممالک یکدیگر سیاحت یا توقف نمایند بالسویه از جانب حکام و ولایات و دیوانی ممالک متعهده از قبیل سیاحان و تجار و پیشه ور وغیرهم که در ممالک یکدیگر سیاحت یا توقف نمایند بالسویه از جانب حکام و ولایات و وکلای ممالک متعهده اعزاز و حمایت قادرانه بهره مند خواهند گردید و در هر حال سلوکی که نسبت باتباع دول کاملة الوداد منظور میشود در حق ایشان نیز منظور خواهد شد و بالمعاوضه مأذون و مرخص خواهند بود که هر گونه امتعه و اقمشه و محصولات چه از راه دریا و چه از راه خشکی بمملکت یکدیگر وارد یا از مملکت یکدیگر ببرند و بفروشند و معاوضه نمایند و در کل ممالک متعهده حمل و نقل نمایند و لیکن این معبر است که تجار طرفین که اقدام تجارت داخله و خارجه نمایند مطیع قوانین ملکی که محل تجارت مزبوره است خواهند بود فصل چهارم کشتیهای متعلقه که اتباع ممالک متعهده بمملکت یکدیگر بیرون ببرند و چه گمرکی که در کشتیها و کالای اتباع

دول کاملة الوداد چنین ورود امتعه و محصولات ایشان بممالک جانبین و چنین خروج
از ممالک مزبوره مطالبه بشود از ایشان نیز مطالبه خواهد شد و هیچ حق و وجه علیحده و نوع
اسم و رسم در ممالک مزبوره مطالبه نخواهد شد فصل پنجم ممالک متعاهده بجهت حمایت تبعه
و تقویت امور تجارت و فراهم نمودن اسباب حصول معاشرت دوستانه تبعه دولتین
فیمابین تبعه جانبین اختیار نمودند که هر کدام سه نفر قونسول تعیین نمایند دولت علیه ایران
در هر یک از شهرهای اته اتیک مستقیم خواهند بود و قونسولهای شهرهای اته اتیک
در دارالخلافه طهران و بندر بوشهر و دارالسلطنه تبریز اقامت خواهند داشت این قونسولهای
ممالک متعاهده بالسویه در محل متوقفه مسکونه ممالک مزبوره از اعزازات و امتیازات
و معافاتی که قونسولهای دول کاملة الوداد در ممالک مزبوره محفوظند بهره یاب خواهند گردید
مامورین و سفرا و ماشیک و قونسولهای ایران رعایای اته اتیک را نه در ظاهر و نه در خفیه
حمایت نخواهند نمود و سفرا و ماشیک و قونسولهای اته اتیک رعایای ایرانی را نه در ظاهر و نه در خفیه
حمایت نخواهند کرد قونسولهای ممالک متعاهده که در ممالک یکدیگر مشغول تجارت
بشوند مطیع خواهند بود بهمان قوانین و رسومی که سایر رعایای دول متبوعه ایشان
که مشغول تجارت مزبوره میباشند مطیع هستند فصل ششم این عهدنامه دوستی و تجارتی
که بملاحظه کمال صداقت و دوستی و اعتماد فیمابین ممالک محروسه ایران و جمهوری

اته اتیک

اته اتیک منعقد شده است بعون الله از تاریخ روز مبادله امضانامجات طرفین
تا دوازده سال از جانبین بصدق مرعی و محفوظ خواهد بود اما اگر یکسال پیش از انقضای
این موعد مقرر هیچیک از ممالک متعاهده میل خود را در توقیف و اجرای این عهدنامه بسایر
بدولت دیگر اعلام نکرده باشد عهدنامه مزبور بر قرار خواهد ماند تا یکسال بعد از تاریخ
روز اظهار چنان اعلام هر وقتی که اعلام مزبور بظهور نماید ولیکن این مقرر است که اگر یکی
با جمعی از جمهوریهای اته اتیک بعد از انقضای دوازده سال موعد مقرره اعلام توقف
این عهدنامه را اظهار بدارند یا معمول نمایند این عهدنامه کلا برقرار است نسبت بآن
جمهوریهای اته اتیک که اعلام مزبور را [illegible] باشند و وکلای
مختار جانبین تعهد میکنند که امضانامجات دول متبوعه خود را در مدت یکسال یا زودتر
هر گاه میسر شود در طهران یا در اسلامبول مبادله نمایند وکلای مختار جانبین این عهد
نامه را بخط و مهر خود مرقوم و مختوم نمودند در پاریس در دو نسخه بزبان فارسی و فرانسه غره
شهر ذیحجه الحرام سنه ۱۲۷۲ هزار و دویست و هفتاد و دو هجری تحریر شد

عهدنامه دولتین ایران و اسپانیول

بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین دولتین علیتین ایران و اسپانیول بجهة ملاحظه
صرفه و صلاح تجار و عموم رعیت مملکتین و ترقی و وسعت دادن بصنعت تجارت

و تشویق این امر مهم که از مصالح معظم دولت است چنین یافتند که هیچ مقدمه مانند انعقاد
عهدنامه باین مهم چنین معین و مفید نخواهد شد لهذا هر دو علی السویه مناسب دیدند که اولا
از این مابین دولتین شوکتین و تبعه آنها اساس دوستی [illegible] موافق عهدنامه
مبارکه دوستی و تجارتی که بر نور حقانیت و عدالت آراسته شده است برقرار و پایدار
باشد برای اتمام و انجام اعلیحضرت فلک رفعت شمس برج جلالت نتیجه سلاطین نامدار
وارث تاج و تخت کیان صاحب اختیار ممالک وسیع المسالک ایران ظل الله
فی الارضین کهف الاسلام والمسلمین السلطان ابن السلطان ابن السلطان والخاقان
ابن الخاقان ابن الخاقان محمد شاه قاجار ابد الله ایام سلطنته از طرف قرین الشرف خود
عالیجاه معتمد الخاقان میرزا جعفر خان مهندس باشی عساکر منصوره ایلچی مخصوص دولت
علیه ایران در بار عثمانیه صاحب نشان مهر تمثال صورت همایون و نشان اول شیر
و خورشید مرصع و صاحب دو حمایل افتخار سبز و سرخ و نشان درجه اول افتخار دولت
علیه عثمانی را در ضمن اختیارنامه جداگانه در اینخصوص وکیل مطلق و مختار نموده و همچنین
بدر منیر ابهت و آفتاب درخشان سلطنت شکوفه نونهال بوستان جلالت السلطان
ازابیل ثانی که بنام نامی ایشان در ایام صغرسن امور سلطنت بلقب ولیعهدی حضرت
بالدومرا دسپرترو صاحب اختیار مملکت و یکتوار و مرلا محول است از طرف خود

[illegible]

جنیرال [illegible] صاحب نشان بسیار مشهور و ممتاز چارلس سیم ثالث
ممالک اسپانیول و صاحب نشان امیرقان سلطان ازابیل کاتلیک و صاحب نشان
عیسوی دولت پورتقال و صاحب نشان صدور دولت یونان و صاحب نشان [illegible]
مقدس بیت المقدس و صاحب نشان اول افتخار دولت علیه عثمانی اجرای امور سفارتخانه
حضرت سلطان ازابیل کاتلیک نویسنده خاص پادشاهی وزیر مختار دولت اسپانیول
در آستانه علیه را از قرار نوشته وکیل مطلق و مختار نام کرده مامورین مزبورین بعد
از نشان دادن و ملاحظه نمودن اختیارنامه یکدیگر همه را موافق رسم و ضابطه
قرار عهدنامه [illegible] که را در ضمن هشت ماده آتیه باین نهج دادند ماده اول بعد الیوم
مابین دولت علیه ایران و دولت بهیه اسپانیول و تبعه طرفین الی ماشاءالله
اساس دوستی صادق و محبت و موالات دائمه باقی و برقرار باشد ماده دویم تبعه
دولتین علیتین ماذون باشند که بآزادی و امنیت تمام بمملکت یکدیگر آمد و شد نمایند
و معامله تجارت و سیاحت کنند و خانه و دکان و حجره و انبار بقدر ضرورت امور
خود کرایه نمایند و از طرف مباشرین دیوان اعلی بهیچوجه ممانعت نشود بلکه بهر جهت
احوال ایشان مراعات نموده دقت کنند که بسیاحان و تجار طرفین هیچ نوع اذیتی

شود و بقدر مقدور با سرحجت و آرام انها سعی نمایند و در وقت ضرورت اعلام
و باشیر و عبور رعایا بهمها مرحمت شود و که کسی مانع نشود حمایت از انها کنند مادهٔ سیم
در حق تبعه دولتین شوکتین که بعنوان معامله و تجارت و یا بطریق سیاحت بمملکت
یکدیگر تردد مینمایند از زمان ورود تا وقت خروج لازمه احترام مرعی شود و از انها
هیچ اسم و رسم عوارض مطالبه نگردد مگر آنچه از امتعه انها در حین ورود و خروج در مملکت
یکدیگر بمثل تبعه دولت متحابه گمرک گرفته شود مادهٔ چهارم دولتین علیتین بجهة آسایش
و اطمینان تبعه خودشان که بخاک یکدیگر آمد و شد خواهند کرد مأذون خواهند بود که در
محل مناسب وکیل تجار اقامت کنند دولت علیه ایران مأذون خواهند ساخت
که یک نفر وکیل التجار از طرف دولت بهیه اسپانیول در دار الخلافه طهران و یک نفر دیگر
در دار السلطنه تبریز مقیم شود و همچنین دولت بهیه اسپانیول راضی خواهند گشت که
یک نفر وکیل از طرف دولت علیه در بندر پای تخت دولت مزبوره و یک نفر دیگر در
بندر برسلون و یا لیون محل ثانی در یک بندر دیگر که دولت علیه ایران مناسب دانند
وکیل تجار نصب نمایند مادهٔ پنجم هر وقت که در خصوص معامله و داد و ستد و غیره
مابین تبعه دولتین متعاهدتین گفتگو و نزاعی اتفاق افتد آن نزاع باید که با حضور
و اطلاع وکیل التجار و یا ترجمان آن دولت بموافق عادت و شریعت مملکت قطع و

فصل شود

فصل شود و اگر کار یک نفر تاجر از تبعه شوکتین علیتین معیوب شود و یا آن شخص ادعای
افلاس نماید باید از ملاحظه دفتر و ارسال محصول اموال و مطالبات او با اطلاع وکیل
تجار و یا ترجمان آن دولت قسمت غرما شود و هر قدر که از قرض آن مفلس باقی میماند از
بابت طلب او باید ذمه او را بری نموده تمسکات او را رد نمایند و همچنین و تمسکه
[illegible] با جمیع منقولات و دفتر او بوکیل تجار باید
تسلیم شود قرض و طلب او باستحضار وکیل تجار موافق شریعت مملکت جاری شود
مادهٔ ششم اگر یکی از دولتین متعاهدتین با دولت دیگر جنگ و محاربه داشته باشد
باید از این رهگذر بدوستی ابدی دولت علیه ایران و دولت بهیه اسپانیول بهیچوجه
خلل و قصوری نرسد مادهٔ هفتم این عهدنامه دوستی و تجارت که مابین دولتین
بنهج گذشته در ضمن هشت ماده قرار داد شده است بیاری خداوند یگانه امنای
دولتین متعاهدتین جمیع مواد انرا دائم مرعی داشته بهیچوجه بارکان آن خلل نرسانند
رسانید و انشاالله در مدت پنجاه و یا کمتر عهدنامه مزبور با مضا و مهر امنای دولتین
علیتین رسیده در اسلامبول مابین وکلای دولتین مبادله خواهد شد خاتمه این
هشت ماده که بتصدیق وکلای طرفین در دو نسخه بسیاق واحد انتظام پذیرفته
۱۲۵۸
بعد از مهر و امضای طرفین در دار الخلافه اسلامبول بتاریخ غره شهر [illegible]

بیستم محرم [illegible] بلیوی عرض و مبادله گردید محل امضا

صورت عهدنامه که فیمابین دولت علیه ایران و دولت بهیه سوئید در سنه ۱۲۷۳

در پاریس منعقد گردیده است

چون اعلیحضرت خورشید رایت اقدس همایون شاهنشاه اعظم و پادشاه بالاستقلال
کل ممالک ایران و اعلیحضرت اوسکار اول پادشاه سواد و نرووژ و ملک گوت و واندال
هر دو علی السویه اراده و تمنای صادقانه دارند که روابط دوستی فیمابین دولتین بر قرار
و بواسطه عهد دوستی و تجارتی که بالسویه نافع و سودمند تبعه دولتین باشد مودت
جانبین را مستحکم سازند لهذا برای تقدیم این کار اعلیحضرت شاهنشاه ایران جناب
جلالتمآب معتمد السلطان امین الملک فرخ خان سفیر کبیر ایران صاحب تصویر همایون
و حمایل [illegible] و غیره و غیره را و اعلیحضرت پادشاه
سواد و نرووژ [illegible] صاحب خود و ایلچی مخصوص و وزیر
مختار خود و صاحب نشان بزرگ ستاره قطبی و صاحب نشان شارل [illegible]
سن اولاف نرووژ و صاحب نشان بزرگ شیر نرلندی و دانبروگ و غیره و غیره را وکلای
مختار خود تعیین نمودند و موافق ترتیب رسمی دیدند و فصول آتیه را بر قرار کردند
فصل اول بعد الیوم فیمابین دولت علیه ایران و رعایای آن دولت و دولت بهیه

سواد و نرووژ

سواد و نرووژ و رعایای آن دولت دوستی صادقانه و اتحاد محکم بر قرار خواهد بود فصل دوم
سفرای کبار و وزرای مختار که هر یک از دولتین بخواهند بدربار یکدیگر مأمور و مقیم سازند
همان رفتار و سلوک که در حق سفرای کبار و وزرای مختار دول کاملة الوداد و اتباع
انها معمول و مجری و همان امتیازات محفوظ خواهند بود فصل سیم تبعه دولتین
متعاهدتین از قبیل سیاحان و تجار و پیشه ور و غیرهم که در مملکتین سیاحت یا توقف
نمایند بالسویه از جانب حکام ولایات و وکلای طرفین عزت و حمایت کاملا
بهره مند خواهند گردید و در هر حال سلوکی که نسبت باتباع دول کاملة الوداد منظور میشود در
حق ایشان نیز منظور خواهد شد و بالمنافقه مأذون و مرخص خواهند بود که هر گونه امتعه
و اقمشه و محصولات چه از راه دریا و چه از راه خشکی بمملکت یکدیگر بیاورند و از ممالک
همدیگر ببرند و بفروشند و مبایعه و معاوضه نمایند و هر بلدی از بلاد مملکتین که خواهند
حمل و نقل نمایند ولیکن این مقرر است که تجار طرفین که اقدام بتجارت داخله مملکتین
نمایند مطیع خواهند بود بقوانین آن ملکی که محل تجارت مزبور باشد فصل چهارم کشتیهای
تجارتی و هر گونه امتعه و اقمشه که اتباع دولتین متعاهدتین بممالک همدیگر نقل نمایند
و یا از ممالک همدیگر بیرون ببرند و جمع گمرکی که از تجار و اتباع دول کاملة الوداد
و از کشتیهای ایشان حین ورود امتعه و محصولات ایشان بولایات دولتین و

خروج از مملکتین مطالبه بشود از ایشان نیز مطالبه خواهد شد و حق و وجه علیحده بهیچ اسم
و رسم در دولتین متعاهدتین مطالبه نخواهد شد **فصل پنجم** دولتین متعاهدتین بجهة
حمایت اتباع و تقویت امور تجارت و فراهم نمودن اسباب حصول معاشرت
دوستانه و دائمی فیمابین جانبین چنین اختیار نمودند که از طرفین سه نفر قونسول برقرار
گردد و قونسولهای ایران در استوکهولم و کریستیانیا و گوتنبرگ مقیم خواهند بود
و قونسولهای سواد و نوروژ در دار الخلافه طهران و دار السلطنه تبریز و بندر ابوشهر
اقامت خواهند داشت قونسولهای دولتین بالسویه در محل متوقفه مسکونه مملکتین
از اعزازات و امتیازات و معافاتی که قونسولهای دول کاملة الوداد در ممالک محروسه
جانبین محظوظند بهره یاب خواهند گردید مامورین و وکلا [illegible] و قونسولهای ایران
و رعایای دولت سواد و نوروژ را نه در ظاهر و نه در خفیه حمایت نخواهند کرد و قونسولهای
دولتین که در مملکتین طرفین مشغول تجارت باشند مطیع خواهند بود بهمان قوانین و
رسومیکه سایر رعایای دولت متبوعه ایشان که مشغول تجارت مزبوره میباشند
مطیع هستند **فصل ششم** این عهدنامه تجارتی و دوستی که بملاحظه کمال صداقت
و دوستی و اعتماد فیمابین دولتین محروستین ایران و سواد و نوروژ منعقد شده است
بعون الله تعالی از تاریخ روز مبادله استمضانامجات طرفین تا دوازده سال از حالت

بصداقت و راستی مرعی و محفوظ خواهد بود و اما یکسال پیش از انقضای این موعد مقرره هرگاه
از دولتین متعاهدتین میل خود را در توقیف اجرای این عهدنامه رسماً بدولت دیگر اعلام نکرده
باشد عهدنامه حال برقرار خواهد ماند تا مدت یکسال بعد از تاریخ اظهار چنان مراتبی که اعلام
مزبور ظهور نماید وکلای مختار طرفین تعهد می کنند که استمضانامجات پادشاهی جانبین خود را
در مدت یکسال یا زودتر هرگاه میسر شود یا در پاریس یا در اسلامبول مبادله شود و وکلای
مختار دولتین متعاهدتین این عهدنامه را بخط و مهر خود مرقوم و مختوم نموده این عهدنامه را در دو نسخه
بزبان فارسی و فرانسه بتاریخ سیم ربیع الاول سنه ۱۲۷۳ هجری مطابق هفدهم نوامبر ۱۸۵۷
عیسوی تحریر یافت

صورت عهدنامه دانمارک که در سنه ۱۲۷۴ منعقد شده است

چون اعلیحضرت خورشید رایت اقدس همایون شاهنشاه اعظم و پادشاه بالاستقلال
کل ممالک ایران و اعلیحضرت فردریک هفتم بلطف خدا پادشاه دانمارک و طوایف و
واندال و گوت و دوک سلسویک هولشتین استورمارن و دیتمارسن و لاوانبورگ و اولدنبورگ
هر دو علی السویه اراده و تمنای صادقانه دارند که روابط دوستی فیمابین دولتین خود را
بواسطه عهد دوستی و تجارتی که بالسویه نافع و سودمند بتبعه دولتین باشد مودت
و اتحاد جانبین را مستحکم سازند لهذا برای تقدیم این کار اعلیحضرت شاهنشاه ایران

جناب جلالتمآب مقرب الخاقان فرخ خان امین الملک سفیر کبیر ایران صاحب تصویر
همایون و حمایل آبی و دارای کمر مکلل بالماس وغیره وغیره وغیره و اعلیحضرت پادشاه
دانمارک ایلچی مخصوص و وزیر مختار خود مقیم دربار اعلیحضرت امپراطور فرانسه بارون
ژان شارل دانیل [illegible] درکینک هولمفلد صاحب نشان بزرگ و
دانبروک و نشان افتخار سلک مزبور و صاحب نشان بزرگ استانیسلاس روس و [illegible]
[illegible] لیاقت اولدنبورگ [illegible] و استحقاق نظامی وغیره وغیره را
وکلای مختار خود تعیین نمودند و ایشان بعد از آنکه در پاریس مجتمع شدند و اختیارنامجات
خود را مبادله نمودند و موافق ترکیب رسمی دیدند فصول آتیه را برقرار کردند **فصل اول**
بعد الیوم فیمابین دولت علیه ایران و رعایای آن دولت و دولت بهیه دانمارک و
رعایای آن دولت دوستی صادق و اتحاد محکم برقرار خواهد بود **فصل دویم** سفرای کبار
و وزرای مختار که هر یک از دولتین متعاهدتین بخواهند بدربار یکدیگر مامور و مقیم سازند همان
رفتار و سلوکی که در حق سفرای کبار و وزرای مختار دول کاملة الوداد و اتباع ایشان معمول
میشود بعینها همان رفتار نیز در حق سفرای کبار و وزرای مختار دولتین متعاهدتین و اتباع
ایشان معمول و مجری و همان امتیازات محفوظ خواهند بود **فصل سیم** تبعه دولتین
متعاهدتین از قبیل سیاحان و تجار و پیشه ور و غیرهم که در مملکتین سیاحت و توقف نمایند

بالسویه از جانب حکام ولایات و وکلای طرفین بعزت و حمایت قادرانه بهره مند
خواهند گردید و در هر حال سلوکی که نسبت باتباع دول کاملة الوداد منظور میشود در حق ایشان
نیز منظور و مجری خواهد شد [illegible] و مرخص خواهند بود که هرگونه امتعه و اقمشه و مصنوعات
چه از راه دریا و چه از راه خشکی بمملکت یکدیگر [illegible] و از ممالک یکدیگر ببرند و بفروشند
و مبایعه و معاوضه نمایند و در هر بلدی از بلاد مملکتین که بخواهند حمل و نقل نمایند ولیکن
مقرر است که تجار طرفین که اقدام بتجارت داخله مملکتین نمایند مطیع خواهند بود بقوانین
ملکی که محل تجارت مزبور باشد **فصل چهارم** کشتیهای تجارتی و هرگونه امتعه و اقمشه
که اتباع دولتین متعاهدتین بممالک یکدیگر نقل نمایند و یا از ممالک یکدیگر بیرون ببرند
وجه گمرکی که از تجار و اتباع دول کاملة الوداد و از کشتیهای ایشان حین ورود امتعه
و محصولات ایشان بولایات دولتین و حین خروج از مملکتین مطالبه بشود از ایشان
نیز مطالبه خواهد شد و حق و وجه علیحده بهیچ اسم و رسم در دولتین متعاهدتین بجهة حمایت
اتباع و تقویت امور تجارت و فراهم نمودن اسباب حصول معاشرت دوستانه دائمی
فیمابین تبعه جانبین چنین اختیار نمودند که از طرفین سه نفر قونسول برقرار کرده و قونسولهای
ایران در کوپنهاغ و الثینور و التونا و قونسولهای دانمارک در دار الخلافه طهران
و دار السلطنه تبریز و بندر ابوشهر اقامت خواهند داشت قونسولهای دولتین

معاهدتین بالسویه در محل متوقفه سکونه مملکتین از اعزازات و امتیازات و معافاتیکه دولتهای
دول کاملة الوداد در ممالک محروسه جانبین محظوظ و بهره‌یاب خواهند گردید مامورین و ایلچیان
و قونسولهای دولت دانمارک رعایای ایران را ... در صورت حاجت ...
و قونسولهای دولتین معاهدتین که در ممالک طرفین مشغول تجارت باشند مطیع خواهند
بود و همین قوانین و رسومی که سایر رعایای دولت متبوعه ایشان که مشغول تجارت
مزبوره هستند مطیع هستند فصل ششم این عهدنامه تجارتی و دوستی که بملاحظه کمال
صداقت و دوستی و اعتماد فیمابین دولتین ایران و دانمارک منعقد شده بعون الله
تعالی از تاریخ مبادله امضانامجات طرفین تا دوازده سال از جانبین بصدق
و راستی مرعی و ملحوظ خواهد بود اما اگر یکسال پیش از انقضای این مدت مقرره هیچیک از دولتین
معاهدتین خود را در توقیف اجرای این عهدنامه رسما بدولت دیگر اعلام نکرده باشد
عهدنامه حال بر قرار خواهد بود تا مدت یکسال بعد از تاریخ اظهار چنان اعلام هر وقتیکه اعلام
موجبه ظهور نماید وکلای مختار طرفین تعهد می‌کنند که امضانامجات پادشاه و شاه
خود را مدت یکسال یا زود تر هر گاه میسر شود یا در پاریس یا در اسلامبول مبادله شود وکلای
مختار دولتین معاهدتین این عهدنامه را بخط و مهر خود مختوم نمودند این عهدنامه در دو نسخه بزبان
فارسی و فرانسه بتاریخ سیم ربیع الثانی سنه ۱۲۷۴ هجری تحریر یافت

[signature]

صورت عهدنامه هولند جاری خداوند

چون اعلیحضرت خورشید رایت اقدس همایون شاهنشاه اعظم و پادشاه بالاستقلال
کل ممالک ایران و اعلیحضرت گویلوم سوم پادشاه هولند امیر اورانژ ناسو دوک بزرگ لوکز
امبورگ و غیره و غیره و غیره هر دو علی السویه اراده و رغبت صادقانه دارند که روابط دوستی
فیمابین دولتین برقرار و بواسطه عهد دوستی و تجارتی که بالسویه نافع و سودمند تبعه دولتین
جانبین خواهد بود مودت و اتحاد جانبین را محکم سازند لهذا برای تقدیم این کار اعلیحضرت
شاهنشاه کل ممالک ایران جناب جلالتماب مقرب الخاقان فرخ خان امین الملک
سفیر کبیر دولت علیه ایران صاحب تصویر همایون و حمایل آبی و دارای کمر مکلل بالماس
و غیره و غیره و غیره را و اعلیحضرت پادشاه هولند مسیو رله اودمار آن طوان لیستیلوف امی
مخصوص و وزیر مختار خود در دربار اعلیحضرت امپراطور فرانسه صاحب نشانهای بزرگ
صلیب لاد تاج بلوط و نشان گره کوار و صاحب منصب بزرگ له ژیون دونر و غیره و غیره و غیره را
وکلای مختار خود تعیین نمودند و ایشان بعد از آنکه در پاریس مجتمع شدند و اختیار
نامجات خود را مبادله کردند و موافق قاعده رسمی دیدند فصول آتیه را بر قرار نمودند
فصل اول بعد الیوم فیمابین دولت ایران و رعایای آن دولت و جزایر و ممالک خارجه
آن دوستی صادق و اتحاد محکم و برقرار خواهد بود فصل دویم سفرای کبار و وزرای مختار

که هر یک از دولتین معاهدتین بخواهند بدربار یکدیگر مامور و مقیم سازند همان رفتار و سلوکی
که در حق سفرای کبار یا وزرای مختار دول کاملة الوداد و اتباع آنها معمول میشود بعینها با ایشان
رفتار نیز در حق سفرای کبار و وزرای مختار دول کاملة الوداد دولتین علیتین معاهدتین
و اتباع ایشان معمول و مجری و همان امتیازات محفوظ خواهند بود فصل سیم تبعه دولتین
علیتین معاهدتین از قبیل سیاحان و تجار و پیشه ور و غیرهم که در مملکتین سیاحت نمایند
و اقامت نمایند بالسویه از جانب حکام ولایات و وکلای طرفین عزت و حمایت قادرانه
بهره‌مند خواهند گردید و در هر حال سلوکی که نسبت باتباع دول کاملة الوداد منظور میشود
در حق ایشان نیز منظور خواهد شد و بالمفاوضه مأذون و مرخصند که هرگونه امتعه و اقمشه
و محصولات چه از راه دریا چه از راه خشکی بمملکت یکدیگر بیاورند و از مملکت همدیگر
ببرند و بفروشند و مبایعه و معاوضه نمایند و به هر بلدی از بلاد مملکتین که خواهند حمل و
نقل نمایند ولی این مقرر است که تجار طرفین که اقدام تجارت داخله مملکتین نمایند مطیع
قوانین ملکی که محل تجارت مزبوره باشد خواهند بود فصل چهارم کشتیهای تجارتی
و هرگونه امتعه و اقمشه که اتباع دولتین معاهدتین بمملکت یکدیگر نقل نمایند و بالاتر مملکت
همدیگر بیرون ببرند وجه گمرکی که از کشتیهای تجارتی و از تجار و تبعه دول کاملة الوداد حین
ورود امتعه و محصولات ایشان بولایات دولتین و حین خروج از مملکتین مطالبه

میشود از ایشان نیز مطالبه خواهد شد و حق وجه علیحده بهیچ اسم و رسم از دولتین مطالبه نخواهد شد
از این قانون عهدنامه حال مستثناست آنچه متعلق است بامتیازات مخصوصه که در جزایر خارجه
هولند در هند شرقی بطوایف آسیائی از شیئی بل شرقی بجهة حمل و نقل محصولات و امتعه ولایتی
خود داده شده یا بعد از این داده بشود و این مقرر است که در این خصوص نیز نسبت برعایای
دولت ایران همانطور رفتار خواهد شد که نسبت برعایای دول کاملة الوداد بوده
و امریک و آسیا غیر از آنچه منسوب است بطایفه آسیائی در هند شرقی معمول است
و بخصوصه رعایای دولت ایران همان حقوق را خواهند داشت که رعایای دولت مخصوص
فرانسه و عثمانی دارند فصل پنجم دولتین علیتین معاهدتین بجهة حمایت اتباع خود
امور تجارت و فراهم نمودن اسباب حصول معاشرت دوستانه و عادلانه فیمابین
تبعه جانبین چنین اختیار نمودند که از طرفین سه نفر قونسول بر قرار گردد و قونسولهای
دولت علیه ایران در لاهه و آمستردام و روتردام و قونسولهای دولت
هولند در دار الخلافه طهران و بندر ابوشهر و دار السلطنه تبریز اقامت خواهند
داشت این قونسولهای دولتین معاهدتین بالسویه در محل متوقفه سکونه مملکتین محروسه
از اعزازات و امتیازات و معافاتی که قونسولهای دول کاملة الوداد در ممالک
جانبین محظوظند بهره‌یاب خواهند گردید مامورین و ایلچیان و قونسولهای ایران

رعایای دولت هولاند را نه در ظاهر و نه در خفیه حمایت نخواهند کرد و مأمورین دیپلماتیک
و قونسولهای هولاند رعایای دولت ایران را نه در ظاهر و نه در خفیه حمایت نخواهند
کرد قونسولهای دولتین متعاهدتین که در ممالک طرفین مشغول تجارت شوند مطیع خواهند بود
بهمان قوانین و رسومی که سایر رعایای دولت متبوعه ایشان که مشغول تجارت مزبوره
میباشند مطیع هستند فصل ششم این عهدنامه دوستی و تجارتی حاضره که بعون الله علی
کمال صداقت و دوستی و اعتماد فیمابین دولتین ایران و هولاند منعقد شده بعون الله
تعالی از تاریخ روز مبادله تصدیق نامجات طرفین تا دوازده سال از جانبین بصدق
و راستی مرعی و محفوظند اما اگر یکسال پیش از انقضای این مدت مقرره هیچیک از دولتین
متعاهدتین میل خود را در توقیف و اجرای این عهدنامه رسماً بدولت دیگر اعلام نکرده باشند
عهدنامه حال برقرار خواهد ماند تا مدت یکسال بعد از تاریخ روز اظهار چنان اعلام
هر وقتیکه اعلام مزبور ظاهر شود وکلای مختار طرفین متعهد میکنند که امضانامجات
پادشاه دستگاه خود را در پاریس یا در اسلامبول در مدت شش ماه مبادله نمایند وکلای
مختار دولتین متعاهدتین این عهدنامه حاضره را بخط و مهر خود مختوم و مرقوم نمودند این عهد
نامه در دو نسخه بزبان فارسی و فرانسه در پاریس دهم شهر ذیقعده سنه ۱۲۷۳ هجری

عهدنامه منعقده با دولت ایطالیا در سنه ۱۲۷۹

چون اعلیحضرت خورشید رایت اقدس همایون ما پادشاه اعظم و شاهنشاه بالاستقلال
کل ممالک ایران و اعلیحضرت پادشاه ایطالیا هر دو علی السویه اراده و تمنای صادقانه
دارند که روابط دوستی فیمابین دولتین برقرار و بواسطه عهد دوستی و تجارتی که بالسویه
نافع و سودمند تبعه دولتین خواهد بود مودت و اتحاد جانبین را مستحکم سازند لهذا از برای
تقدیم این کار اعلیحضرت شاهنشاه ایران جناب جلالتماب میرزا سعیدخان وزیر امور دول
خارجه مؤتمن السلطان صاحب تصویر همایون مرصع بالماس و دارای شمایل و عصای مکلل
بالماس صاحب حمایل سرتیپی اول و نشان اول تاج آهن نشان اول لئوپول بلجیکان
اول و اتوریش و دانمارک نشان اقوال لوله سوید نشان اول مجیدیه دولت عثمانیه و سنت
استانی روسیه از درجه اول و نشان دویم لژیان دونور فرانسه و غیره و غیره و
اعلیحضرت پادشاه ایطالیا موسیو مرسل جروپی وزیر مختار و ایلچی مخصوص صاحب
نشان کمانده وید از نشان شاه سامورس و بنی و یدزار و نشان مجیدیه عثمانیه از درجه
دویم و نشان کماند و سه سور از دولت یونان و نشان چهارم از لژیول دونور
فرانسه و لئوپل بلجیک و غیره و غیره وکلای مختار خود تعیین کردند و ایشان بعد از
آنکه در طهران مجتمع شدند و اختیارنامه‌های خود را مبادله کردند و موافق قاعده
و شایسته دیدند فصول آتیه را قرار کردند فصل اول فیمابین دولت علیه ایران و دولت

ایطالیا و رعایای آن دولت دوستی صادق و اتحاد محکم و برقرار خواهد بود فصل دویم سفرای
کبار و وزرای مختار که هریک از دولتین متعاهدتین بخواهند بدربار یکدیگر مقیم سازند
همان رفتار و سلوکی که در حق سفرا یا وزرای مختار دول متحابه و اتباع آنها معمول میشود بعینها
همان رفتار نیز در حق سفرای کبار و وزرای مختار دولتین متعاهدتین و اتباع ایشان معمول و
مجری و همان امتیازات محفوظ خواهند بود فصل سیم تبعه دولتین علیتین متعاهدتین از
قبیل سیاحان و تجار و پیشه‌ور و غیرهم که در مملکتین محروستین سیاحت یا توقف نمایند
بالسویه از جانب حکام ولایات و وکلای طرفین بعزت و حمایت قادرانه بهره مند گردند
و در هر حال سلوکی که نسبت باتباع دول کاملة الوداد منظور میشود در حق ایشان نیز منظور خواهد
شد و بالمفاوضه ماذون و مرخصند که هرگونه امتعه و اقمشه و محصولات چه از راه دریا و چه
از راه خشکی بمملکت یکدیگر بیاورند و از مملکت همدیگر ببرند و بفروشند و مبایعه و معاوضه
نمایند و بهر بلدی از بلاد مملکتین که خواهند حمل و نقل نمایند ولیکن این مقررات
تجار طرفین که اقدام بتجارت داخله مملکتین نمایند مطیع قوانین آن ملکی که محل
تجارت مزبوره باشد خواهند بود فصل چهارم هرگونه امتعه و اقمشه که اتباع
دولتین علیتین متعاهدتین بمملکت یکدیگر نقل نمایند و از مملکت یکدیگر بیرون ببرند وجه
گمرکی که از تجار و اتباع دول کاملة الوداد حین ورود امتعه و محصولات ایشان

ولایات دولتین و حین خروج از مملکتین مطالبه میشود از ایشان نیز مطالبه خواهد شد
و حق و وجه علیحده بهیچ اسم و رسم در دولتین علیتین مطالبه نخواهد شد فصل پنجم در ممالک
محروسه ایران اگر فیمابین اتباع دولت ایطالیا مرافعه یا مباحثه یا منازعه روی دهد طی
گفتگو و اجرای عدالت آن بالتمام بعهده وکیل و قونسول دولت ایطالیا است
اگر متوقف در مکان و محل این مرافعه و مباحثه و منازعه بوده باشد والا در محکمی
که اقرب بمکان مزبور است خواهد بود و وکیل یا قونسول مزبور طی این گفتگو را بر وفق
قوانین متداوله در مملکت ایطالیا خواهد کرد هرگاه مرافعه یا مباحثه یا منازعه فیمابین تبعه
دولت بهیه ایطالیا و اتباع دولت علیه در مملکت ایران حادث گردد در حضور
که وکیل یا قونسول دولت ایطالیا مقیم باشد مقالات مدعیین و تحقیق و تدقیق
و اجرای حکم بعدل و انصاف در محکمه دولت علیه ایران که محل عادیه طی اینگونه
امورات است بالحضور احدی از منتسبان وکیل یا قونسول دولت مزبوره خواهد شد
هرگاه مرافعه یا مباحثه یا منازعه در مملکت ایران فیمابین اتباع دولت ایطالیا
و تبعه سایر دول خارجه واقع شود تحقیق و اجرای حکم آن بعهده وکلا یا قونسولهای
طرفین خواهد بود و کذالک گفتگوها و منازعاتی که فیمابین تبعه دولت علیه ایران و اتباع
دولت بهیه ایطالیا و سایر دول خارجه در ممالک محروسه ایطالیا اتفاق افتد

قرار انجام و اتمام آن بنحوی خواهد بود که با اتباع دول کامله الوداد در ممالک مزبوره معمول
و مرتب میشود و تبعه دولت ایران در ممالک ایطالیا با اتباع دولت ایطالیا در ممالک
ایران اگر متهم بکنایات کبیره کردند بهمانطوریکه در مملکتین مزبورتین با اتباع دول کامله الوداد
رفتار میشود با ایشان نیز معمول و مرتب و قطع و فصل خواهد شد فصل ششم هرگاه یکی
از اتباع دولتین علیتین در مملکتین وفات یابد ترکه او بتوسط قونسول متبوعه او با اتمام تسلیم
اقوام و وارث و صاحبان حقوق او خواهد شد در صورتیکه شخص میت را وصی یا وارث
شرعی نباشد متروکات او در مملکتین امانت بوکیل یا قونسول دولت میت تسلیم
میشود تا مشارالیه بعد از ادای قروضی که در ان مملکت بر عهده میت است بر وفق قوانین
متداوله در مملکت خود چنانکه شاید و باید در اینباب بعمل آورد فصل هفتم دولتین
معاهدتین بجهة حمایت و اتباع و تقویت امور تجارت و فراهم نمودن اسباب
حصول معاشرت دوستانه و معادلانه فیمابین تبعه جانبین چنین اختیار نمودند که از
طرفین سه نفر قونسول برقرار کردد و قونسولهای دولت ایران در دارالسلطنه طورن
و ژن و ناپل توقف خواهند داشت و قونسولهای دولت ایطالیا در دارالخلافه
طهران و بندر ابوشهر و دارالسلطنه تبریز مقرر خواهند بود و این قونسولهای دولتین
معاهدتین بالسویه در محل متوقفه مسکونه مملکتین از اعزازات و امتیازات

و معافاتیکه قونسولهای دول کامله الوداد در ممالک محروسه جانبین محظوظند بهره یاب
خواهند کردید مامورین دیپلوماطیک و قونسولهای ایطالیا رعایای دولت ایران را که در ظاهر
و نه در حقیقه حمایت نخواهند کرد قونسولهای دولتین معاهدتین که در مملکت طرفین مشغول
تجارت شوند مطیع خواهند بود بهمان قوانین و رسومی که سایر رعایای دولت متبوعه
ایشان انچه بدل خود شان که مشغول تجارت مزبوره میباشند مطیع هستند فصل هشتم
اینعهدنامه دوستی و تجارتی حاضره که بلاحظه کمال صداقت و دوستی و اعتماد فیمابین
دولتین مجروستین ایران و ایطالیا منعقد شده است بعون الله تعالی از تاریخ روز مبادله
امضاها مجات طرفین تا دوازده سال از جانبین لتصدیق و راستی مرعی و محفوظ خواهد بود
اما اگر یکسال پیش از انقضای اینمدت مقرر هیچیک از دولتین معاهدتین میل خود را بتوقف
اجرای اینعهدنامه رسماً بدولت دیگر اعلام نکرده باشد عهدنامه حال برقرار خواهد بود
تا مدت یکسال بعد از تاریخ روز اظهار چنان اعلام هر وقتیکه اعلام مزبور ظهور نماید
وکلای مختار دولتین معاهدتین تعهد میکنند که امضا نامجات پادشاه و نسخه
خود را در پاریس در ظرف شش ماه یا کمتر اگر مقدور کردد مبادله نمایند وکلای مختار
دولتین معاهدتین اینعهدنامه مبارکه حاضره را امضا و مهر خود را مرقوم و مختوم نمودند
در ۲۷ ربیع الاول ۱۲۷۹ در طهران میان جناب جلالتماب وزیر امور خارجه

و جناب مسیو چروتی وزیر مختار دولت ایطالیا منعقد و تحریر کردیده و در دو شنبه
۸ ربیع الثانی موسیو چروتی وزیر مختار بولایت خود معاودت نمود فصل هشتم
از انجا که منظور نظر همایون ما شاهنشاه بالاستقلال اعظم و شهریار بالاستحقاق اکرم
ممالک بالارث کل ممالک ایران همیشه همواره حفظ استحکام بنیان دوستی و اتحاد
و مراوده خالصانه یکجهتی با دولت بهیه ایطالیا بوده و میباشد لهذا از حسب صدور این
اختیارنامه همایون جناب جلالتماب میرزا سعید خان وزیر امور خارجه شرکس الملک
صاحب تصویر همایون مرصع بالماس و دارای شرابه و عصای مفضل بالماس صاحب حمایل
سرتیپی اول و نشان اهل تاج آهن و نشان اول لیوپل بلجیقا و نشان اول ... امور
... نشان اوال ... و نشان اول مجیدیه عثمانیه و نشانهای سیه
از مرتبه اول دویم ... و لنور فرانسه و غیره و غیره را وکیل مختار تعیین فرمودیم
که عهدنامه سابقه را با جناب موسیو چروتی وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت ایطالیا
به تغییر بعضی فقرات بنحویکه موجب حصول منظور مسطور فوق و مایه کمال استقرار دوستی
دیگر یکی ما با اعلیحضرت کیوان رفعت شهریار عادل دولت یکرنگ پادشاه ایطالیا
بوده باشد و مقرون بمصلحت بداند منعقد بسازد و اعلیحضرت همایون ما با کمال
شوق امضا و تصدیق انرا خواهیم فرمود و در اجرای آن منتهای توجه و مراقبت را ملحوظ
خواهیم فرمود

خواهیم اورد ۲۵ شهر ربیع الاول ۱۲۷۹

صورت قرارنامه بندر عباس که امام مسقط را بحکومت انجا داده اند ...
چون برحسب امر و اجازت اولیای دولت قاهره الباهره خلدالله تعالی دوام شوکة
دامره حکومت بندر عباس و جزیرتین قشم و هرموز و محال عیسی تا زمان و شمیل و میناب
و سبابان و بندر خمیر که هکلی ملک مختص دولت ایران است از قرار شروط و قیود شرایط
کامله مقرره منفصله لکارگذاران جناب جلالت و نبالت پناه مجدت و شوکت
انتباه شهامت و ایالت و نبالت همراه سید سعید خان امام مسقط و عمان و انباع
مفوض کردیم که از قرار همین شروط و قیود مقرره رفتار نموده و هیچ شرطی از شروط را مهمل
و متروک نگذارند اولا اینکه حاکم بندر عباس باید تابع اینه دولت باشد و مثل سایر حکام
فارس در اطاعت فرمانفرمای فارس باشد و نوشته خدمت اولیای دولت بسپارد که
من از تبعه دولت علیه ایرانم ثانیا همه ساله مبلغ شانزده هزار تومان از بابت مالیات
و پیشکش و تعارف از او بدار الخلافه طهران یا دارالعلم شیراز از قرار تفصیل در چهار قسط

تعارف جناب ...	...	پیشکش ...	...	...

کارسازی نموده از کارگذاران دیوان اعلی سند خرج بگیرند ثالثاً ...

در دور قلعه بندرعباس حفری نمودند سپر نمایند و بعد از این هم ابداً خندق را حفر
ننمایند رابعاً مدت بیست سال انحصار حکومت انجا بجناب امام مسقط و اولاد
او محول باشد بعد از انقضاء مدت بیست سال انجا را معمور و آباد بدولت واگذار نمایند
اگر در اثنا با اولیای دولت خواستند حکومت انجا را با امام مسقط و اولاد او واگذار
نمایند اگر در ثانی با اولیای دولت خواستند حکومت انجا را با امام مسقط و اولاد
او واگذار نمایند با امضای رأفت فرمان و دستورالعمل خواهند داد والا اختیار
خواهند داشت که خود متصرف کرده حاکم دیگر بگمارند خامساً بیدق دولتی با جقه نقش
مستحفظ بیدق و یکنفر تذکره چی همیشه در انجا بوده رعایت شرایط احترام بیدق
دولت را منظور دارند که در ماه چاپار دولت بجهة آوردن روزنامه و سرکشی بیدق
دولت و حمله بیدق بانجا بیایند و در ایام اعیاد و روز مولود مسعود بندگان
اقدس شهریاری روحنا فداه توپ شادی و مبارک باد را بلند آوازه سازند و همچنین
[illegible] توپ داده و نمایند سادساً حکام بندرعباس و رعایا و طایفه
ساکنین و تجار که در دست حاکم بندرعباس خواهند بود و در بیست سال خدمت دولت
کرده اند بهیچوجه در مقام ایذاء و اذیت و بهانه جوئی با آنها بر نیایند و طلبکاری
و سرپرستی از آنها بعمل بیاورند سابعاً حاکم بندرعباس سوای بندرعباس و جاهای

در عهد خاقان علیین آشیان فتحعلی شاه مبرور در دست داشته و حال نیز مرقوم است
زیاده از آن بجای دیگر دخل و تصرف نکنند ثامناً هر وقت فرمانفرمای فارس
یا حکمران [illegible] برسبیل تفرج و شکار خواسته باشند بانجا روند حاکم بندرعباس مثل سایر
حکام شرایط خدمتگزاری و استقبال و لوازم احترام را بعمل آورد تاسعاً اگر برای حکام
فارس یا ایران بجهة قشون لازم شود که قشون بصفحات کیچ و مکران و بلوچستان بفرستند مثل
سایر حکام ولایات از لوازم خدمت و رساندن سیورسات و بلد و بدرقه و اینطور چیزها
اهمال نکرده و خودداری ننمایند عاشراً اگر فرمانفرمای فارس حضوری در خدمتگذاری حاکم
بندرعباس شاهد [illegible] نماید محض اخبار بجناب امام مسقط بدون عذر و اهمال فوراً او را تغییر
کرده حاکم دیگر که امام مسقط مصلحت بداند و در اطاعت حاکم فارس باشد بجای او
بگمارد حادی عشر هر گاه از رعایای لارستان و سبعه و سایر مملکت فارس یا رعایای
[illegible] بانجا بیایند و یا بگریزند و فرار کنند بمحض اظهار و اعلام ضابط آن محل
بموطن اصلی خود مسترد دارد ثانی عشر اگر این شروط و قرارداد با جناب امام
مسقط سید سعید خان حی و حاضر و اولاد و اخوی داده است اگر متعلق ممالک عمان و مسقط
شود دولت ابد مدت را با او شروط و قراری نیست ثالث عشر مادام که بندرعباس
و جزایر [illegible] و [illegible] و میناب و سایر متعلقات آنها در دست کسان جناب

امام مسقط است احدی از مأمورین دول خارجه را در انجا راه ندهند و مشهود شود [illegible]
انجا را که در دست اوست براً و بحراً بانضمام هر مکان و محلی که استعداد و توقف جهاز و سفاین
و کشتی جنگی داشته باشد و لنگرگاه بر آن صادق آید که از جانب اولیای دولت [illegible]
با دست صراحتاً مشهود شود که جمیع حدود و ثغور انکه مذکور را از مداخله دست
عرب و اجنبی اعم از راه دوستی و دشمنی باشد محفوظ بدارد و فی سایر الاوقات بهیچوجه
نگذارد یک کشتی و بغله و جهاز و یکنفر محارب و دشمن با اسلحه یا بی اسلحه خواه عرب یا عجم
عرب یا از دول خارجه از حدود انکه مذکور بخیال عداوت یا دشمنی یا به بهانه دیگر با
ممالک این دولت و یا انکه در دست بندرعباس بگذارد رابع عشر امام مسقط حق ندارد
که بندرعباس و ولایات مزبوره را اگرچه شرایط مذکوره هم باشد بدیگری اعم از دول
خارجه و غیره واگذار نماید مگر باید بموجب قرارداد بمدت خود آن باشد و یکنفر از کسان
و منسوبان او در بندرعباس و آن ولایات از جانب او دخل و تصرف کند لاجرم شرایط
مرقومه باید عمل نماید خامس عشر از قراریکه تجار تبعه دولت علیه ایران بعرض رسانیدند
سابقاً شخص هندی مستاجر گمرکخانه مسقط عاملی از جانب خود مقیم بندرعباس نموده که
وجه مال التجاره تبعه دولت علیه ایران را که در بندرعباس حمل هندوستان و جای دیگر
[illegible]

حمل رسمی نیست بخواهیکه دارد ولایتی نشود و مع ذالک عشور انولایت را از آن وجوه
اخذ و دریافت کنند چون این فقره بدعت و خلاف قاعده است لهذا باید امام
مسقط این فقره را موقوف [illegible] بعد الیوم [illegible] شده باشد
اجناس مال التجاره که از طرف بر و بحر وارد عباسی شود انهم بنحویکه شیخ سیف و دیگر
[illegible] سادس عشر
[illegible] تجار [illegible] در جزیره قشم باید به بندرعباس آورده بتوسط عالیجاه خیرالحاج حاجی
عبدالحمید ملک التجار بندر بوشهر و وکلای تجار که ساکن عباسی هستند تحویل داده و
قبض الواصل دریافت و ارسال دارالخلافه طهران نمایند حرره فی عشرون من
شهر شعبان المعظم ۱۲۷۳ مطابق سال لوی ئیل بموجب تفصیل هذه سته عشر الفقره
و شروط المقررات المسطورات فی هذه الورقة الذی امضاء الدولة العلیة الایران
قرره و صحیح و قبول و ان شاء الله تعالی من بعد الیوم من طرفنا لا یقع اختلاف ابداً

[illegible] ۲۰ شهر شعبان صحیح است [illegible] سلطان
محل مهر او

سواد نوشته تبعیت حاکم بندرعباس است که اصل در خزانه نزد مقرب الخاقان
آقا محمد حسن صندوقدار ضبط است

بنده درگاه آسمان جاه سلطانی سعید ابن احمد خود را از تبعه و چاکران و وابستگان
دولت ایران صانها الله عن الحدثان میدانم حکومت عباسی و بندر تابین قشم و هرموز
و شمیل و میناب و بیابان و عیص و تازیان که واگذار باین بنده درگاه آسمان جاه سلطانی
شده است متعهد است که بجز قط دیوانی بندر عباس و سایر را موافق تشخیص و در رقم مرحمت
شیم قط بقط بدون تعطیل کارسازی تمام و سند و خرج سخه خود سازم و در رهبرستی انجا
را با دانی انحاء کمال اهتمام را بعمل آورم و امری که منافی رای اولیای دولت قاهره باشد
بران اقدام ننمایم و اگر خدای نخواسته سهوا ترک اولی و خلاف حکمی از بنده درگاه
صادر شود و تخلفش با ولیای دولت بهیه باهر چه بخواهند مختارند حرره ۲۰ شهر شعبان سیچقان
ئیل خیریت تحویل ۱۲۷۲ اقر و اعترف اقل العباد بانه من المطیعین الثابتین
لهذه الدولة العلیه فی الاوامر و النواهی فی خدمات الدیوان الاعلی بالصدق
و الاخلاص و الکمال الدیوان قط بعد قط بلا اهمال کتبه اقل العباد سعید ابن
احمد بن ناصر سیده حرره فی یوم ۲۰ شهر شعبان ۱۲۷۲

صورت عهدنامه دولت یونان در یوم جمعه چهارم شهر ربیع الاخر ۱۲۷۱
دولت ... به عقد ... ۲۲

بسم الله الرحمن الرحیم چون اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاه مالک الاستقلال کل ممالک
محروسه ایران و اعلیحضرت اوتون اول پادشاه یونان ملک افخم جوانمرد مهر و دیگری
تمنای صادقانه دارند که روابط دوستی فیمابین دولتین برقرار و بواسطه انعقاد عهدنامه
نامه دوستی و تجارتی و سیر سفینه که بالسویه نافع و سودمند تبعه دولتین متعهدتین
باشد مودت و اتحاد جانبین را مستحکم سازند لهذا برای تقدیم این کار اعلیحضرت
شاهنشاه ایران جناب فخامت نصاب مقرب الخاقان حاجی میرزا حسینخان ایلچی مخصوص
و وزیر مختار خود مامور دربار دولت عثمانی صاحب نشان شیر و خورشید از درجه
اول با حمایل سبز و صاحب نشان اول سرهنگی و سرتیپی با حمایل مخصوص انها و صاحب
نشان درجه اول مجیدیه و صاحب نشان درجه اول ملک شمشیر سوید و نور دیرو و صاحب
نشان درجه اول لیوپولد و صاحب نشان سنت انا از درجه دویم مکلل بالماس و
دارای کمر مرصع و غیره و غیره و غیره را و اعلیحضرت پادشاه یونان جناب مسیو ارکس
ریزی ایلچی مخصوص و وزیر مختار خود مامور دربار دولت عثمانی صاحب نشان سنت
سوور از درجه پنجم و غیره و غیره و غیره وکلای مختار خود تعیین کردند و ایشان بعد از
آنکه در اسلامبول مجتمع شدند و اختیارنامه های خود را مبادله نمودند و موافق به
رسمی دیدند فصول آتیه را برقرار کردند فصل اول من بعد فیمابین دولت علیه ایران
و رعایای آن دولت و دولت بهیه یونان و رعایای آن دولت دوستی صادق و اتحاد

محکم برقرار خواهد بود فصل دویم سفرا و مامورین دیپلوماتیک که دولتین علیتین متعاهدتین
بدربار یکدیگر مامور و مقیم سازند در مملکتین نسبت بایشان و اتباع سفارت ایشان
همان پذیرائی و رفتار خواهد شد که در حق سفرا و سایر مامورین دیپلوماتیک دول
کاملة الوداد میشود و در هر باب از همان تشریفات و معافات و امتیازات بهره ور
خواهند بود فصل سیم تبعه دولتین علیتین متعاهدتین من بعد ماذون خواهند بود که بآزادی
تمام در ممالک طرفین سیر نمایند و از خاک یکدیگر بممالک همجوار بگذرند فی اینکه کارگذاران
ولایتی مانع ایشان شوند بل کمال دقت را خواهند کرد که ایشان را از هر نوع مرارت محفوظ
بدارند و همیشه برامنیت شخصی ایشان مراقبت نمایند و در حق ایشان بقدر امکان
التفات و رعایت کنند که در مدت سفر و سیاحت بهیچوجه تعرض و تعدی بر ایشان
وارد نیاید و بجهة حصول این مقصود تذکره عبور و فرامین و سایر ناجات بر ایشان اعطا
خواهد شد فصل چهارم رعایای دولتین علیتین از صنوف تجار و پیشه وران و دیگران
که برای مصالح خود بممالک جانبین بروند از حین دخول تا وقت خروج نسبت بایشان
همان رعایت و پذیرائی و رفتار خواهد شد که نسبت برعایای دول کاملة الوداد
میشود بنابراین تبعه دولتین علیتین متعاهدتین ماذون خواهند بود چه از راه خشکی و چه
از راه دریا بآزادی تمام امتعه بممالک یکدیگر بیاورند و در ولایات طرفین حمل

و نقل نمایند و در تمام وسعت ممالک دولتین موافق قواعد و قوانین جاریه ولایات
طرفین تجارت نمایند و خانها و انبارها و دکاکین بجهة امور خود اجاره کنند و از
ایشان هیچ اسم و رسم و بهانه مالیات مطالبه نخواهد شد مگر آنچه که از رعایای دول
کاملة الوداد مطالبه میشود و این مقرر است که هر اختصاص و حق امتیازی که دولتین
علیتین متعاهدتین بیک دولت ثالث بدهند همان اختصاص و حق و امتیاز بر رعایای
دولتین اعطا خواهد شد بغیر از اختصاصات و امتیازاتی که یکی از دولتین متعاهدتین
بدولت ثالثی بنا بر اطمینان تحصیل عوض در مقابل داده باشد و این نیز مقرر است
که هر یک از دولتین متعاهدتین باوجود دادن عوض بالمساویه مستحق خواهش همان امتیاز
خواهد بود و مشروط بر اینکه آن عوض بالمساویه قابل رضا و موجب قبول طرف دیگر باشد
رعایای دولتین علیتین متعاهدتین که در مملکت یکدیگر تجارت داخله نمایند در باب
تجارت مزبوره مطیع آن قوانین خواهند بود که محل تجارت مزبوره است صاحب منصبان
و مامورین بار رعایای دولت علیه ایران به عنف داخل خانها و انبارها و دکاکین تبعه
یونان نخواهند شد در صورت لزوم باید در هر جائیکه مامور دیپلوماتیک یا قونسول
یونان باشد پیش از وقت اخبار کنند که مشار الیهم نیز از طرف خود وکیل یا عمله را
در موافقت خواهش کارگذاران ولایتی خواهند کرد و هیچ تجسس خانگی جایز نخواهد بود



نکرده بحضور بانچه که مامور و قونسول مشار الیهم معین کرده باشد و در جائیکه مامورین قونسول
یونان نباشد در این باب نسبت به تبعه دولت مشار الیها همان رفتار خواهد شد
که نسبت برعایای دول کاملة الوداد میشود در جائیکه از دولت مشار الیها مامورین قونسول
نیست **فصل پنجم** رعایای دولت بهیه یونان که بممالک محروسه ایران امتعه میبرند
یا از ممالک مزبوره حمل بخارج مینمایند درباب حقوق گمرک نسبت بایشان همان
رفتار خواهد شد که نسبت برعایای دول کاملة الوداد معمول میشود و همچنین رعایای
دولت علیه ایران که بممالک یونان امتعه میبرند یا از ممالک مزبوره حمل بخارج مینمایند
درباب حقوق گمرک و مالیات نسبت بایشان همان رفتار خواهد شد که نسبت برعایای
دول کاملة الوداد میشود **فصل ششم** کشتیهای تجارتی که در بنادر مملکتین مزبورتین
داخل شده اقامت خواهند کرد چه خالی و چه مملو از امتعه تجارت از حین دخول
تا وقت خروج بهره مند از جمیع مراعات و امتیازات خواهند شد و مجبور باداء
وجه مالیه دیگر یا بیش از آنچه از کشتیهای دول کاملة الوداد مطالبه میشود نخواهند شد
هرگونه امتعه و محصولات بدون تعیین محل خروج و دخول آنها که بواسطه کشتیهای
دولتین متعاهدتین حمل و نقل خواهد شد و چه گمرکی که از کشتیهای دول کاملة الوداد
علیحده چه در حین ورود امتعه و محصولات بممالک جانبین و چه در حین خروج

مطالبه میشود

مطالبه میشود از ایشان نیز مطالبه خواهد شد **فصل هفتم** هرگاه کشتیهای دولت علیه
ایران یا دولت بهیه یونان در بنادر و سواحل ممالک جانبین غرق شوند معاونت
لازمه که بسایر دول کاملة الوداد میشود بعینها نیز بآنها داده خواهد شد **فصل هشتم** بجهة
حمایت تبعه و تجارت جانبین و بجهة تسهیل مراودات حسنه و معادلانه فیمابین رعایای
طرفین دولتین علیتین متعاهدتین برای خود این حق را اختیار میکنند که هریک سه نفر
قونسول معین نمایند قونسولهای دولت علیه ایران در آتن و سیرا و در یکی از بنادر
دیگر که بعد باید معین شود اقامت خواهند کرد و قونسولهای دولت بهیه یونان
در دار الخلافه طهران و دار السلطنه تبریز و در یکی از بنادر خلیج فارس که بعد باید معین
شود اقامت خواهند کرد قونسولهای مملکتین چه شخصا و چه برای اجرای ماموریت
و چه برای خانه خود و چه برای مامورین و خدمه ایشان بهره یاب خواهند بود از آن
احترامات و امتیازات که در حق قونسولهای هم رتبه و مامورین تجارتی دول کاملة الوداد
مرعی و معمول میشود و در حالت ظهور اغتشاش ولایتی باید که بموجب استدعای قونسولها
بجهة حفظ و حراست خانه قونسلگری لازمه مستحفظ مامورین دیپلماتیک و قونسولهای
یونان بنماید که نه در خفیه و نه در ظاهر هیچ یک از تبعه دولت علیه ایران را که در خدمت
سفارت یا قونسول جنرال یا قونسول و وکلای قونسول دولت یونان باشند حمایت

نکنند و این مقرر است که اگر یک قونسول یا وکیل قونسول یا مامور قونسول دولت بهیه
یونان در ممالک محروسه ایران مشغول تجارت شود درباب تجارت خود مطیع خواهد
بود بهمان قوانین و رسومیکه درحق رعایای دولت متبوعه او جاریست سفراء و قونسولهای
دولتین علیتین متعاهدتین برای خدمات خود مترجم و هر خدمه خانه و ملازم را که مناسب دانند
نگاه خواهند داشت بدون تشخیص تبعیت آنها هرگاه اتفاقا یکی یا اکثری از آن اشخاصیکه
در خدمت مشار الیهم هستند مرتکب حرکات ناشایست شوند سفیر و قونسولیکه در خدمت
خود او را دارد باید که بمحض اظهار کارگذاران ولایتی او را از خدمت خود اخراج نماید در صورتیکه
آن مامور و ملازم مزبور از تبعه آن دولت باشد **فصل نهم** مرافعات و مباحثات و
منازعاتیکه در ممالک محروسه ایران فیمابین رعایای یونان و یا فیمابین تبعه یونان و
رعایای خارجه واقع شود قطع و فصل آن موافق قواعد و رسومیکه در ممالک جانبین
درحق سایر رعایای دول کاملة الوداد مقرر و معمول است خواهد شد مرافعات و
مباحثات و منازعاتیکه در ممالک محروسه ایران فیمابین رعایای ایران و رعایای
یونان واقع شود رجوع بدیوانخانهای ایران خواهد شد ولی قطع و فصل و حکم مرافعات
دعاوی جایز نخواهد بود مگر در حضور مامور دیپلماتیک یا قونسول یونان یا مامور
او در حضور یک مترجم یونانی در هر حال موافق همان رفتار و سلوکی که در حق سایر

دول کاملة الوداد

دول کاملة الوداد معمول و مجری است درباب جرایم کبیره هرگاه رعایای دولت بهیه
یونان در ممالک محروسه ایران و یا رعایای دولت علیه در مملکت یونان متهم بگناهان
کبیره گردند بنحوی که در ممالک جانبین موافق قواعد مقرره معموله درحق سایر رعایای دول
کاملة الوداد در این باب معمول میشود با ایشان نیز معمول و مرعی خواهد شد هرگاه یکی
از اتباع دولتین در مملکتین محروستین وفات یابد متروکات او را تماما بالتمام بوکیل یا قونسول
دولت متبوعه متوفی تسلیم خواهد شد تا مشار الیه موافق قوانین متداوله در مملکت خود چنانکه
شاید و باید در آن باب معمول دارد **فصل دهم** هرگاه فیمابین یکی از دولتین متعاهدتین
و یک دولت دیگر جنگ واقع شود محض این سبب هیچ نوع خلل و ضرر و تغییری بمراودات
حسنه و بدوستی صادقانه که باید الی الاباد فیمابین دولتین علیتین ایران و یونان برقرار باشد
نخواهد رسید **فصل یازدهم** این عهدنامه دوستی و تجارتی که بملاحظه کمال صداقت و وداد
و اتحاد فیمابین دولتین محروستین ایران و یونان منعقد شده است بعون الله تعالی از تاریخ
رد و بدل امضاء نامجات تا دوازده سال از جانبین بصدق و راستی مرعی و محفوظ خواهد
بود و اما اگر یکسال پیش از انقضای موعد مقرره هیچ یک از دولتین میل خود را در فسخ
و اجرای این عهدنامه رسما بدولت دیگر اعلام نکرده باشد عهدنامه حاضره برقرار
خواهد بود تا مدت یکسال بعد از انقضاء همان اعلام هر وقتی که اعلام مزبور ظهور نماید

و وکلای مختار و ولیان معاهدتین تعهد میکنند که امضانامجات پادشاه و نگاه خود را در
اسلامبول در ظرف سه ماه یا کمتر اگر مقدور گردد مبادله نمایند وکلای مختار و ولیان متعاهدتین
این عهدنامه مبارکه حاضره را بخط و مهر خود مرقوم و مختوم نمودند این عهدنامه در دو نسخه بزبان
فارسی و فرانسه در تاریخ بیست و چهارم شهر ربیع الاخر یکهزار و دویست و هفتاد و چهار هجری
مطابق شانزدهم ماه اکتوبر یکهزار و هشتصد و شصت و یک سند علیحده در اسلامبول منعقد
شد

صورت قرارنامه که از جانب دولت علیه ایران در باب قندهار با سردار معظم
[illegible] سردار رحمدل خان مقرر نموده اند مورخه شهر جمادی الاخری بوشت [illegible]
این نسخه مهر جناب صدر اعظم رسیده بسردار الیه داده شد

بسم الله الرحمن الرحیم نظر باینکه مرحوم سردار کهندل خان در خدمت اولیای دولت
علیه ایران از سایر افغانستان حسن خدمت و سبقت خود را ظاهر ساخت کمال
[illegible] و اهتمام از اولیای دولت علیه مبذول خواهد افتاد که ملک قندهار را از تصرف
امیر دوست محمد خان بیرون آورده بتصرف عمدة الامراء العظام سردار رحمدل خان
و اولاد مرحوم کهندل خان بدهند که حکومت آنجا بسردار رحمدل خان تعلق داشته
باشد و سایر خانه واده نیز کما فی السابق در جای خویش نان و گذران داشته
[illegible]

و این اوقات که سردار معزی الیه و کالة از جانب خود شیخ الامراء العظام سردار محمد علم خان
پسر ارشد خود را بر کاب مبارک سرکار اقدس اعلیحضرت شاهنشاه ایران صانها الله عن الحدثان
فرستاده بود اولیای این دولت جاوید مدار خواهش کردند که سردار معزی الیه را از مکنونات
خاطر خود مستحضر سازند حسب الامر الاقدس بترقیم این صفحه پرداختند که سردار معزی الیه مطلع
گشته با اطمینان خاطر خدمت دولت را از کف نگذارد

چنانکه سرداران قندهار از عهد شاهنشاه مبرور انار الله برهانه در خدمت دولت ایران
نسبت بسایر افغانستان سبقت خدمت جستند از جانب سنی الجوانب اعلیحضرت شاهنشاه
جهان پناه ایران نیز در شمول مکرمت و ظهور مرحمت بر سایر سرداران قندهار سبقت داشته
باشند و در مقام ارجاع خدمت بیشتر و برتر از سایر افغانستان باشند
دولت علیه ایران در قندهار و سایر افغانستان بطرز تملک و لقاحت مداخله نخواهد نمود
و خواهش الیات [illegible] چه و دیناری نخواهد کرد مگر اینکه بمیل خواطر خودشان پیشکش تقدیم نمایند
اولیای دولت علیه قبول خواهند فرمود و همیشه بکلاه و احسانات و مکارم ملوکانه از
جانب سنی الجوانب همایون اعلیحضرت شاهنشاهی صانها الله تعالی ایام شوکته عن التناهی
مفتخر و سرافراز خواهند گردید دولت علیه ایران هریک از سرداران افغانستان را
در قندهار یا کابل در حکومت ولایت خود مستقل و مستقر میخواهند و راضی نخواهند

ابدا یکی از آنها بدیگری مستولی و مستقل شود و مداخله در ولایت دیگری کند البته دولت
ایران از حمایت طرف ضعیف دریغ نخواهند نمود که هریک در مملکت متعلقه بخود استقلال
و استقرار داشته باشد دولت ایران بعد از فتح هرات قشون ساخلو در قندهار
نخواهد گذاشت مگر اینکه سردار رحمدل خان اگر برای تقویت خود خواهش کند هر قدر که
او خواهش داشته باشد موقتا گذاشته میشود که آنهم باختیار سردار معزی الیه باشد و بعلاوه
کمال استقلال و استقرار سردار معزی الیه برقرار داشته میشود اگر احیانا از دولت اجنبیه
از خارج بقصد مداخله و لقاحت افغانستان عموما و قندهار خصوصا بخصوصی روی دهد
البته دولت ایران از فرستادن قشون و تحمل اخراجات بهیچوجه مضایقه نخواهد
نمود که هر قسم باشد دفع دشمن و معاندان را از آنها بکنند و همچنین سردار رحمدل خان
نیز نمیباید اگر از برای این دولت از دولت اجنبی و همسایه دشمنی بهم رسید یا آنکه
دولت در داخله خراسان یا جای دیگر قشونی ضرور شود از قندهار بقدر مقدور
در دادن قشون و موافقت با قشون کوتاهی نماید بدیهی است از دولت برای اخراجات
آنها و علوفه معین خواهد شد ایامی که قشون دولت در طرف قندهار خواهد
بود خواه برای دفع دشمن سردار رحمدل خان و قندهاری و خواه برای دفع دشمن
دولت علیه البته سردار رحمدل خان بقدر قوه در سیورسات قشون دولت مساعدت

خواهد نمود و علاوه از آنچه سردار رحمدل خان از خود سیورسات قشون دولت کمک خواهد نمود
در تسهیل ابتیاع سیورسات جهة قشون دولت لازمه اهتمام را بعمل خواهد آورد و اگر خدای نکرده
از دشمن خارج دهن و سستی در کار سرداران قندهار روی دهد که نتوانند در قندهار زندگانی
نمایند و تملک این دولت بیایند در دولت ایران معزز و محترم خواهند بود و برای سکنی و
محل اقامت آنها قراری شایسته خواهند داد و قراری برای مدد معاش آنها داده خواهد شد
که از این رهگذر آسوده باشند در باب سرداران قندهاری و اولاد مرحوم کهندل خان
و قرار مدار آنها حرف سردار رحمدل خان بر همه مقدم خواهد بود و بصوابدید سرداری معزی الیه
قرار خواهند داد بلکه هریک از سرداران که مصلحت ندانند در قندهار بمانند اولیای دولت
علیه نخواهد گذاشت مداخله ممالک ایران خواهند آورد و لیکن اخراجات آنها را باید سوای
قرار داد اولیای دولت علیه سردار معزی الیه از قندهار ببرند که مدار معاش او
در ایران نشود جمیع حجاج و زوار و عابرین و مترددین افغانستان عموما و قندهار
خصوصا در هر جای از ممالک محروسه هستند از احدی با آنها آزار و اذیت نخواهد شد و در گمرک
و سایر چیزها مثل سایر تبعه دولت علیه ایران با آنها رفتار میشود که در هر جا مثل سایر تبعه
این دولت آسوده و مرفه الحال باشند و از خاندان سرداران قندهار اناثا و ذکورا کلا
و فاغنه از فقرا و غربا و علما و هر که خواسته باشد بجهة زیارت مشهد مقدس و نجف اشرف

و کربلای معلا و مکه معظمه بروند کسی مانع انها نخواهد شد و در خاک ممالک محروسه برخلاف نگذارند

چون غرض اصلی از وجود سلاطین که ظل الله فی الارضین اند اصلاح در فاء عباد است
هرگاه اولیای دولت علیه اطلاع بر حال مظلوم و ملهوفی بیابند و بجهه اصلاح امر آن
در ماهیت رعیت نسبت بکسی مرحمتی یا وظیفه مقرر کنند یا تخفیفی به تجار و بدهند سرداران
قندهار حکم اولیای دولت علیه را مجری و ممضی خواهند داشت که موجب مزید دوام دولت
و آبادی و استحکام حکومت سرداران خواهد بود و اینقدر اولیای دولت علیه معلوم ایشان
است اگر ولایت نباشند که مظلوم و ملهوفی برسند بلکه اگر مظلوم و ملهوفی بهم رسید که باولیای
دولت علیه عرض نماید حکمی که از جانب دولت صادر گردد معمول و مجری دارند

در خصوص تجار و عابرین ولایات ایران چونکه دولت ایران نسبت بحجاج و زوار و تجار
قندهار سلوک میکنند سرداران قندهار نیز با انها سلوک کرده از شر تعدی جهال و اشرار خود
و حجاج قطاع الطریق محافظت و صیانت نمایند و اگر تعدی بر آنها بشود در مقام تدارک
و تلافی برآیند یک شخصی از جانب دولت همیشه در قندهار باشد که بمراقبت
و تفقدی امور رعیت ایران و بعضی از تابعین مخصوص دولت علیه آنجا باشد که هرگاه نسبت
بانها تعدی شود یا امری که بحاکم رجوع شود اتفاق افتد در اینخصوص آن شخص مخصوص
خواه از اینجا مقرر شود خواه از همانجا مقرر بشود [illegible] اینقدر باشد که [illegible]

اراده خواسته شود اولیای دولت علیه ایران این شرایط را در باره حفظ [illegible]
سرداران افغانستان مرعی و منظور خواهند داشت مادام که انها چشم و گوش بطرف اینزدولت
داشته باشند و خود را بسته باینزدولت بدانند و الا اگر بخواهند از اینزدولت کناره بگیرند
و طریق مخالفت جویند یا بیکدیگر دست اندازی نمایند انوقت البته اولیای دولت علیه
حق خواهند داشت که در مقام تادیب انها برآیند و انها را بحالت خلاف نگذارند

فی شهر جمادی الاخری ۱۲۷۳

صورت قرارنامه که همین فقرات را سردار محمد علم خان نوشته باولیای دولت

بنده درگاه جهان پناه و لله الحمد از جانب قبله گاه صاحب خود سردار رحمدل خان سردار
قندهار که از عرایض ایشان معلوم میشود مراد و تکمیل نموده است در خدمت اولیای
دولت علیه ایران صانها الله تعالی عن الحدثان فقرات مسطوره ذیل را مینماید که انشاالله تعالی
بعد از فتح قندهار امضای همین فقرات را بمهر قبله گاه خود سردار رحمدل خان کرده تقدیم [illegible]
چنانکه از قدیم الایام قندهار تابع دولت علیه ایران بوده اند بعد از این هم [illegible] از
نوکری و خدمت اینزدولت انحراف نمائیم و هرچه فرمایش و اطاعت بقدر طاقت
اولیای اینزدولت باشد بدون تعلل قیام و اقدام نمائیم و خود را بسته و متعلق باین
دولت دانسته [illegible] و هرگاه امرا و سرداران افغانستان که خواسته باشند با دولت علیه

مخالفت نماید این بنده درگاه با جازت اولیای دولت علیه در مقام طرد و منع برآئیم
و بهر طوری که اولیای دولت علیه دستورالعمل بدهند رفتار کرده مضایقت نمائیم
از فرستادن پیشکش و عریضه و مدام فرستادن و عرض حالات خودمان باولیای دولت
علیه کوتاهی نمائیم و اولیای دولت علیه را همیشه از حالات خودمان مستحضر سازیم و در
خدمت باینزدولت ابدآیت داشته از جمیع دول احتراز و تبری خواهیم داشت و آنچه
سرداران قندهار است بدون اجازه دولت ایران از خاک خود نمیائیم و هرگاه کابلی از آنجا که
خود بتجاوز بخواهد بکند و داخل خاک و نواحی قندهار بشود و اولیای دولت علیه انها را
ممانعت کرده نگذارند از جانب دولت تنبیه شوند

دولت علیه ایران با هر دولتی جنگ یا صلح داشته باشد این بندگان در صلح شریک و در جنگ
رفیق دولت هستیم انشاالله تعالی موافق سایر تبعه بلکه بیشتر از سایرین دولت علیه ایران
میباشیم هر وقت ضرور شود و از دولت علیه اظهار و اعلام شود و قشون برای دولت
علیه لازم شود در فرستادن قشون بقدریکه لازم باشد و بقدریکه میتوانیم مضایقه نمائیم
باید از جانب اولیای دولت علیه وجه تعلیقندی و تدارک مقرر شود که سرکاب همایون
حاضر شوند بعد از رفع احتیاج دولت معاودت نمایند هر قرار [illegible]
بندگان که سرداران قندهاریم مطلقاً و اصلاً با دولت انگلیس مراوده و دوستی

نکنیم

نمایند بلکه مردم خود را ممانعت نمایند از آمد و شد غیر تجارتی و مراوده و دوستی
با انگلیس معلم قشونی یا توپخانه هرچه ضرور شود و لازم داشته باشیم از دولت علیه ایران
میخواهیم و از دولتهای دیگر ابدا معلم برای فوج یا سرباز نگاه نداریم از جانب اولیای
دولت علیه اگر در حق کسی از اهالی انجا وظیفه یا مقرری مرحمت شود که اولیای دولت علیه
بقندهار حواله نمایند بدون مضایقه همانرا مستمر و برقرار خواهیم داشت و همچنین اگر مظلوم
یا ملهوفی از اهل این ملک خدمت اولیای دولت علیه عارض شود اولیای دولت علیه
حق خواهند داشت که غور رسی کرده بهر طور حکم از جانب دولت صادر شود انشاالله
تعالی سرداران قندهار همانرا مجری دارند سرداران قندهار متعهد میشوند که تجار
ایرانرا از هر طبقه و آسیبی از خاک خود مصون و محروس دارند و اگر از جهال و قطاع الطریق
آسیبی بجان یا مال آنها برسد اموال انها را از مرتکبین مسترد سازند و مرتکبین را سزای
خود برسانند بعد از برقرار شدن سردار رحمدل خان در قندهار و بر حکومت
قندهار اگر قشون دولت بطرف قندهار بیاید خواه برای دفع دشمن سردار رحمدل خان
و قندهار و خواه برای دفع دشمن دولت علیه بقدر مقدور در معاونت خواهد کرد مضایقه
نخواهد نمود و علاوه دارانکه سردار رحمدلخان خود سیورسات میدهد در ابتیاع سیورسات
جهه قشون دولت علیه سعی و اهتمام خواهد نمود که بتسهیل بعمل آید دیگر آنکه شخصی از جانب

دولت علیه ایران و رعیت دار باشد که مراقب و متعهدی امر رعیت ایران و بعضی ناقض شرایط

دولت علیه ایران بوده هر گاه نسبت به آنها تعدی و ظلم شود و یا امری که در آن رجوع بحاکم شود اتفاق

افتد در خصوص این شخص مخصوص با سرداران گفتگو نماید و تمشیت این امر را بنماید و این شخص خواه

از اهالی سفیر شود و خواه از مردم همانجا باشد بصلاح سرداران اما در گذرانیدن این امور خرج

خانه مملکت اینقدر باشد که اختیار را از و ساخته شود بعد از آنکه استخلاص و انتزاع قندهار

از چنگ امیر دوست محمد خان و استقلال و استقرار سردار رحمدل خان در حکومت آنجا صورت

قبول و ظهور نمود و دولت علیه بعمل آید بدیهی است اولیای دولت علیه ایران با تحمل اینهمه

مخارج و خسارت حق خواهند داشت که مطالبه نمایند و مردم را راضی کنند اعتبار زیرا که

سردار رحمدل خان و اهالی قندهار بر دولت علیه ایران در انظار دو و دیگر یک ظاهر به نشد

بمصلحت سرداران قندهار که مردم راضی شوند نیز در اینست که بستگی خود را بشرط ظاهر

نمایند و آن اینست که سکه و خطبه را در قندهار بنام نامی و اسم سامی سرکار اعلیحضرت

شاهنشاهی مهان الله تعالی ایام شوکته حضرت شاهنشاهی روح العالمین فداه بکنند لیکن از آنجا

که مردم افغانستان همه افغان و وحشی صفت هستند انجام این امر قدری صعب الحصول است

هر در صورتیکه فتح قندهار بدست قشون دولت علیه بشود و سردار رحمدل خان را برقرار

نمایند در اینصورت بدیهی مینماید که سهل تر خواهد بود پس بر ذمه کل سرداران لازم

لازم

که برای اهالی قندهار بدل نموده بعد از آنکه قبول کنند خواهند گذاشت در اینصورت

بسیار سهل و آسان تر خواهد شد سردار رحمدل خان و سایر سرداران البته بالطوع

و الرغبه قبول خواهند داشت و اگر بطوری کار بشود که مردم خود بلوی کنند چه اینکه قشون

دولت علیه قندهار را تخلیه نمایند در اینصورت حصول این مقصد بالفعل

منوط برضای ملت و اهل ولایت خواهد بود و سردار رحمدل خان و سایر سرداران

آنچه لازمه سعی و کوشش است در هر صورت اعمال خواهند آورد که انشاء الله این عمل را ملکه اسلام

نمایند و بستگی خود و اهل خود را با دولت برای دفع شر دشمن خارج و داخل زیاده ظاهر

سازند [illegible]

صورت عهدنامه دولت ایران با دولت اوستریا بعون الله تعالی

بعون ایزد متعال پادشاه با الاستقلال اعظم و شهریار بالاستحقاق اکرم زیب

افزای سریر خلافت و تاجداری و زینت بخشای اریکه سلطنت و شهریاری حامی آثار عدل

و انصاف ماحی علایم جور و اعتساف داور تاج و تخت دارای فر و بخت افتخار ملوک

کیان مالک بالارث ممالک ایران موافق این مبارک سطور هر کس بخواند و تعلق داشته

باشد معلوم میشود که در بیست و دوم شهر رمضان المبارک هزار و دویست و

هفتاد و سه هجری در پاریس فیمابین اعلیحضرت ملوکانه و اعلیحضرت امپراطور اوستریا موافق اختیار

نامجاتی که از طرفین داده شده بود یعنی از جانب مالکیجناب جلالتماب مقرب الخاقان

فرخ خان امین الملک سفیر کبیر دولت علیه ایران صاحب تصویر همایون با حمایل آبی

و دارای کمر مکلل بالماس و غیره و غیره و از جانب اعلیحضرت امپراطور اوستریا جناب

سیور بارون ژورف الکسندر و هوبنر صاحب نشان های سلک امپراطوری لهاو پولد و تاج

آهنی از مرتبه اول مشیر مخصوص و سفیر کبیر خود مقیم دربار دولت فرانسه عهد دوستی و تجارت

قرار داد و منعقد شده است که مشتمل است بر فصول آتیه و کلمه بکلمه از این قرار است

بسم الله الرحمن الرحیم چون اعلیحضرت خورشید رایت اقدس همایون شاهنشاه اعظم و پادشاه

بالاستقلال کل ممالک ایران و اعلیحضرت امپراطور اوستریا پادشاه مجارستان و چه و

دالماسیه و کرواسی و اسلاونی و گالیسی و لودومری و ایلیری و لمبارد و ونیز و سلوونی و شلیم و ارشیدوک

اوستریا و غیره و غیره هر دو علی السویه آرزوی صادقانه دارند که فیمابین دولتین روابط دوستی

برقرار و با انعقاد عهدنامه دوستی و تجارتی و سیاحت سفینه که بالسویه نافع و سودمند

تبعه دولتین متعهدتین باشد مودت جانبین را مستحکم سازند لهذا برای تقدیم این کار

اعلیحضرت شاهنشاه ایران جناب جلالتماب مقرب الخاقان فرخ خان امین الملک سفیر کبیر

خود صاحب تصویر همایون با حمایل آبی و دارای کمر مکلل بالماس و غیره و غیره را و اعلیحضرت

امپراطور

امپراطوری اوستریا جناب سیور بارون ژورف الکسندر هوبنر صاحب نشان های

سلک امپراطوری لهاوپولد و تاج آهنی از مرتبه اول مشیر مخصوص و سفیر کبیر خود مقیم

دربار اعلیحضرت امپراطور فرانسه را وکلای مختار خود تعیین کردند و ایشان بعد از آنکه در پاریس

مجتمع شدند و اختیارنامه های خود را مبادله کردند و مطابق و موافق ترکیب رسمی

یافتند فصول آتیه را برقرار کردند **فصل اول** از تاریخ امروز فیمابین ممالک و

رعایای دولت علیه ایران و ممالک و رعایای دولت بهیه اوستریا دوستی

صادق و اتحاد صمیمی برقرار خواهد بود **فصل دویم** سفرا و سایر مامورین دیپلوماتیک

که دولتین علیتین متعهدتین بخواهند در دربار یکدیگر مامور و مقیم سازند در مملکتین نسبت

بایشان و اتباع سفارت ایشان همان پذیرائی و رفتار خواهد شد که در حق سفرا

و سایر مامورین دیپلوماتیک دول کاملة الوداد میشود و در هر باب از همان تشریفات و

معافات و امتیازات بهره مند خواهند بود **فصل سیم** تبعه دولتین معاهدتین بعد از

این مأذون خواهند بود که با آزادی تمام در ممالک طرفین سیر نمایند و از خاک دولتین

بممالک همجوار بگذرند چنانچه آنکه کارگذاران ولایتی متعرض ایشان شوند بل کمال دقت را

خواهند نمود که ایشان را از هر نوع مزاحمت محفوظ بدارند و همیشه امنیت شخصی ایشان را ملاحظه

نمایند و در حق ایشان بقدر امکان الطاف و رعایت کنند که در مدت سفر بهیچوجه

ضرر و تعرض و تعدی بر ایشان نرسد و نباید و بجهة امتعه مذکوره عبور و فرامین و سایر احکامات
بایشان عطا خواهند کرد فصل چهارم رعایای دولتین از صنوف تجار و پیشه وران و
سیاحان که از برای مصالح خود بممالک جانبین بروند از حین دخول تا وقت خروج خود
نسبت بایشان همان رعایات پذیرائی و رفتار خواهد شد که نسبت برعایای دول کاملة الوداد
میشود بنابراین تبعه دولتین مأذون خواهند بود که چه از خشکی و چه از دریا امتعه بممالک یکدیگر
ببرند و از مملکت یکدیگر ببرند و در ولایات طرفین حمل و نقل کنند و در تمام
ممالک دولتین موافق قواعد و قوانین جاریه ولایات طرفین تجارت نمایند و خانهها و
انبارها و دکاکین از جهة امور خود اجاره نمایند و از ایشان هیچ اسم و بهانه مالیاتی
مطالبه نخواهد شد مگر آنچه از رعایای دول کاملة الوداد مطالبه میشود و این مقرر است که
اگر دولت علیه ایران برعایای یک دولت خارجه در ایران حق تحصیل و تملک اراضی و
خانهها و انبارها و سایر املاک بدهد همان حق نیز برعایای دولت اوستریا داده خواهد شد
رعایای دولتین که در مملکتین بخواهند تجارت داخله نمایند درباب این تجارت
منطبع قوانین آن مملکت خواهند بود که محل تجارت مزبوره است صاحب منصبان و مأمورین
با رعایای دولت علیه ایران بعنف داخل خانهها و انبارها و دکاکین یکی از رعیت اوستریا
نخواهند شد و در صورت لزوم باید هرجا که مأمور دیپلوماتیک یا قونسول اوستریا

باشد ایشان را پیش از وقت اخبار کنند و هیچ تجسس خانگی جایز نخواهد بود مگر در حضور نایبی که
مأمور یا قونسول مشارالیهم معین کرده باشند در جائیکه مأمور یا قونسول اوستریا نباشد در
اجناب نسبت به تبعه دولت مشارالیها همان رفتار خواهد شد که نسبت برعایای دول کا
ملة الوداد میشود در جائیکه از دول مشارالیهم مأمور یا قونسول نیست فصل پنجم رعایای دولت
اوستریا که بممالک ایران امتعه ببرند یا از ممالک مزبوره بخارج حمل نمایند درباب حقوق
گمرک نسبت بایشان همان رفتار خواهد شد که نسبت برعایای دول کاملة الوداد میشود و همچنین
رعایای ایران که بممالک دولت اوستریا امتعه ببرند یا از ممالک مزبوره بخارج حمل کنند
درباب حقوق گمرک و عوارض نسبت بایشان همان رفتار خواهد شد که نسبت برعایای
دول کاملة الوداد میشود فصل ششم نظر باتحاد صمیمی و مراودات مخصوصه که فیمابین دو دولت
اوستریا و سایر دول اتفاق جرمانیا برقرار است اعلیحضرت شاهنشاهی و اعلیحضرت
امپراطوری قرار میدهند که تبعه ممالک مزبوره جرمانیا باید در آن بهره یاب باشند
از جمیع حقوق و امتیازاتی که بواسطه این عهدنامه تجارت به تبعه اوستریا داده شده است
بشرط اینکه دول مزبوره جرمانیا در مدت سه سال از تاریخ تصدیق این عهدنامه تعهد
بکنند که همان حقوق و منافع که در ممالک اوستریا بتجارت و رعایای ایران
داده شده خود نیز بتجارت و رعایای ایران بدهند فصل هفتم دولتین علیتین متعهد میشوند

بجهة حمایت تبعه و تجارت جانبین و بجهة تسهیل مراودات حسنه و معادلانه رعایای طرفین
برای خود این حق را اختیار میکنند که هریک از دولتین سه نفر قونسول تعیین نمایند
قونسولهای ایران در وینه یا طریست و دیگر اقامت خواهند داشت قونسولهای
اوستریا در دارالخلافه طهران و دارالسلطنه تبریز و در یکی از بنادر خلیج فارس که بعد
باید معین شود مقیم خواهند بود از کل احترامات و امتیازات که در حق قونسولهای
هم رتبه و مأمورین تجارتی دول کاملة الوداد معمول میشود در حالت ظهور اغتشاش حتی
باید بموجب استدعای قونسولها بجهة حفظ و حراست خانه قونسول گری لازمه مستحفظ
بایشان بدهند مأمورین دیپلوماتیک و قونسولهای اوستریا نباید در خفیه و نه در ملاء
هیچیک از تبعه ایران را که در خدمت سفارت امپراطوری یا قونسولهای جنرال یا قونسول
و وکلای قونسول اوستریا نباشند اما اگر دولت ایران بیک دولت خارجه خاص حقی
بدهد همان نیز بدولت اوستریا داده خواهد شد و در اینخصوص مثل سایر حقوقات دولت
اوستریا بهره یاب خواهد بود از همان امتیازاتی که بدول کاملة الوداد داده میشود و این مقرر است
که اگر مأموری از مأمورین قونسول گری دولت اوستریا در ایران مشغول تجارت شود در باب
تجارت خود همان قوانین و رسومیکه در حق رعایای دولت متبوعه او جاری است مطیع
خواهد بود فصل هشتم دولتین علیتین جمیع تعهدات و سایر قرار دادها تبعه جانبین را

درباب امور تجارتی باکمال صدق و درستی محفوظ و مقرر خواهند داشت بجهة مواظبت امنیت
تبعه اوستریا در ایران تمسکات و ضمانت نامجات و بروات و جمیع قرارنامجات که فیمابین
رعایای دولتین علیتین متعهدین درباب امور تجارتی مسطور و ابراز شود در دیوانخانه و در حضور
خدام آن در کارگذارخانه ولایتی که محل رجوع اینگونه کارها باشند و کارگذارک در هر جائیکه کارگذار نبوده
[illegible] ممضی شود که در صورت ظهور منازعه بتوانند لازمه تجسس را بکنند
و منازعات مزبوره را از روی عدالت قطع و فصل نمایند بنابراین هرکسیکه مستندات خصمیه
بطریق مذکور نداشته باشد و بخواهد با یکی رعیت اوستریا ادعائی برپا نماید و بجز اقامه شاهد
هیچ دلیلی دیگر نیاورد ادعای او مسموع نخواهد شد مگر در صورتیکه ادعای مذکور مقبول رعیت
اوستریا باشد و همچنین دولت بهیه اوستریا تعهد میکند که در ممالک خود برونق قواعد و رسوم
جاریه مواظبت امنیت رعایای ایران باشد و در اجناب نسبت بایشان مثل رعایای
دول کاملة الوداد رفتار نماید فصل نهم جمیع منازعات و مباحثات و کل دعاوی
که در ایران فیمابین تبعه اوستریا که در آن محل یا در مکانی که اقرب باشد قونسولی مقیم باشد
مواد مذکوره را بر وفق قوانین اوستریا تحقیق و فصل خواهد کرد بی آنکه کارگذاران ولایتی
بخواهند و بهیچ من الوجوه ممانعت یا معارضه نمایند دعاوی و منازعات و مباحثات ولیکن
در ایران فیمابین تبعه اوستریا و رعایای سایر دول خارجه اتفاق بیفتد قطع و فصل مراتب

مذکوره فقط بتوسط مامورین یا قونسولهای ایشان خواهد بود و جمیع منازعات و مباحثات و جمله
دعاوی که در ایران فیمابین تبعه دولتین علیتین متعاهدتین ظهور نماید در دیوانخانههای ایران
قطع و فصل خواهد شد ولی قطع و حکم این مباحثات و دعاوی جایز نخواهد بود مگر در حضور و بعلاوه
مامور دیپلوماتیک یا قونسول امپراطوری یا باسم او در حضور یک مترجم اوستریا و بعلاوه
تمام این مواد بر وفق قوانین و رسوم ولایتی خواهد بود و قضیه مرافعه بحکم حاکم شرع طی شد
تجدید محاکمه آن ممکن نخواهد بود ولی اگر بعد از وقوع حکم مجددا مطالعه و تحقیق آن واجب
شود این تجدید محاکمه جایز نخواهد بود مگر بعلم مامور دیپلوماتیک یا قونسول اوستریا یا نایب
قونسول مشارالیه در حضور مترجم اوستریا در یکی از دیوانخانههای بزرگ و قطعی که در طهران
و تبریز و اصفهان مقرر است بالمعاوضه این تعهدات تبعه دولت علیه ایران در ممالک
اوستریا در حالت ظهور منازعه بجهة مصالح و حقوق مکتسبه خود بهره یاب خواهند بود
از حمایت کامل قوانین و دیوانخانههای اوستریا بهمان نحوی که رعایای مملکتی و تبعه
سایر دول خارجه بهره مند هستند و درباب مداخله مامورین دیپلوماتیک و قونسولها
و کارگذاران دولت علیه ایران در نزد کارگذاران امپراطوری دولت بهیه اوستریا
بایشان بهمان مرتبه توسط خواهند داد که در ممالک اوستریا بمامورین دیپلوماتیک
و قونسولهای دول کاملة الوداد داده میشود فصل دهم اگر کسی از تبعه دولتین
علیتین در

علیتین در ممالک جانبین مفلس شود تمام اموال و اشیاء و مطالبات و قروض او را ضبط
خواهند کرد که لازمه حساب را قطع و بعد از آن اموال او را در میان طلبکاران بموجب
حقانیت و موافق مناسبت تقسیم نمایند و پس از اتمام این امر طلبکاران مذکوره باید
بعد از اخذ مبالغ متفرقه مستندات طلب خود را رد نمایند اینقاعده درباره یک رعیت
اوستریا در ایران معمول نخواهد بود مگر بعلم و توسط مامور دیپلوماتیک یا قونسول اوستریا
و قونسول مشارالیه بمقتضای اظهار طلبکاران بلاتامل بلازمه تفحص اقدام خواهد نمود
که معلوم کند که آیا مفلس مذکور در وطن خود اموالی که کفایت طلب ایشان نماید باقی
گذاشته است یا خیر هرگاه یک رعیت ایرانی در ممالک اوستریا مفلس شود دولت بهیه
اوستریا بمامورین و قونسولها و کارگذاران دولت علیه ایران درخصوص توسط ایشان
در امر رعیت مزبور بهمان مرتبه مداخله را خواهد داد که برحسب اتفاق بمامورین دیپلو
ماتیک و قونسولهای دول کاملة الوداد داده میشود فصل یازدهم هرگاه یکی از تبعه جانبین
در ممالک دولتین رعایت [illegible] او را الزاما تسلیم مامورین یا قونسول دولت
متبوعه میشود که او بر وفق قوانین و رسوم مملکت خود در اینباب بمناسبت حال عمل
نماید فصل دوازدهم هرگاه در مواد جرایم کبیره رعایای ایران در ممالک اوستریا
یا رعایای اوستریا در ممالک ایران مورد اتهام شوند محاکمه مواد مذکوره در
محکمه

از روی انصاف خواهد بود که نسبت بدول کاملة الوداد معمول است فصل سیزدهم هرگاه فیمابین
یکی از دولتین و یک دولت دیگر جنگ واقع شود محض این سبب هیچ نوع خلل و ضرر و تغییری
بمواد عهدنامه و بدوستی صادقانه که باید الی الابد فیمابین دولتین علیتین ایران و اوستریا
برقرار باشد نخواهد رسید فصل چهاردهم این معاهده حاضره از تاریخ روز مبادله تصدیق
نامجات الی مدت ده سال برقرار خواهد بود و همچنین بعد از انقضای مدت مزبور برقرار خواهد بود تا
دوازده ماه پس از آنکه یکی از دولتین متعاهدتین نیت خود را در توقیف و ترک اجرای این
معاهده بدولت دیگر اظهار نماید حکام و سرکردگان و لشکریان و بعد جمیع ضباطان و سایر کارگذاران
دولتین مامور خواهند بود که در اجرای این شروط بذل کمال دقت نمایند و بوجه من الوجوه
از شروط مذکوره تخلفی را جایز ندارند تصدیق نامجات اعلیحضرتین دو پادشاه ذیجاه در پاریس
یا در اسلامبول در مدت شش ماه یا زودتر هرگاه ممکن شود مبادله خواهد شد بجهة اعتماد مراتب
فوق وکلای مختار دولتین متعاهدتین این عهدنامه را ممضی و بمهر خود ممهور ساختند در دو نسخه در زبان
فارسی و فرانسه در پاریس بتاریخ ۲۲ شهر رمضان المبارک سنه ۱۲۷۳ هجری مطابق هفدهم شهر
مه ملکوتی سنه ۱۸۵۷ تحریر یافت بنا علیهذا ما اعلیحضرت پادشاهی بعد از ملاحظه کامل عهدنامه
دوستی و تجارتی مسطوره فوق را امضا و تصدیق داشتیم بنوعی که موافق این مسطور رسیده قبول و
ممضی و تصدیق میفرمائیم در کل مضامین آن و قبول ملوکانه ما از برای خودمان و خلفای ما

و عهده میفرمائیم که آنچه در این عهدنامه قرار داده شده از جانب ما بلاتخلف معمول خواهد شد
از برای اعتبار آن ما این تصدیق نامه را بدستخط خودمان مزین نموده حکم کرده ایم که بمهر دولت
خودمان مختوم شود بتاریخ هیجدهم شهر ذیحجة الحرام هزار و دویست و هفتاد و سه هجری سال هفتم
سلطنت ما سنه ۱۲۷۳ — السلطان ناصرالدین شاه قاجار

محل دستخط و مهر مهر آثار
الواثق بالله الملک القهار

محل امضا و مهر جناب مستطاب اشرف امجد ارفع
میرزا آقاخان اعتمادالدوله صدراعظم
دولت علیه ایران مهر ذیحجة الحرام ۱۲۷۳

سواد اعلام نامه که نزد مقرب الخاقان میرزا حسینخان وزیر مختار اسلامبول فرستاده شد

بالچی اوستریا [illegible]

چون جناب کونت بلوف رئیس مجلس وزراء و وزیر امور خارجه دولت عراندوک
[illegible] شورین از جانب دولت متبوعه خود در سفارت اظهار داشته بود که دولت عراندوک
خواهان و آماده است بموجب فقره هشتم عهدنامه دوستی و تجارتی که مابین دولتین ایران
و اوستریا بتاریخ ۲۲ رمضان سنه ۱۲۷۳ در پاریس مطابق ماه مای سنه ۱۸۵۷ انعقاد یافته
از حقوق و امتیازات عهدنامه مزبوره مستفید گردد در سفارت اعلام نمود که تجارت و
اتباع دولت علیه ایران در مملکت عراندوک همان حقوق و امتیاز داده خواهد شد
که بموجب فقرات عهدنامه مسطوره در ممالک اوستریا بهره یاب هستند مادام که تجارت
و اتباع دولت عراندوک در ممالک ایران همان امتیازات و حقوق بهره مند و ممتاز

می‌باشند لهذا وزیر امور دول خارجه دولت علیه ایران بجناب کونت بلوف رئیس مجلس وزرا
و وزیر امور خارجه دولت گراندوک ملکلنبورغ شورین فصول نوشته مزبور را اظهار نموده و از
جانب دولت اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی و ولی نعمت خود رسماً اعلام می‌نماید
که در ممالک ایران بتجارت و اتباع دولت بهیه گراندوک همان حقوق و امتیازات
داده خواهد شد که بموجب عهدنامه پاریس منعقده مابین دولتین بهیتین ایران و اوستریا
بتاریخ ۲۲ رمضان المبارک سنه ۱۲۷۳ بتجارت و اتباع دولت اوستریا داده شده است
مادام که اتباع دولت علیه ایران در مملکت گراندوک همان حقوق و امتیازات نایل
و بهره‌یاب بشند در وزارت امور خارجه دولت علیه ایران در دار الخلافه طهران
بتاریخ ۵ شهر جمادی الاول تحریر یافت

[illegible] نامه [illegible] که [illegible] ایران [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم بر خردمندان تیزهوش و تیرهوشان [illegible] پوشیده و نهان نیست
که جناب رب الارباب انتظام امور معاش و معاد عباد را بقبضه ارادت و اختیار
سلاطین با عدل و داد [illegible] فرمایند در تحصیل مال و حصول آمال و انجاح مطالب و مقاصد
مارب طریق مهربانی و وداد سپرند و بر امور تعاند و خلاف حساب نکردند بنابر آن
بنقال انکه اعلیحضرت کیوان رفعت مشتری سیرت بهرام سطوت خورشید رایت

پادشاه

ناهید بهجت مالک ممالک محروسه ایران [illegible] شاه قاجار خلد الله ایام سلطنته الی آخر الزمان
و اعلیحضرت فلک رفعت پادشاه تمامی بلجیق لئوپولد ادام الله ایامه الی آخر الدوران
هر دو علی السویه چنین مناسب دیدند که بجهة تاسیس قواعد دوستی و محبت تمهید مراسم
مجاورت و مودت و ترفیه حال رعیت و گشایش ابواب منافع تجارت بر روی
رعایا و برایا مابین دولتین علیتین معاهده دوستی و تجارت منعقد و برقرار شود لهذا از دولت
علیه ایران عالیجاه مقرب الخاقان میرزا جعفر خان مهندس باشی عساکر منصوره ایلچی مختار
دولت علیه ایران در دربار عثمانیه صاحب نشان صورت همایون و نشان اول
شیر و خورشید سرتیپی و صاحب دو حمایل افتخار سبز و سرخ و نشان افتخار دولت علیه
عثمانیه را از قرار دستخط اعلیحضرت همایون و امضای جناب جلالتمآب اجل اکرم حاجی
میرزا آقاسی سلمه الله تعالی در خصوص وکیل و مختار نموده اعلیحضرت پادشاه بلجیقا از
قرار دستخط همایون و امضانامه جلالتمآب جناب برون فرانسوا جان [illegible] وزیر مختار
دولت بهیه بلجیقا مقیم اسلامبول صاحب نشان پادشاهی تمامی مملکت بلجیق و صاحب
نشان ابد و حرمت دولت فرانسه صاحب نشان درجه اول مختار دولت عثمانیه را
در این باب ماذون و مختار ساخته لهذا مامورین مذکورین بعد از تبدیل اختیارنامه
طرفین قرار معاهده را در ضمن هشت ماده صحیح اتیه دادند ماده اول فیمابین دو دولت

علیه ایران و دولت بهیه بلجیقا و تبعه ایشان اساس دوستی مؤبد پایدار و برقرار شود
ماده دویم تبعه دولتین فخیمتین آمدورفت نمایند بممالکت یکدیگر تردد و گشت و گذار نمایند
و هر کدام خواهند با کرایه برای امر تجارت و نشیمن خود منزل و حجره و انبار اجاره نمایند
ماذون باشند و از طرف مباشرین دیوان ممانعت نشود و در حق آحاد رعیت دولتین
رعایت عزت و حرمت ملحوظ شود و از اجحاف و ستم مصون و محروس باشند و اگر
یکی از دولتین ذی‌شوکتین با دولتی دیگر جنگ و محاربه داشته باشد اصلا بدوستی ابدی
این دو دولت بهیچوجه خلل نخواهد رسید ماده سیم اشخاصیکه از تبعه دولتین بهیتین بعزم
تجارت یا سیاحت بممالک یکدیگر می‌روند یا توقف می‌نمایند در حق آنها از رسم احترام
مرعی شود از عوارض و تقیصم معاف باشند و در وقت دخول و خروج تجار دولت
بلجیقا از امتعه آنها در یکجا یکدفعه از صد پنج گمرک ربا و مطالبه نشود و امتعه تجار
دولت علیه ایران مثل تبعه دولتین بهیتین فرانسه و انگلیس موافق تعرفه رفتار
گردد ماده چهارم از تبعه دولت بهیه بلجیقا اگر بطریق سیاحت یا تجارت بممالک دولت
علیه ایران احکام و [illegible] عبور مرحمت شود که کسی مزاحم و مانع آنها نشود و حمایت از
آنها نماید ماده پنجم دولت علیه ایران ماذون نمایند که دو نفر رئیس تجار از دولت بلجیقا
در تبریز و دار الخلافه طهران مقیم شوند که با مامور تبعه دولت خود دادرسی کنند و همچنین اگر

دولت

دولت علیه ایران بخواهند که در شهرهای بروجل و انورس مملکت بلجیقا رئیس تجار بگذارند
ماذون خواهند بود ماده ششم اگر مابین تبعه جانبین از بابت معامله نزاع و دعوائی اتفاق
افتد باستحضار رئیس تجار یا ترجمان آن دولت موافق شریعت و عادت مملکت قطع و فصل
[illegible] شود [illegible] تبعه [illegible] تشخیص و تحقیق اموال
اسباب او را فیمابین ارباب طلب بطور غرما بسویت و تقسیم نمایند و همچنین در وقت
وفات یکی از طرفین اموال و سر و کالات او برئیس تجاران دولت تسلیم شود ماده هفتم
انشاء الله تعالی این عهدنامه دوستی و تجارت ابد الدهر با کمال صداقت و وقت از طرفین
ملحوظ و مرعی خواهد شد و بهیچوجه خلل و نقصانی باجزای آن راه نخواهد یافت این عهدنامه
دوستی و تجارت بسیاق واحد در دو نسخه تحریر و املا شد و از جانب مرخصین دولتین
علیتین ممضی و ممهور گشته و مبادله گردیده انشاء الله تعالی نسخه مزبوره از طرف دولتین بهیتین
تصدیق گشته و در مدت چهار ماه یا کمتر التصدیق نامجات باسلامبول آمده مابین المامورین از
۱۲۷۵
سر نو مبادله گردد بتاریخ روز چهارشنبه ۲۵ جمادی الاول مطابق سال [illegible]
و مطابق چهاردهم شهر جولای ۱۸۴۱ عیسوی در دار الخلافه اسلامبول بسمت اتمام رسید
بتاریخ ۱۵ دسمبر ۱۲۵۷ مابین وکلای دولتین منعقد و مبادله و این عهدنامه مبارکه [illegible]
نظر باظهار جناب برون [illegible] و ملاحظه کتاب تعرفه بسبب تغییر فقره آخر ماده سیم عهدنامه

که متعلق بگمرک تبعه دولت علیه ایران بدولت بهیه ملحقات نظام گمرک دولت ملحق
مغشوش و پریشان لهذا مامورین طرفین محض ملاحظه صلاح دولتین علیتین قرار [illegible]
باین نحو دادند که تبعه دولتین گمرک را وقت ورود و خروج بمملکت یکدیگر مانند شرط
اول عهدنامه تجارتی دولت بهیه انگلیس که این اوقات مابین دولت علیه ایران و
دولت مشار الیها منعقد شده است کارسازی نمایند این شرط نامه جداگانه است انشاء الله تعالی
بعد از تصدیق و امضای امنای دولتین در مدت چهار ماه یا کمتر در اسلامبول مبادله خواهد شد
همان قدر قدرت خواهد داشت در عهدنامه مبارکه که در جمادی الاول منعقد گشته لفظ بلفظ مندرج
شده ۲۶ ذیحجة الحرام در اسلامبول قلمی و مبادله کردم

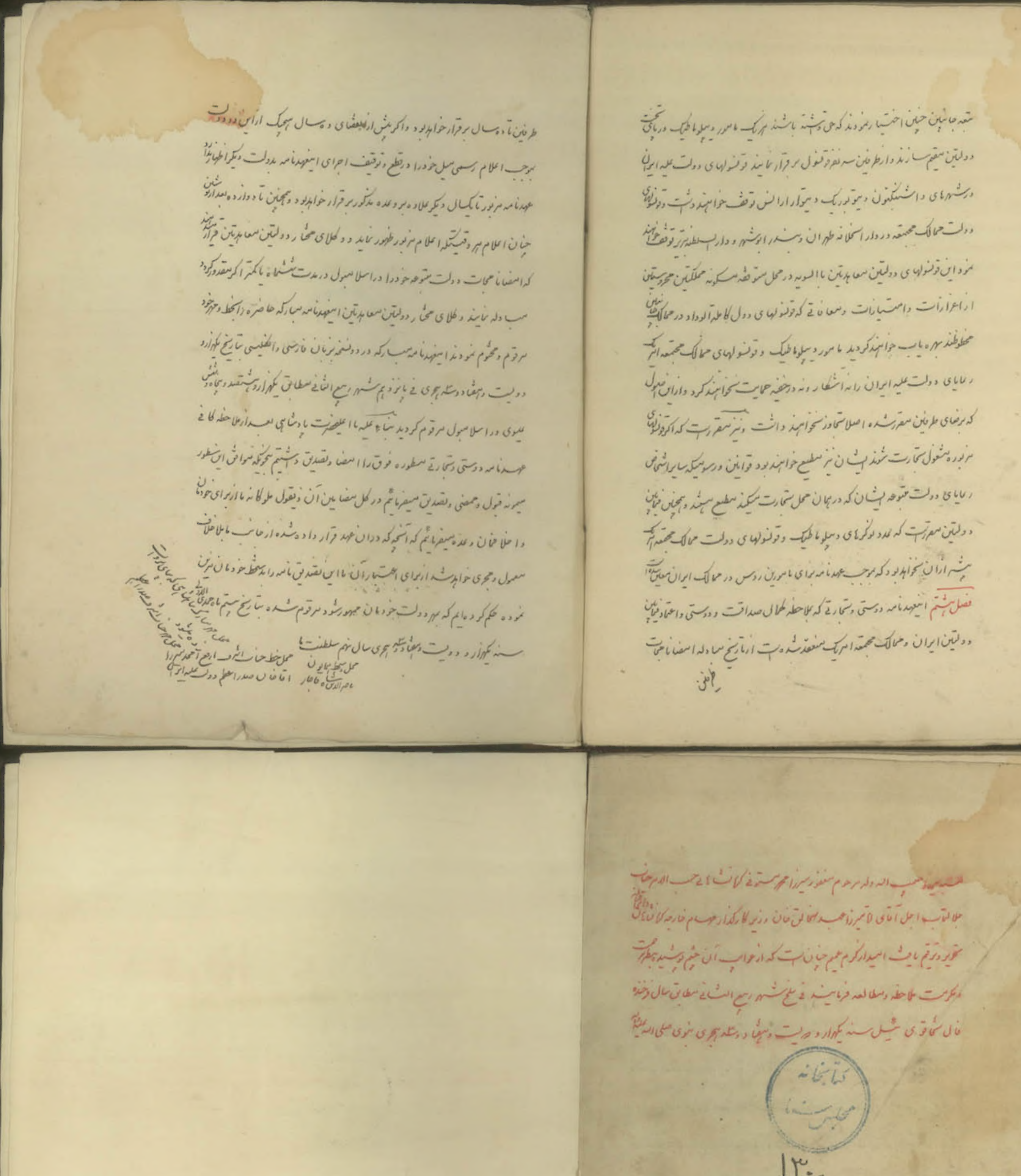
صورت عهدنامه امریک شمالی و ینکی دنیا بتوسط فرخ خان امین الملک در هزار و دویست
هفتاد و سه بسته شد

چون اعلیحضرت کیوان رفعت شاهنشاه اعظم بالاستقلال کل ممالک ایران و رئیس
ممالک مجتمعه امریک شمالی هر دو علی السویه نهایت اراده صادقانه دارند که روابط دوستی
فیمابین دولتین برقرار و بواسطه عهد دوستی و تجارتی که بالسویه نافع و سودمند تبعه دولتین
قوی چنان خواهد بود مودت و اتحاد جانبین را مستحکم سازند لهذا برای تقدیم این کار
اعلیحضرت شاهنشاه کل ممالک ایران جناب مجدت و فخامت نصاب فرخ خان امین الملک
ایلچی کبیر

ایلچی کبیر دولت علیه ایران صاحب نشان تصویر همایون و حمایل مخصوص آن و حامل کمر
مکلل بالماس وغیره وغیره وغیره و رئیس ممالک مجتمعه امریک شمالی کارول اسپنس وزیر
ممالک مجتمعه مزبوره مقیم دربار دولت عثمانی را وکلای مختار خود تعیین کردند و ایشان
بعد از آنکه اختیارنامجات خود را مبادله کردند و موافق قاعده یافتند فصول
آتیه را برقرار کردند **فصل اول** بعد الیوم فیمابین دولت ایران و رعایای این دولت
و دولت و رعایای ممالک مجتمعه امریک شمالی دوستی صادق و اتحاد محکم برقرار
خواهد بود **فصل دویم** سفرای کبار و مامورین دیپلوماتیک که هر یک از دولتین متعهدتین
و اتباع ایشان معمول و مجری و بهمان امتیازات محفوظ خواهند بود **فصل سیم**
تبعه دولتین متعاهدتین از قبیل سیاحان و تجار و پیشه ور و غیرهم که در مملکتین بجهت
سیاحت و توقف نمایند بالسویه از جانب حکام ولایات و وکلای طرفین بعزت
و حمایت قادرانه بهره مند خواهند گردید و در هر حال سلوکی که نسبت باتباع دول
کاملة الوداد منظور میشود در حق ایشان نیز منظور خواهد شد و بالمعاوضه با دول دیگر
که هر گونه امتعه و اقمشه و محصولات چه از راه دریا و چه از راه خشکی بمملکت یکدیگر
بیاورند و از مملکت همدیگر ببرند و بفروشند و مبایعه و معاوضه نمایند و بهر بلدی
از بلاد مملکتین که خواهند حمل و نقل نمایند ولیکن این معنی است که تجار طرفین

که اقدام تجارت داخله مملکتین نمایند در خصوص تجارت مزبوره مطیع قوانین آنکلی که محل
تجارت مزبوره باشد خواهند بود و درصورتیکه یکی از دولتین بعد از این درباب تجارت
داخله امتیازات تازه برعایای سایر دول بدهد همان امتیازات نیز داده خواهد
شد برعایای هر یک از این دو دولت که در ممالک دیگری مشغول تجارت داخله باشند
فصل چهارم هر گونه امتعه و اقمشه که اتباع دولتین علیتین متعاهدتین بمملکت یکدیگر
نقل نمایند و یا از مملکت همدیگر بیرون ببرند وجه گمرکی که از تجار و اتباع دول
کاملة الوداد حین ورود امتعه و محصولات ایشان بولایات دولتین و حین خروج
از مملکتین مطالبه میشود از ایشان نیز مطالبه خواهد شد و حق و وجه علیحده بهیچ اسم
و رسم در دولتین علیتین مطالبه نخواهد شد **فصل پنجم** در ممالک محروسه ایران
هرگاه مرافعه یا مباحثه فیمابین تبعه دولت علیه ایران و اتباع دولت ممالک مجتمعه
امریک شمالی حادث شود در محلی که وکیل یا قونسول دولت مجتمعه امریک مقیم باشد
مقالات متداعیین و تحقیق و تدقیق و اجرای حکم بعدل و انصاف در محکمه دولت
علیه ایران که محل عادیه طی اینگونه امورات است با حضور احدی از منتسبان وکیل
یا قونسول دولت ممالک مجتمعه امریک خواهد شد در ممالک محروسه ایران اگر
فیمابین اتباع دولت ممالک مجتمعه مرافعه یا منازعه روی دهد طی گفتگو و اجرای [illegible]
آن بالتمام

آن بالتمام بعهده وکیل یا قونسول است اگر متوقف در محل مرافعه و مباحثه و منازعه
بوده باشند والا در مملکتی که اقرب بمحل مزبور است خواهد بود وکیل یا قونسول مزبور طی
این گفتگو را بر وفق قوانین متداوله در ممالک مجتمعه و تبعه سایر دول خارجه واقع شود بتحقیق
و اجرای حکم آن بعهده وکلا یا قونسولهای طرفین خواهد بود و کذالک گفتگوها و منازعاتیکه
فیمابین تبعه دولت علیه ایران و اتباع ممالک مجتمعه اتفاق افتد قرار انجام و اتمام آن
بنحوی خواهد بود که با اتباع دول کاملة الوداد در ممالک مزبوره معمول و مرتب میشود تبعه
دولت علیه ایران در ممالک مجتمعه با اتباع دولت ممالک امریک شمالی در ممالک ایران
اگر متهم بگناهان کبیره گردند بنحوی که در مملکتین مزبورتین اتباع دول کاملة الوداد
رفتار میشود با ایشان نیز معمول و مرتب و قطع و فصل خواهد شد **فصل ششم** هرگاه
احدی از اتباع دولتین علیتین در مملکتین محروستین وفات یابد درصورتیکه میت را
اقوام یا شرکا باشد ترکه او بالتمام تسلیم ایشان خواهد شد و درصورتیکه شخص میت را
قوم و شریکی نباشد متروکات او امانتاً بوکیل یا قونسول دولت متبوعه میت تسلیم
میشود تا مشارالیه بر وفق قوانین متداوله در مملکت خود چنانکه شاید و باید در اینباب
معمول دارد **فصل هفتم** دولتین علیتین متعاهدتین بجهة حمایت اتباع خود و تقویت
امور تجارت فراهم آوردن اسباب حصول معاشرت دوستانه و عادلانه فیمابین



... حبیب الله ولد مرحوم مغفور میرزا محمد مستوفی کاشانی ... جناب
جلالتمآب اجل آقای میرزا عبدالخالق خان وزیر کارگذار مهام خارجه ...
تحریر و ترقیم یافت امیدوار کرم عمیم چنان است که از عواقب آن چشم پوشیده بنظر مرحمت
و مکرمت ملاحظه و مطالعه فرمایند فی سلخ شهر ربیع الثانی مطابق سال فرخنده
فال تخاقوی ئیل سنه یکهزار و دویست و پنجاه و دو هجری نبوی صلی الله علیه ...

